

# گزارش تفصیلی پژوهش شناسایی مسائل اولویت دار کودک

رصدخانه نوجوان

نوع گزارش: تفصیلی پژوهشی

نویسنده: نجمه ابراهیمی

همکاران: عطیه طالبی، زهراترکی، بهجت حاجیان

خرداد ۱۴۰۱

# باسمہ تعالیٰ

گزارش تفصیلی پژوهش شناسایی

مسائل اولویت دار کودک

نویسنده : نجمه ابراهیمی

همکاران: بهجت حاجیان، عطیه طالبی، زهرا ترکی

رصدخانه نوجوان

خرداد ۱۴۰۱



## گزارش تفصیلی پژوهش شناسایی مسائل اولویت دار کودک

در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۰ توسط هیئت زیر بررسی و به تصویب نهایی رسید:			
ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	امضا
۱	دکتر علی هاشمیان فر	ناظر علمی طرح	
۲	دکتر محمد صالح طیب نیا	ریاست پژوهشکده مهرستان	
۳	آقای وحید ملتجی	مدیر پردیس هنری رویا	
۴	دکتر احمد مهرشاد	مدیر رصدخانه نوجوان	

فهرست مطالب

۶	پیشگفتار: .....
۷	فصل اول: کلیات طرح .....
۷	مقدمه: .....
۷	بیان مسئله .....
۸	اهداف پژوهش: .....
۹	فصل دوم : روش‌شناسی، مرور ادبیات نظری و پیشینه تحقیق .....
۹	روش‌شناسی مطالعه .....
۱۱	ادبیات نظری پژوهش .....
۱۱	مسئله اجتماعی: .....
۱۱	ویژگی‌های داوران کودکی و نوجوانی: .....
۱۶	مسائل و انحرافات نوجوانان در نظریه‌های جامعه‌شناسی: .....
۲۴	نظریات دسته بندی شده خارج از مبحث انحرافات؛ .....
۳۴	پیشینه و مطالعات مقدماتی پژوهش .....
۳۴	تحقیقات و داده‌ها در خصوص مسائل الویت دار کودکان: .....
۳۸	روش پژوهش .....
۳۹	فصل سوم: گزارش‌ها و تحلیل‌ها: .....
۳۹	الف: داوران حاضر در این پژوهش .....
۳۹	داوران بخش کودک .....
۴۲	ب: گزارش روند دلفی .....
۶۳	نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات راند اول .....
۶۳	اعتباریابی داده‌های راند اول .....
۸۵	مقدمه: .....
۱۰۰	فصل چهارم: جمع‌بندی طرح .....
۱۰۰	بحث و نتیجه‌گیری .....
۱۰۵	محدودیت‌های پژوهش .....
۱۰۶	پیشنهادها و راهکارها .....
۱۰۷	منابع و مأخذ: .....
۱۱۴	پیوست‌ها .....
۱۱۴	پیوست ۱: پرسشنامه کودک راند دوم .....

پیوست شماره دو: پرسشنامه راند سوم کودک ..... ۱۲۱

## پیشگفتار:

کودک تعاریف متنوعی از لحاظ سنی و جسمی (بر اساس رشد فیزیکی)، حقوقی (بر اساس ماهیت های قانونی) و روانشناسی (بر اساس فاکتورهای رشد فکری) دارد. برای مثال؛ سن ۷ تا ۱۱ سالگی را بعنوان سن کودک معرفی کرده اند. از لحاظ حقوقی در اکثر کشورهای دنیا وقتی انسانی هنوز به سن ۱۸ سالگی کامل نرسیده است از آن به عنوان کودک یاد می شود؛ و یا در بحث فقه و دین پسر در سن ۱۵ سالگی و دختر در سن ۹ سالگی از کودکی خارج می شوند و به سن بلوغ می رسند. از این طبقه بندی سنی به عنوان سن قانونی در بسیار از کشورها نام برده می شود. کودک از لحاظ روانشناسی یعنی فردی که هنوز هوش هیجانی کافی برای زندگی را به دست نیاورده است. به عبارتی فرد در دوران کودکی سعی می کند که یک سری مهارت های رفتاری، اخلاقی و اجتماعی را کسب کند که هوش و تفکر شخص را برای آینده شکل می دهد. هر چقدر این مهارت ها بیشتر و سریعتر یادگیری شوند شخص مورد نظر زودتر از دوران کودکی خارج می شود.

اکثر افراد تصور می کنند کودکی زمان شادی است و از این واقعیت که کودکان ممکن است با استرس و اختلالات روان شناختی روبرو شوند آگاهی ندارند. مشکلات روحی و روانی کودک ممکن است دلایل زیادی داشته باشد. این دلایل ممکن است شامل مواردی مثل ملاقات با افراد جدید، طلاق والدین، اختلالات ارثی، مشکلات جسمی، مرگ عزیزان، فقر، مشکلات مدرسه و مشکلات همسالان باشد. نوع مسائل کودک و راه های مقابله با آن به مراحل رشد کودک هم بستگی دارد.

کودک با یک منظومه گسترده ای از مسائل مواجه است. که پرداختن به همه آنها هزینه، فرصت و امکانات بی نهایتی را می طلبد. معقول اینست که برای اینکه بخواهیم یک برنامه ریزی بهتری داشته باشیم باید بتوانیم اولویت ها را در مسائلی که برای کودک مطرح هست استخراج کنیم. ممکن است رسیدن به این اولویت ها راه های مختلفی داشته باشد که خود آن ها ممکن است از نظر زمانی و از نظر مقدمات گسترده یا محدود باشند. در مطالعه "شناسایی مسائل اولویت دار کودک" بر اساس نیاز و سفارش پردیس هنری رویا به مرکز رصد، برای کشف و اولویت بندی مسائل کودک در جهت تولید محصولات رسانه ای هدفمند؛ از دو روش اسنادی و خبرگی (نخبگی) برای پاسخ به پرسش اساسی "مسائل اولویت دار کودک چه مسائلی هست؟" استفاده شده است.

## فصل اول: کلیات طرح

### مقدمه:

در این سند تلاش خواهیم کرد ابتدا به توضیح و تفسیر موضوع پژوهش پرداخته ، هدف از انجام آن و اهداف مورد نظر کارفرمای محترم از انجام این پژوهش را توضیح داده، سپس روش پژوهش مورد استفاده را تشریح کرده و سیر انجام پژوهش در هر مرحله به تفصیل توضیح داده خواهد شد. در ادامه نیز اسناد و مدارک پشتیبان هر بخش از پژوهش ارائه خواهد شد.

### بیان مسئله

سال‌های آغازین زندگی هر انسان از جمله اساسی‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوران برای او به شمار می‌روند. چرا که کودک و نوجوان در این دوران همچون لوحی سفید بوده و آنچه در این دوران روی می‌دهد بیش از هر دوره دیگری بر شخصیت و آینده او اثرگذار است.

منزلت سنی کودکان همزمان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای آنها به دنبال دارد که مدیریت آن هم برای کودکان و هم والدین آنها چالشی جدی است. برای مثال اگر چه کنار گذاشته شدن کودکان از بازار کار و منع کار کودکان بهره‌کشی و استثمار آنها را محدود ساخته است، با این حال عدم استقلال اقتصادی فرصت‌های زیادی را برای فراغت و سرگرمی از آنها می‌گیرد. به همان سان اجباری شدن تحصیلات متوسطه و افزایش آن در تأخیر این استقلال اقتصادی تأثیرگذار است. کودکان امروز از سویی تشویق به استقلال عمل و اتکا به انتخاب خود می‌گردند و سوی دیگر شرایط پر ریسک جامعه معاصر والدین آنها را به کنترل‌گرایی حداکثری برای مدیریت این مخاطرات بر می‌انگیزاند (ذکائی، ۱۳۹۵: ۲۳).

کودکان و نوجوانان از گروه‌های مهم در هر جامعه هستند. چرا که از سویی این افراد در سن رشد و شکوفایی بوده و موضوعات و مسائل گوناگون می‌تواند بر این فرآیند تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر همین کودکان و نوجوانان هستند که راهبران اصلی جامعه در آینده خواهند بود و نقشی اساسی در آن خواهند داشت. به همین خاطر شناخت درست مسائل و مشکلات کودک و نوجوان و تلاش برای بهبود آنها می‌تواند مسیر آنان را هموارتر و آینده جامعه را بهبود بخشد.

با توجه به اهمیت کودک و نوجوان بی‌توجهی به این موضوع و عدم شناسایی دقیق مسائل آنها و نپرداختن صحیح به آنها نیز می‌تواند آسیب‌های بسیاری برای خود کودک و نوجوان و به تبع آن جامعه داشته باشد. این موضوع می‌تواند آینده کودک و نوجوان و جامعه را مورد تهدید قرار دهد. به همین خاطر قبل از انجام هر اقدام در حوزه کودک و نوجوان همچون هر موضوع دیگری ابتدا باید به شناختی درست و دقیق از مسائل آنها دست یافت تا بتوان اقداماتی در این جهت انجام داد.

کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط زیستی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی با مسائل و مشکلات متنوع و متعددی رو به رو هستند. در تحقیقات گوناگون (خارجی و داخلی) به هر یک از این مسائل به صورت جداگانه و مفصل پرداخته شده است. اما به دلیل تعدد و تنوع این مسائل بررسی همه آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. از طرفی برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی،

اجتماعی، آموزشی، تفریحی و ... برای کودکان و نوجوانان باید مسائل اصلی و اولویت دار آن‌ها به خوبی شناسایی و مورد بررسی قرار گیرند؛ چرا که برای ورود و موفقیت در هر حوزه‌ای ابتدا باید شناختی درست و دقیق از آن داشت تا بتوان موفقیت کسب کرد.

تعاریف متعدد و متنوعی از کودک از لحاظ سنی، جسمی، حقوقی و روان‌شناختی وجود دارد. به‌عنوان مثال کودک از منظر روانشناسی یعنی فردی که هنوز مدیریت هوش هیجانی ندارد. به عبارتی فرد در دوران کودکی سعی می‌کند که یک سری مهارت‌های رفتاری، اخلاقی و اجتماعی را کسب کند که هوش و تفکر شخص را برای آینده شکل می‌دهد. هر چقدر این مهارت‌ها بیشتر و سریع‌تر یادگیری شوند کودک سریع‌تر زودتر از این دوران خارج می‌شود. از منظر جمعیت‌شناختی کودک فردی است.

در مقایسه با رویکردهای سنتی به کودکی، درک برساختی از کودک نیازمند داشتن نگرش انتقادی، فرهنگی و تاریخی نسبت به آن و نیز مرتبط دانستن تجارب مربوط به کودکی (در خانواده و اجتماع، مدرسه و دیگر میدان‌های اجتماعی) با دانش و شناخت موجود در جامعه و دیگر فرآیندهای اجتماعی است که نسبت به آن وجود دارد. بر پایه استدلال سازه‌گرایانه می‌توان گفت که والدین در فضای خانواده و در تعامل با یکدیگر فعالانه معنای کودک را شکل می‌دهند و بر آن اساس به تنظیم استراتژی‌های خود می‌پردازند. به همان سال معنای شکل گرفته و تولید شده در مدارس توسط مدیران و اولیای مدرسه، درک آنها و استراتژی‌های مواجهه آنها را شکل می‌دهد و سرانجام خود کودکان و نوجوانان در محیط‌های نهادین (مهدکودک، مدرسه، زمین بازی) فعالانه به تولید معنا می‌پردازند و فرهنگ همسالان را می‌آفرینند (ذکائی، ۱۳۹۵: ۲۶).

از این رو بر مبنای این رویکرد در بررسی مسائل کودکان و نوجوانان باید به تعامل آنها با جامعه و برساخت معانی در این بستر تعاملی توجه نمود. از آنجاکه بسیاری از کودکان در بیان مسائل مربوط به خود دارای گستره واژگانی بزرگسالان نیستند، نوجوانان زیادی نیز به ویژه در سنین ابتدایی نوجوانی اشراف کاملی بر مسائل مربوط به خود ندارند؛ همچنین انتخاب مسائل اولویت دار گروه‌های مذکور که در دوران حساس و سرنوشت‌سازی هستند می‌تواند بر آینده آن‌ها تأثیر به‌سزایی داشته باشد. بنابراین دو اصل در راه رسیدن به هدف اصلی از پژوهش حاضر که شناسایی مسائل اولویت دار کودک امروز ایران است؛ تلاش می‌کنیم در چند مرحله و با استفاده از روش‌های گوناگون و با کمک دیدگاه بزرگسالانی که در تعامل نزدیک با کودکان و نوجوانان هستند و با نگاه وسیع‌تر و تخصصی‌تری به مسائل کودک و نوجوان می‌پردازند؛ مسائل کودک و نوجوان شناسایی و مورد اولویت‌بندی قرار دهیم.

### اهداف پژوهش:

ارائه گزارش در زمینه مسئله شناسی و اولویت‌بندی مسائل کودک

اخذ دیدگاه نخبگان این حوزه با استفاده از روش تحقیق دلفی

ارائه لیستی از مسائل کودک

ارائه لیستی از کارشناسان و متخصصان حوزه کودک

موضوع بندی مطالعات داخلی و خارجی حوزه‌ی کودک



## فصل دوم : روش‌شناسی، مرور ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

### روش‌شناسی مطالعه

#### نوع مطالعه

این مطالعه از نوع مطالعات کیفی بوده و با استفاده از روش دلفی انجام صورت گرفته است. دلفی یکی از پرکاربردترین تکنیک‌های گروهی آینده پژوهی است که هدف محوری آن ایجاد اجماع در میان خبرگان یا کشف دلایل اختلاف نظر آنها در مورد آینده یک موضوع یا زمینه خاص است. دلفی همچنین روشی توانمند برای خلق ایده است که می‌تواند حتی در مسائل روزمره به کار گرفته شود (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۶: ۷۷). روش دلفی به یک معنا، بحثی کنترل شده است. در این روش دیدگاه‌های بسیار متفاوت همراه با دلایل آنها و همچنین بازخورد نظرات در محیطی توأم با آرامش و به دور از عصبانیت یا حب و بغض مطرح و گردآوری می‌شود. گروه خبرگان معمولاً به سمت نظر جمع حرکت می‌کنند و حتی اگر هم اتفاق نظر حاصل نشود دست‌کم دلایل اختلاف نظرها کاملاً آشکار می‌گردد. بدین ترتیب برنامه‌ریزان با بازنگری نظرات می‌توانند براساس دلایل ارائه شده و دانش و اهداف خود قضاوت کنند. در روش دلفی به دلیل محدود بودن تعداد پاسخ‌دهندگان نتایج آماری قابل توجهی به دست نمی‌آید و اصلاً هدف از انجام روش هم این نیست. به عبارت دیگر، نتایج به دست آمده از یک گروه شرکت‌کننده نمی‌تواند نمایانگر نتایج مربوط به جمعیت بزرگتر یا حتی گروه شرکت‌کننده دیگر باشد. دلفی فقط نشانگر دیدگاه یک گروه خاص است، نه کمتر و نه بیشتر (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۶: ۸۲-۸۱).

در روش دلفی مباحثه متخصصان از قرار گرفتن افراد تحت تاثیر غیر شناختی یکدیگر که در مباحثات معمول رایج است، مبرا است. روش دلفی قضاوت افراد خبره را به عنوان داده‌های قابل قبول و مفید برای دست یافتن به راهکارهای مناسب می‌پذیرد. نظر یک کارشناس ممکن است با پیش‌داوری یا سوگیری فردی او آلوده باشد، اما نظرات حاصل از بحث گروهی از کارشناسان، از سیطره عقاید جزئی احتمالی یک فرد خارج می‌شود. روش دلفی کارشناسان را به‌طور منظم و سخت‌درگیر یک مسئله پیچیده می‌کند. رایج‌ترین کاربرد دلفی شناسایی اجماع کارشناسان است، اما گاه به ویژه در سیاست پژوهی شناسایی طیف نظرات موجود و جمع‌آوری، بازشناسی عقاید مختلف، هدف است، خواه مورد اجماع کارشناسان باشد یا نباشد؛ در این موارد نیز از روش دلفی می‌توان استفاده کرد.

روش دلفی سه عنصر کلیدی دارد: ۱. مبادله ساختارمند نظرات، ۲. بازخورد نظرات به خود نظر دهنده برای امکان اصلاح آن و ۳. محفوظ ماندن نام نظر دهندگان در بازخوردها.

وچسلا (۱۹۷۸) معتقد است که دلفی پیمایشی است که از سوی یک گروه پایش راهبری می‌شود و دربردارنده چند دور پیمایش از گروه‌های کارشناسانی است که یکدیگر را نمی‌شناسند و به دنبال دستیابی به اجماع درباره شناخت‌های ذهنی-شهودی هستند. پس از هر دور پیمایش، به بازخورد قضاوت‌ها و استدلال‌ها و پاسخ‌های گوناگون توجه می‌شود (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

نقطه قوت اصلی این روش، کشف تدریجی و واقع‌بینانه موضوعاتی است که نیاز به داوری دارند و نقطه ضعف آن هم کنار گذاشتن سوال‌هایی است که برای مطرح کردن آنها تکنیک‌های بهتری در دست است. یک نقطه ضعف مهم روش دلفی، صرف وقت زیاد است. انجام یک دور نظرسنجی گاهی تا ۳ هفته به طول بیانجامد و یک دلفی سه دوره‌ای با در نظر گرفتن زمان تحلیل و آماده سازی دست کم یک کار ۳ تا ۴ ماه است (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۶: ۹۲-۹۱).

### جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری و تعیین اعضای هیئت‌داوران در روش دلفی به صورت غیر تصادفی (نمونه‌گیری هدفمند ترکیبی) است و اعضا علاوه بر اینکه به واسطه توصیه یکدیگر شناخته می‌شوند بر اساس معیارهای متناسب با موضوع تحقیق انتخاب می‌گردند، در این مطالعه نیز با در نظر گرفتن حوزه مورد مطالعه و هدف پژوهش، برای انتخاب اعضای دلفی دو معیار در نظر گرفته شد و اعضای پیشنهادی در صورت دارا بودن حداقل یک معیار از معیارهای مورد نظر، در فهرست اعضای داوران دلفی قرار گرفتند. معیارهای مورد نظر در این پژوهش برای انتخاب اعضای داوران دلفی انجام کارهای نظری و یا انجام کارهای تجربی و اجرایی در خصوص موضوع تحقیق و داشتن سابقه کارهای کارشناسی بوده است.

اعضای هیئت‌داوران دلفی شامل کلیه افرادی است که در حوزه کودک و نوجوان فعال بوده و شامل روانشناسان، جامعه‌شناسان، مدیران مدارس، معلمان و... می‌باشند.

### تعیین حجم نمونه

برای تعیین تعداد اعضای داوران دلفی، با توجه به اینکه در بیشتر مطالعات تعداد داوران حداقل ۱۵ و حداکثر ۳۵ نفر می‌باشد. در این مطالعه با توجه به محدوده فوق و احتمال کناره‌گیری کردن و همکاری نکردن داوران تا پایان کار با ۵۰ متخصص در حوزه کودک جهت همکاری به عنوان عضو مجموعه داوران هماهنگ شد.

### ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از ابزار پرسشنامه محقق ساخت در سه مرحله استفاده شده است. در راند اول پرسشنامه با سؤالات باز در اختیار کارشناسان قرار گرفت و نظرات آن‌ها در خصوص مسائل اولویت دار کودکان به روش مصاحبه مورد سؤال قرار گرفت و تعدادی از کارشناسان نیز در بحث متمرکز شرکت نمودند. پس از جمع‌آوری نظرات کارشناسان لیستی از مسائل کودکان تهیه گردید و پرسشنامه‌ای بالغ بر ۱۵۰ گویه با سه ملاک اولویت دهی جهت انجام راند دوم تهیه شد. این پرسشنامه به منظور اخذ تأییدیه سرپرست پژوهش به نماینده مرکز درخواست دهنده داده شد. بعد از بررسی و تحلیل نتایج راند دوم مجدداً پرسشنامه‌ی راند سوم بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته البته کوتاه‌تر، تهیه شد و مجدداً برای اخذ تأییدیه و اعتبار به مرکز داده شد. در هر مرحله از تهیه پرسشنامه و با توجه به نظر تیم تحقیق و نیز نظرات و اصلاحیه‌های مرکز پرسشنامه اصلاح شده مجدد به مرکز بازگردانده می‌شد تا تأییدیه نهایی کسب شود و این مراحل حدود یک ماه از کار را به خود اختصاص می‌داد.

## ادبیات نظری پژوهش

### مسئله اجتماعی:

براساس دیدگاه رابینگتن و واینبرگ (۱۳۹۱: ۱۴-۱۲) مسئله اجتماعی، وضعیت اظهار شده‌ای است که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد. به عبارت دیگر در تعریف مسئله اجتماعی لازم است به وضعیت اظهار شده توسط مردم، مغایرت با ارزش‌ها، اظهار توسط شمار مهمی از مردم، و همچنین نیاز به اقدام توجه نمود. معیدفر (۱۳۸۹: ۲۸-۲۶) نیز معیارهای تعیین مسایل اجتماعی را شامل مشکل‌زا بودن، شیوع در جامعه، قابل حل بودن، و عزم برای حل مسئله می‌داند.

بنا بر این تعاریف، آنچه که به عنوان مسایل اجتماعی شناخته می‌شوند ممکن است در طول زمان و همچنین در بسترهای مختلف، به گونه متفاوتی مورد توجه باشند. یعنی یک مشکل ممکن است در یک زمان و مکان مشخصی به عنوان مسئله اجتماعی تلقی شود، در حالی که در زمان و مکان دیگری چنین نیست. از این رو در این پژوهش نیز آنچه که داورهای گرامی در مرحله اول به عنوان مسایل مطرح نموده بودند را مجدداً در اختیار آنان قرار داریم تا مجدداً مسایل را براساس ملاک‌های مختلف مورد ارزیابی قرار دهند. این ملاک‌ها، معیار مناسبی بودند تا مسایلی که نمره بسیار پایینی کسب کرده بودند، حذف گردند و مسایل اصلی و مورد توافق بالاتر باقی بمانند.

### ویژگی‌های داوران کودکی و نوجوانی:

به‌طور کلی سه رویکرد مختلف به تحول انسان وجود دارد. رویکرد اول در جستجوی کشف قوانین دائمی تحول انسان است، یعنی قوانینی که بتوانند در مورد همه مردم جهان در همه زمان‌ها استفاده شوند. این الگوهای عمومی رشد به "قوانین هنجاری" موسوم هستند. رویکرد دوم به تفاوت‌های فردی در مسیر تحول می‌پردازد و از آن به الگوی "تحول اختصاصی" تعبیر می‌شود. در رویکرد سوم که تلفیق دو نگاه قبلی است، تحول زمانی رخ می‌دهد که یک حالت نسبتاً کلی و نامتمایز به حالتی تمایز یافته، مشخص و یکپارچه تبدیل شود. بر همین اساس پارادایم رفتار که در گذشته تابعی از سن تعریف شده بود، جای خود را به رفتار وابسته به سن که تابعی از وراثت، محیط حال و محیط گذشته است، می‌دهد. بنابراین رویکرد تلفیقی معتقد است که هیچ نوع تصویر همانندی از چگونگی رشد افراد را نمی‌توان در مورد تمام فرهنگ‌ها، طبقات اجتماعی یا گروه‌های نژادی و قومی ارائه داد. همچنین رشد افراد متأثر از تغییرات اجتماعی و رخدادهای تاریخی مانند جنگ‌ها، تحولات سیاسی و اقتصادی، توسعه فناوری مثلاً در زمینه رایانه و ارتباطات و نهضت‌های اجتماعی و دینی است (حجازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۴).

مکانیسم‌های اجتماعی و فرهنگی بر مراحل گذار به زندگی بزرگسالی و مؤلفه‌هایی که استقلال و مسئولیت‌پذیری را برای جوانان به همراه دارد مانند اشتغال و ازدواج تأثیر می‌گذارند و همچنین انتخاب سلیقه‌ای و نادقیق بودن گستره سنی که با آن دوره نوجوانی و جوانی تعریف می‌شود تعیین هرگونه مرزبندی برای این گروه را دشوار می‌سازد (ذکایی، ۱۳۹۳: ۲۳). در نتیجه، آغاز و پایان و طول دوره نوجوانی در دختران و پسران، جوامع مختلف و طبقات گوناگون اجتماعی متفاوت است (لطف آبادی، ۱۳۸۰: ۱۳).

رویکرد فرهنگی اعلام می‌کند که مرزهای بین کودکی و جوانی و بزرگسالی آن چنان کمرنگ، لغزان و گاه غیرقابل تفکیک است که سخن گفتن از ریشه‌ها، مقاصد و مسیرهای خاص در تجربه گذار و به ویژه در جهتی قابل پیش‌بینی و خطی دشوار است (ذکایی، ۱۳۹۳: ۶۶). نقطه مشترک رویکردهای فرهنگی اعم از کلاسیک و مدرن، توجه به صورت‌بندی فرهنگی است که ساختارهای مختلف نمایش می‌دهند که در نتیجه‌ی آن، ما شاهد تنوع در انتخاب‌ها و مسیرهای زندگی در فرایند گذار هستیم (ذکایی، ۱۳۹۳: ۶۷).

از دیدگاه فرهنگ‌گرایان جوانان مدرن در وضعیتی قرار دارند که یک سوی آن تجربه نسل‌های گذشته است و سوی دیگر آن انتظارات آینده‌شان. پاسخ و واکنش معمول جوانان به این تنش، گسترش میدان تجربه حال (یعنی زندگی روزمره) است. شرایط زندگی جوانان نسل کنونی بیش از نسل گذشته متأثر از پیش‌بینی‌ها و انتظارات آن‌ها از آینده‌شان است چنین عدم قطعیت و ابهامی به جوانان میل بیشتری برای تجربه‌های تازه، ماجراجویی، پرورش نگرش نسبی‌گرایانه و علاقه به حفظ استقلال عمل فردی و آزادی - که به کمک آن امکان مانور بیشتری در انتخاب‌های خود - به ویژه با توجه به محدودیت‌های ساختی) پیدا می‌کنند - می‌بخشد. زمینه‌های فوق جملگی نوعی خصلت رفت و برگشتی به پدیده گذار بخشیده است (ذکایی، ۱۳۹۳: ۶۸).

#### تحولات و ویژگی‌های دوره نوجوانی:

بنا به نظر اریکسون، نوجوان چهار مرحله را طی خواهد کرد: اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی، خودمختاری در مقابل شرم و تردید، ابتکار در برابر گناه، کوشش برای کسب مهارت به جای احساس حقارت، و مرحله پنجم مرحله‌ای است که دوران جوانی را مشخص می‌کند. در این مرحله هویت در مقابل گم‌گشتگی نقش قرار می‌گیرد. فرد باید از طریق همانندسازی‌های برتر دوران کودکی به یک ترکیب دست یابد و نقش‌های اجتماعی را بپذیرد و به توازنی میان نتایج دو قطبی (متعارض) دست پیدا کند تا بتواند با محیط خود منطبق شود (نیکلسون و آیرز، ۱۳۷۸: ۱۲). مارسیا مرحله‌ای که اریکسون تحت عنوان نوجوانی مطرح کرده است را توسعه می‌دهد و به زمان بحران/ کاوش و تعهد اشاره می‌کند. بحران/ کاوش زمانی است که نوجوان مسائل هویتی را بازبینی می‌کند و با دیدی انتقادآمیز هنجارهای والدین را بررسی می‌کند و قسمت‌های پایدار را مورد توجه قرار می‌دهد. تعهد زمانی است که فرد در مورد میزان وابستگی خود نسبت به اهداف و ارزش‌های انتخاب‌شده تصمیم می‌گیرد (نیکلسون و آیرز، ۱۳۷۸: ۱۵).

نیوتون (۱۹۹۵: ۲۳)، نوجوانی را دوره فرایندهای رشدی انتقال از کودکی به بزرگسالی می‌داند. این فرایندها جنبه‌های گوناگونی دارند:

- اول، رشد و نمو سازمان عصبی مغز که نمود آن در تحول فرایندهای شناختی، عاطفی و رفتارها مشاهده می‌شود.
- دوم، رشد فیزیکی که شامل رشد اندازه‌های بدنی و تغییر در نیم رخ جسمی است.
- سوم، رشد نظام جنسی یا تولیدمثل، شامل جسمی و رفتاری.
- چهارم، رشد احساس "خود" به عنوان یک بزرگسال یا یک انسان مستقل و خود راهبر.

پنجم، کسب موقعیت بزرگسالی در گروه اجتماعی یا فرهنگ.

ششم، رشد کنترل رفتاری خود در تعامل با جامعه (لطف آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲).

لووینگر در بررسی مراحل تکامل افراد، اولین مرحله نوجوانی را مرحله هماهنگی با جماعت می‌داند این مرحله در ابتدای نوجوانی رخ می‌دهد از آنجایی که جوانان در پی کسب تایید و پذیرش از جانب دیگران هستند، سازگاری نشان می‌دهند. آن‌ها شیفته تصویری هستند که از خود در نزد دیگران ایجاد می‌کنند و به همین دلیل داشتن ظاهر مقبول و اجتماعی بودن را حائز اهمیت می‌دانند. در مرحله خودآگاهی که مرحله وظیفه‌شناسی - هماهنگی نیز نامیده می‌شود نوجوانان از تفاوت‌ها آگاه می‌گردند و به فردیت زنانگی و مردانگی اهمیت می‌دهند. آن‌ها ملاک ارزش را در محیط‌های مختلف متفاوت می‌بینند و از خود انتقاد می‌کنند، از این امر آگاه هستند که نمی‌توانند انتظارات دیگران را برآورده سازند و به همین دلیل ممکن است احساس گناه کنند و منزوی و کمرو شوند. در مرحله بعدی که مرحله وظیفه‌شناسی است فرد اصول اخلاقی باطنی را تکامل می‌بخشد، تمرکز بیشتری بر انگیزه‌ها و احساسات دارد، نیازها و تفاوت‌های افراد مشاهده و میزان تحمل آن تفاوت‌ها پدیدار می‌شود، افراد حس مسئولیت خود را از خانواده و گروه همسالان به جامعه به عنوان یک کل تعمیم می‌دهند. کار به عنوان فرصتی برای شکوفایی فردی تلقی می‌شود و یک عمل سخت و دشوار در این زمان رفتار محکم و باثبات تر می‌گردد این مرحله از رشد ویژگی اواخر دوران نوجوانی محسوب می‌شود. مرحله بعدی مرحله فردگرایی است که فرد در این مرحله رشد و تکامل بیشتری برای تحمل تفاوت‌های فردی و درک این مطلب که مردم نقش‌های متفاوتی دارند پدید می‌آید. این مرحله از خصوصیات اواخر سنین نوجوانی است (نیکلسون و آیرز، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۰).

لطف آبادی (۱۳۸۰) نیز تغییر و تحولات دوره نوجوانی را به سه مرحله تقسیم می‌کند:

**مرحله اول: فاصله گرفتن (۱۲-۱۴ سالگی):** بروز رشد جسمی و اولین نشانه‌های بلوغ، با نوعی تمایل طبیعی برای فاصله گرفتن کودک از بزرگسالان، به خصوص والدین همراه است. این تمایل می‌تواند در بستن در اتاق یا حمام توسط کودک و یا محرمانه جلوه دادن تغییرات بدن مشاهده شود. این گونه رفتارهای محرمانه و اختصاصی، نقش روانی - اجتماعی مهمی در پایان دادن به وابستگی‌های کودکانه قبلی به والدین و سایر بزرگسالان ایفا می‌کند. با افزایش این فاصله، کودک می‌تواند با دوستان نزدیک خود راز و رمزهایی را مطرح کند و ارتباط‌های ویژه دوره نوجوانی را با گروه همسالان و به دور از والدین و معلمان و دیگر بزرگسالان به وجود آورد. در کودکان عادی، این فاصله تا آنجا گسترش می‌یابد که به کشف هویت و جنسیت و سایر جوانب رشد "خود" در آنان منجر شود.

**مرحله دوم: جدایی تدارکاتی (۱۵-۱۷ سالگی):** این مرحله که هسته اصلی نوجوانی و مشکلات آن است، با رشد بیشتر بدنی و جنسی همراه است و سطح عالی‌تری از ادراک "خود" را تجلّی می‌دهد. رشد مغز و توانایی‌های شناختی نوجوان با درونی شدن حیات عاطفی و ارتباط عمیق‌تر با گروه همسالان، جدایی بیشتر ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوان و باورها و ارزش‌های او از والدین و بزرگسالان را به بار می‌آورد. این جدایی هرچند به ندرت جنبه جدایی مکانی نوجوان با والدین و بزرگسالان را پیدا می‌کند، اما معمولاً یک جدایی روحی، فکری، ارزشی و رفتاری است و زمینه‌های ذهنی استقلال را برای او فراهم می‌آورد. در همین مرحله، انسجام جنبه‌های مختلف بدنی و جنسی و تصور از خویش به صورت هویت واحد شکل می‌گیرد و پاسخ‌گویی به

سؤال اساسی "من کیستم؟" به تدریج در ذهن نوجوان تحقق می‌یابد. در این مرحله، کسب دانش و مهارت‌های لازم برای اشتغال یا برای ادامه تحصیل، به عنوان یک نیاز مهم در تعلیم و تربیت نوجوانان مطرح می‌شود.

**مرحله سوم: ورود مجدد به مناسبات اجتماعی (۱۸-۲۰ سالگی):** چنانچه رشد نوجوان در مراحل پیشین به گونه‌ای نسبتاً بهنجار صورت گرفته باشد، در این مرحله آخر نوجوانی به تدریج به صورت یک فرد مستقل و خودکفا در مناسبات خانوادگی، آموزشی، شغلی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش می‌کند و در چنین صورتی می‌توان امیدوار بود که مراحل رشد و پرورش او به درستی انجام شده و او آماده است تا زندگی جوانی و بزرگسالی را با موفقیت آغاز کند و ثمرات رشد و پرورش بیست‌ساله را در تداوم زندگی خویش آشکار نماید (لطف آبادی، ۱۳۸۰: ۱۳).

### نقش الگوهای فردی، بین فردی و فرهنگی در تجربه زیسته نوجوانان

انتخاب سبک زندگی تا حدود زیادی مدیون تفسیر نوجوانان و جوانان از دنیای اجتماعی خود و نحوه ارتباطی است که با آن برقرار می‌کنند. ارزش‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، مجاورت و تماس با دستاوردهای فناورانه (و هویت‌یابی‌های مدرن حاصل از بهره‌گیری از آن‌ها) در کنار موانع یا تسهیلات ساختی موجود (هنجاری و فیزیکی) توأماً تعیین‌کننده علایق و جهت‌گیری جوانان در زندگی خویش است (ذکایی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

هر فرد بنا بر تجربه زیسته منحصر بفردی که دارد به شیوه متفاوتی دوران نوجوانی‌اش را سپری می‌کند. از سوی دیگر، بخش مهمی از تجربیات فرد در این دوره بر اساس روابط بین فردی او با دیگران از جمله دوستان و خانواده است. گروه‌های دوستی به عنوان خرده‌فرهنگ‌هایی محسوب می‌گردند که مسیر زندگی فرد، کنش‌ها و فهم او از پدیده‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این زمینه بریک (۱۹۸۴)، صدا، تصویر و مد را از ابزارهای اصلی ابراز تعلقات خرده‌فرهنگی جوانان می‌داند. این خرده‌فرهنگ‌ها خود را در نحوه پوشش، ارتباطات و گفتگوها، و فعالیت‌های انتخابی جوانان به ویژه برای سرگرمی و فراغت نشان می‌دهند. ویژگی اصلی خرده‌فرهنگ‌های جوانان تطابق آن‌ها با شرایط اجتماعی، سیاسی و ساختاری است که در آن رشد می‌کنند. خرده‌فرهنگ‌ها آینه‌ای از شرایط و تحولات جامعه خویش هستند (ذکایی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۹).

فعالیت‌های روزمره در فرهنگ‌های همسالان نوجوانان را قادر می‌کنند دامنه وسیعی از هنجارهای مرتبط با فرآیندهای دوستی، سر و وضع ظاهری، نمایش خود، روابط با جنس مخالف، آرزوهای شخصی و روابط با شخصیت‌های بزرگسال قدرتمند را بحث و بررسی کنند. نوجوانان با مشارکت در بازی‌های سازمان‌یافته و غیررسمی، رویه‌های کلامی در بازی و قصه‌گویی دسته‌جمعی، به هنجارها و توقعاتی که از آن‌ها می‌رود و به جایگاه خود در فرهنگ همسالان و بزرگسالان پی می‌برند، بدون آنکه به‌طور مستقیم به نقشی تنش آور یا ناراحت‌کننده وارد شوند (کورسارو، ۱۳۹۳: ۳۶۰).

در حال حاضر رسانه‌ها و به ویژه شبکه‌های الکترونیکی و مجازی نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط بین فردی نوجوانان دارند. رسانه‌ها ضمن آنکه اشکال ارتباطی خرده‌فرهنگی جدیدی را برای جوانان پدید آورده‌اند به‌نوعی تسهیل‌کننده و جبران‌کننده نیازهای ارتباطی آن‌ها در عرصه واقعی نیز بودند. فضای مجازی تجربه قدرت دهنده‌ای برای جوانان و به ویژه دختران در تعامل با خانواده‌های خود و نیز اجتماعی محسوب می‌شود. جوانان به راحتی می‌توانند به واسطه مزایایی همچون ناشناس ماندن که

فضای مجازی تا حدودی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد هم کنجکاوی‌ها و ماجراجویی‌های خود را تأمین کنند و هم از نظارت و کنترل مستقیم خانواده‌ها رهایی یابند. با این حال این تأثیرات فرهنگی در بستر روابط اجتماعی و شرایط ساختاری جامعه عمل می‌کند و انعکاس‌دهنده روابط قدرت و شرایط دنیای واقعی هستند (ذکایی، ۱۳۹۳: ۸۳).

آرنت معتقد است بیان قوانین تحولی جهان‌شمول بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی نمی‌تواند تمام ابعاد تحول انسان را توصیف کند. او (۱۹۹۸) برخلاف غالب نظریات و تحقیقات علمی معتقد است که فرایند جامعه‌پذیری در نوجوانی به پایان نمی‌رسد و به واسطه ادامه تحصیلات و یادگیری مهارت‌ها در مقاطع بالاتر، تا اوایل بزرگسالی ادامه می‌یابد. آرنت مبتنی بر باورهای فرهنگی جوامع، یعنی فردگرایی و جمع‌گرایی، دو نوع جامعه‌پذیری گسترده و محدود را معرفی می‌کند. فرهنگ‌هایی که با جامعه‌پذیری گسترده توصیف می‌شوند از فردگرایی حمایت می‌کنند و منحصربفردی، استقلال و خود ابرازگری را تشویق می‌کنند. فرهنگ‌هایی که با جامعه‌پذیری محدود توصیف می‌شوند به جمع‌گرایی گرایش دارند و فرمان‌برداری و مشارکت را در مهم‌ترین جایگاه ارزشی قرار می‌دهند و انحراف از انتظارات فرهنگی را تقبیح می‌کنند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۷).

### نوجوانی و تاریخچه توجه به آن

اگرچه تلقی نوجوانی به‌مثابه دوره‌ای از رشد تصویری عام و فراگیر در دنیای امروز است اما بررسی‌های تاریخی کودکی و نوجوانی عمدتاً ناظر بر آن‌اند که چنین تصویری از نوجوانی به عنوان چیزی خاص و دوره‌های مستقل از کودکی و بزرگسالی امری نوظهور و به اعتقاد برخی، اختراع مدرنیته است. وجود اشکال متعددی از مناسک گذار در جوامع سنتی مختلف، در دنیای قبل از مدرن، همگی گویای آن‌اند که از نظر انسان‌ها و جوامع ماقبل مدرن، انتقال از کودکی به بزرگسالی در آن جوامع نه یک دوره خاص از زندگی که فقط یک اتفاق در زندگی انسان‌ها محسوب می‌شد و عمری چندساعته یا حداکثر چندروزه داشته است. البته باید افزود که این شکل بسیار محدود از نوجوانی نیز در همه جوامع ماقبل مدرن رایج نبوده و در بسیاری از این جوامع نشانی از مناسک گذار نیز دیده نمی‌شود. نظام کار خانوادگی و هم مکانی کار و خانواده این فرصت را برای کودکان به وجود می‌آورد که بدون نیاز به وجود دوره‌های خاص و یا نهادی خاص، در جریان طبیعی زندگی و به روشی خود به خودی جامعه پذیر شده و مهارت‌های بزرگ سالانه زندگی را می‌آموختند. کودکان از همان ابتدا با کار در کنار والدین بزرگسال خود آموزش‌های لازم را برای ورود به دنیای بزرگسالان دریافت می‌کردند. اما با استقرار نظم مدرن و صنعتی دو اتفاق مهم رخ می‌دهد که از مهم‌ترین مبانی جامعه‌شناختی پیدایش و برساخت اجتماعی مقوله‌های کودکی و نوجوانی در دنیای مدرن به شمار می‌روند. در چنین نظامی ابتدا با فروپاشی نظام‌های فئودالی و شکل‌گیری و توسعه شهرنشینی، نظام خانواده گسترده تبدیل به خانواده هسته‌ای شده و سپس با غلبه نوع معیشت و کار صنعتی بر نوع معیشت و کار کشاورزی هم مکانی کار و خانواده ناممکن می‌شود. در چنین شرایطی ظهور چیزی به نام کودکی امکان‌پذیر می‌شود و با پیدایش کودکی در دنیای مدرن است که نوجوانی هم پا به عرصه وجود می‌گذارد (کرمانی، ۱۳۹۷: ۴۶).

پژوهشگران بسیاری این ادعا را تأیید کرده‌اند که تا قبل از قرن بیستم، کسی نوجوانی را به عنوان دوره‌ای از مراحل تحول رشد مطرح نمی‌کرد؛ کودکان بلافاصله بعد از بلوغ به جهان بزرگسالان قدم می‌نهادند. معنای جوانی در شکل ارتودکسی مدرنش در ابتدا توسط رشته روانشناسی رشد، به عنوان مرحله جهان‌شمول از رشد صورت‌بندی و توجیه شد. در یک نگاه کلی منظور از

نوجوانی اشاره به دوره‌های از زندگی انسان‌ها است که با وقوع تغییرات جسمی مرتبط با بلوغ از کودکی به بزرگسالی منتقل می‌شوند. انتقالی که معمولاً با فشار تعارض و تنش همراه است. این دوره را می‌توان دوره تغییر و تحولات شتابان و فراز و فرودهای بسیار در زندگی افراد تعریف کرد. انسان‌ها در این دوره از زندگی خود با مسائلی مواجه و درگیر می‌شوند که خاص همین دوره است. تغییر و تحولات جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی سه حوزه فراگیری هستند که می‌توان قریب به اتفاق مسائل نوجوانی را ذیل آن‌ها دسته‌بندی و شناسایی کرد.

عصب‌شناسان مدعی‌اند که رشد عصبی انسان تا اوایل ۲۰ سالگی کامل نیست. این بدین معناست که در سنین قبل از این سن امکان تصمیم‌گیری درست و تفکر آینده‌نگرانه هنوز به‌طور کامل برای انسان‌ها مهیا نشده است؛ بنابراین نوجوانی را می‌توان دوره مواجهه با چالش‌هایی بزرگ سالانه، توسط افرادی تعریف کرد که رشد و تجربه لازم برای این مواجهه را ندارند و این مواجهه با مشکلاتی است که تبعات آن ممکن است بر تمام زندگی افراد سایه اندازد. انتقالی بودن مهم‌ترین عنصر مفهومی نوجوانی در دنیای مدرن است. انتقالی بودن از یک سو اشاره به عبور و گذر افراد از مرحله کودکی دارد و از سوی دیگر ناظر به انتقال و یا ورود افراد به دنیای بزرگسالی است. معنای جامعه‌شناختی تر این اصطلاح این است که نوجوانی از یکسو مرحله پایان عدم تعهد و نقش ناپذیری انسان‌ها در جهان اجتماعی است و از سو دیگر سرآغاز دوره‌ای است که جامعه ضمن سپردن نقش‌های اجتماعی رسمی به افراد انتظار مسئولیت‌پذیری و تعهد از آنان دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد هرگونه تعریف از نوجوانی می‌بایست متضمن مفهوم انتقالی آن باشد (کرمانی، ۱۳۹۷: ۵۰-۴۸).

## مسائل و انحرافات نوجوانان در نظریه‌های جامعه‌شناسی:

### نظریه یادگیری و هم‌نشینی افتراقی

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با افراد دیگر، به-خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. اندیشمندانی نظیر باندورا، ساترلند و تارد نظریه یادگیری اجتماعی را توسعه دادند. الگوهای رفتاری از طریق مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. باندورا بر نقش‌های برجسته فرایندهای نمادی و خود تنظیمی تأکید می‌کند و طی آن گفته می‌شود توانمندی انسان برای استفاده از نمادها به او یاری می‌دهد تا رویدادها را بازنماید، تجربه آگاه خود را تحلیل کند و با دیگران در هر فاصله زمانی و مکانی ارتباط برقرار کرده و به طرح، خلق، تصور و پرداختن به اعمال دوراندیشانه اقدام ورزد. در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می‌آید، یعنی مفهومی که تأثیر متقابل نامیده می‌شود. شخص می‌تواند با کمک فرایند الگوسازی و با مشاهده دیگران، چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری به وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر سن، جنس و موقعیت اجتماعی است و الگوهای برگزیده شده توسط فرد می‌تواند مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه باشد و همچنین فرد ممکن است الگوهای رفتار انحرافی را برگزیند. فرایند مدل‌سازی در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن شخص رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۳۹).



نظری‌های یادگیری اجتماعی، به‌طور کلی برآنند که جرم محصول یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهایی است که با عمل کجروانه رابطه دارند. این یادگیری اجتماعی می‌تواند شامل تکنیک‌های عمل جرم از قبیل مهارت‌ها و فنون سرقت و همچنین جنبه‌های روان‌شناسانه کجروی یعنی چگونگی کنار آمدن با گناه و شرم می‌باشد که به فعالیت‌های مجرمانه مرتبط‌اند. الگوهای هم‌نشینی افتراقی از جمله نظریه‌ها در حوزه یادگیری اجتماعی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۳۹ ادوین ساترلند در کتاب خود با نام اصول جرم‌شناسی آن را مطرح ساخته است. او که متأثر از مکتب کنش متقابل نمادین است جرم را به آنچه که تفاوت ارتباطات نامیده است مربوط می‌داند. مفهوم تفاوت ارتباطات بسیار ساده است. در جامعه‌ای با خرده‌فرهنگ‌های گوناگون که برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند، افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند بزهکار یا تبهکار می‌شوند. به نظر ساترلند، اکثر رفتار تبهکارانه در درون گروه‌های نخستین، به ویژه گروه‌های همالان شکل می‌گیرد (مهرگان، ۱۳۸۹: ۴۰).

نکات اساسی تئوری ساترلند را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- عمل مجرمانه آموختنی است نه موروثی یعنی تا فرد آن را نیاموزد به فکر انجام دادن آن نمی‌افتد.
- آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد انجام می‌گیرد. ارتباط مخصوصاً شفاهی است اما ممکن است از طریق یک الگو نیز صورت گیرد. وی نقش مهمی برای هم‌نشینی و مجالست قائل است. به عبارتی یک فرد زمانی بزهکار می‌شود که در اطراف او بزهکارانی وجود داشته باشند و با آن‌ها ارتباط برقرار نماید. ساترلند معتقد است فرد منحرف نخست باید منحرف شدن را یاد بگیرد، کنش‌های متقابل با دیگران تکنیک‌های انحراف از قانون را به او می‌آموزد و می‌گوید این آموزش، حاصل و نتیجه کنش و واکنش با افراد دیگر است.
- بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد. شخص کجرو بیشتر تحت تأثیر دوستان و اعضای خانواده خود می‌باشد. ساترلند رفتار بزهکارانه را ناشی از تماس با اشخاص در اثر فرایند یادگیری می‌داند مخصوصاً از روابط شخصی در داخل یک گروه محدود نظیر خانواده، مدرسه، کوچه، محله تعلیم گرفته می‌شود و به نظر وی وسایل ارتباط جمعی نقش به نسبت کم اهمیتی در تکوین رفتار بزهکارانه دارند.
- آموزش عمل مجرمانه مراحل مختلفی دارد مانند: الف) فنون ارتکاب جرم که گاه پیچیده و گاه ساده است. ب) جهت دادن به انگیزه‌ها و گرایش‌ها، کشش‌های درونی و توجیه عمل مجرمانه
- جهت‌یابی انگیزه‌ها و تمایلات محرک، تابعی است از تفسیر مساعد یا نامساعد مقررات قانونی. در بعضی از گروه‌های اجتماعی، فرد خود را در بین اشخاصی می‌یابد که اطاعت از قانون و رعایت مقررات قانونی را امری لازم می‌شمارند و تفسیرهای آن‌ها درباره قانون به‌طور کلی، بر محور احترام به قانون و لزوم اجرای آن دور می‌زند. حال آنکه در گروه‌های دیگر ممکن است چنین وضعی حاکم نباشد و قانون را امری عبث و محتوای آن را غیرعادلانه و فقط برای حفظ منافع عده‌ای خاص انگارند.
- فرد هنگامی بزهکار می‌شود که تفسیر نامساعد درباره اعتبار و احترام قانون بر تفسیرهای مساعد فائق آید. ترجیح از همین جا پیدا می‌شود و اصل معاشرت ترجیحی بر همین نکته استوار است به عبارت دیگر زمانی فرد به عمل بزهکارانه

دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده‌اند بیشتر از کسانی است که با شکستن قاعده مخالف‌اند. جرم زمانی پدید می‌آید که شخص با افراد و تعاریفی که رفتارهای موافق با بزهکاری را توصیه می‌کنند ارتباط پیدا کند و از تعاریف یا کسانی که به ارزش‌های موافق درستکاری ارجح می‌نهند دور بیفتد.

- معاشرت‌های ترجیحی بر حسب وفور یا فراوان و طول زمان یا تداوم، قدمت و شدت می‌تواند تغییر یابند. هر قدر سطح هریک از این چهار متغیر، چه در خصوص گروه منحرف و چه در خصوص گروه غیر منحرف بالاتر باشد احتمال بروز رفتار مشابه بیشتر است. تأثیر طول زمان و وفور یا کثرت در معاشرت امری مسلم است و احتیاج به توضیح ندارد درباره اهمیت کیفیت قدمت باید توضیح داده شود. امری را که شخص در کودکی آموخته باشد عمیق تر از آن است که در سنین بالاتر فراگرفته باشد اگر کودکی احترام به قانون را در همان سنین پایین و اوان کودکی فرا گرفته باشد این امر در او ملکه شده و می‌تواند در طول زندگی در برابر نقض قانون مقاومت کند و رفتار بزهکارانه نیز تابع همین قاعده است.
- یادگیری رفتار انحرافی و بزهکارانه با سن در رابطه است به طوری که تأثیرپذیری از دیگران در ایام کودکی و نوجوانی بسیار قوی‌تر از بقیه دوره‌های زندگی است. پرستیژ یا منزلت اجتماعی منبع یا الگوی رفتار درست یا نادرست است و اینکه ارتباط با منبع تا چه میزان با عواطف و احساسات فرد آمیخته است در شدت ارتباط تأثیر دارد. این عامل شدت بیانگر میزان ارتباط افراد می‌باشد به طوری که شخص بیش از آنکه تحت تأثیر تجربه آشنایان دور قرار گیرد تحت تأثیر دوستان منحرف و اعضای خانواده قرار می‌گیرد. خانواده به عنوان اولین کانون تربیتی که ارائه‌دهنده الگوی رفتاری و هنجارهاست نقش تعیین‌کننده‌ای در وضع حال و آینده اعضای خود دارد. هر چه از سن طفولیت بالاتر رویم اثر دوستان بر رفتار بیشتر شده و حتی از آن پیش می‌گیرد به طوری که تأثیر دوستان در حرکات و سکنات شخص در ایام جوانی در اوج خود قرار گرفته و اثر خانواده کمرنگ تر می‌شود هر چه شخص در فضای آلوده‌تری قرار گیرد میزان تماس و ارتباطش با کجروان بیشتر شده و به جای یادگیری رفتار همنویانه به تبعیت از کجروی می‌پردازد
- فرایند کسب رفتار مجرمانه در ارتباط با الگوهای مجرمانه و غیر مجرمانه همان مکانیسمی را طی می‌کند که در یادگیری سایر رفتارهای اجتماعی مشاهده می‌شود. منظور این است که یادگیری رفتار بزهکارانه محدود به فرایند تقلید نیست. مثلاً فردی که به ارتکاب جرمی وسوسه می‌شود از طریق ارتباط، رفتار بزهکارانه را می‌آموزد
- درحالی‌که رفتار بزهکارانه نیازها و ارزش‌های کلی و عام شخص را بیان می‌کند، اما توسط آن‌ها ایجاد نمی‌شود زیرا رفتار غیر مجرمانه هم بیان نیازها و ارزش‌های عام است و دزدها معمولاً برای رسیدن به پول دزدی می‌کنند. کارگران شریف نیز برای کسب پول کار می‌کنند. کشش‌های درونی و ارزش‌های عام در هر دو دسته اعمال انسان چه قانونی و چه بزهکارانه به نحو کاملاً مشابهی موجود است. این عوامل مشابه دستگاه تنفس بدن است که برای هر گونه رفتار لازم است چه بزهکارانه باشد و چه قانونی. به نظر ساترلند، متن سازمان اجتماعی، ارتباط میان اعضاء را تعیین می‌کند کودک در خانواده پرورش می‌یابد، اینکه خانواده در کجا ساکن است به درآمد رئیس خانواده مربوط می‌شود. میزان بزهکاری از بسیاری جهات با میزان کرایه خانه در ارتباط است یعنی وقتی درآمد پایین می‌آید، فرد به مناطق ارزان‌تر کوچ می‌کند و روابط او با کسانی که راحت‌تر هنجارها را می‌شکنند بیشتر می‌شود. تئوری و نقطه‌نظر ساترلند مبتنی بر این اصل است که هر فردی به‌گونه‌ای یکنواخت تحت تأثیر فرهنگ محیط اطراف قرار داشته و با آن مطابقت دارد، مگر آنکه الگوهای معارض فرهنگ محیط او با توجه به مطلب فوق‌الذکر، انحراف و کج رفتاری اجتماعی را دگرگون سازد (سختوت، ۱۳۸۴؛ کوئن، ۱۳۷۵ و گسن، ۱۳۷۰).

بنابراین نظریه، نزدیکان و همالانی که بزهکار باشند در تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری کمک مؤثر می‌کنند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. نظریه پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه‌اش با خانواده، با محله و رفقا و مصاحبین در نظر می‌گیرد. این نظریه ابتدا از سوی ساترلند و کرسی مطرح گردید و بعدها توسط دوفلور و کوینی به صورت زیر فرمول بندی شد:

"انگیزه‌ها، نگرش‌ها و روش‌هایی بزهکارانه‌اند که به‌طور مؤثر به ارتکاب مکرر جرائم می‌انجامد. پیوستن با بزهکاران یا جدا شدن از غیر بزهکاران (پیوند افتراقی) به فراگیری مطالبی می‌انجامد که موافق تخلف از قوانین است. تکرار و غالب کمی مطالبی که تعاریفی موافق بزهکاری و قانون‌شکنی ارائه می‌کنند بر فراگرفته‌هایی که ضد بزهکاری اند منجر به پذیرش بزهکاری می‌شوند." نظریه کنترل اجتماعی با تکیه بر نیروهای درونی فرد و به اصطلاح با تمرکز به حضور روان‌شناختی افراد صاحب نفوذ در ذهن کودک و نوجوان به تبیین و چگونگی جلوگیری از بزهکاری می‌پردازد. در همین حال از تأثیر نیروهای منفی محیط بیرون غافل می‌ماند. در عوض در نظریه پیوندهای افتراقی با توجه انحصاری به نیروهای بیرونی از تأثیر حفاظتی نیروهای درونی غفلت می‌کنند. طبیعی است که شخص با توجه به توانایی نسبی این نظریه‌ها و پی بردن به نقص آن‌ها، بتواند نظریه‌ای تلفیقی که از ترکیب آن دو پدید می‌آید، بنا نهد.

ساترلند اصطلاح همنشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار برد. همنشینی افتراقی بر این پیش‌فرض بنا شده است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. در فرایند یادگیری، معاشران فرد قواعد حقوقی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان فرامی‌گیرد. شخص به دلیل اینکه در معرض تعاریفی قرار می‌گیرد که قانون‌شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می‌دهند، بزهکار یا جنایتکار می‌شود.

ساترلند به معاشرت با بزهکاران و جنایتکاران یا درست‌کرداران توجه ندارد، بلکه تأکید وی به در معرض تعریف‌های مناسب یا نامناسب قواعد حقوقی قرار گرفتن است؛ برای مثال یک فرد جوان ممکن است با تعداد کمی بزهکار معاشر باشد، لیکن این روابط ممکن است به نحوی باشد که فرد در معرض الگوهای بسیاری در زمینه بزهکاری قرار گیرد. ممکن است در شبکه روابطی که فرد با بزهکاران دارد برخی از انواع بزهکاری مورد تحسین و برخی دیگر از انواع آن مورد بی‌اعتنایی بوده و حتی زشت شمرده شود؛ برای مثال دزدان حرف‌های ممکن است نسبت به تجاوز به عنف، آدم‌کشی و اعتیاد به مواد مخدر به همان اندازه‌گیری مردم درستکار نفرت داشته باشند و این اعمال را محکوم کنند. گرایش به برخی از انحرافات اجتماعی مانند تقلب در پرداخت مالیات ممکن است توسط افراد محترم و درستکار جامعه آموخته شود. به باور ساترلند انواع الگوهای درستکاری و انحراف اجتماعی در جامعه وجود دارد، اما توزیع آن‌ها و احتمال برخورد افراد با آن‌ها به نظارت اجتماعی بستگی دارد (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵).

### نظریه بی‌هنجاری دورکیم

مفهوم آنومی در جامعه‌شناسی اولین بار توسط دورکیم به کار رفت. او از جمله نظریه‌پردازان قرن نوزدهم است که به تحلیل کج رفتاری از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته است. وی اولین فردی است که به آرزوهای کنت تحقق می‌بخشد و از روش اثباتی برای تبیین کجرفتاری استفاده می‌کند. او کانون توجه خود را تغییر ساخت اجتماعی از حالت انسجام مکانیکی به اورگانیکی قرار می‌دهد و بر این عقیده است که کجرفتاری هر چند در همه جوامع اتفاق می‌افتد شکل مدرن آن خاص جامعه مدرن با انسجام اورگانیکی است که عمدتاً در قالب حالت آنومی به عنوان یک بیماری مدرن ظاهر می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۱).

تصور کلی دورکیم که با صنعتی شدن و شهرنشینی ممکن است بی‌سازمانی اجتماعی به وجود آید بر روی نمونه‌ای از کشورهایی که در مراحل متفاوتی از توسعه مطالعه‌ای که توسط هیرشی انجام گرفته مورد تأیید واقع شده است. هیرشی بدین نتیجه رسید که زمانی که یک جامعه بیشتر صنعتی می‌شود و تنوع بیشتری پیدا می‌کند علقه‌های اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرم زا هستند دیگر مؤثر نخواهند بود. کلینارد و ابوت مطرح کرده‌اند که تأثیرات ملازم با توسعه نظیر بالا رفتن آموزش، مهاجرت از روستاها، ماهیت ناپایدار نیروی کار، تأکید بر روی کالاهای مادی، موجب تحلیل رفتن مکانیسم‌های کنترل غیررسمی شود این شکست در نظام هنجاری به نوبه‌ی خود، به عنوان افزایش‌دهنده جرم در ملل صنعتی و در حال صنعتی شدن نگریسته شده است طبق گفته‌ی دورکیم نیازها و تمایلات اجتماعی انسان‌ها بالقوه نامحدود هستند. قوه تعقل، انسان را قادر می‌سازد که در زندگی همواره شرایط بهتر و مطلوب‌تری را برای خود مهیا کند. از آنجایی که آمال و آرزوها نامحدودند، لذا برای مهار کردن هوس‌های بشر نیرویی مورد نیاز است. و باید تنظیم‌های اخلاقی و قواعد هنجاری مناسب نیز شکل گیرند تا حقوق و وظایف افراد مشخص شود. بنابراین موضوع مورد توجه دورکیم در ارتباط با مسئله کج رفتاری، ساخت جامعه و تأثیر آن بر فرد است. بنابراین زمانی که تغییرات سریع جامعه را مختل می‌کند، مهار کردن هوس‌های انسانی غیرممکن می‌شود، بعدازآن است که حالت بی‌هنجاری به وجود می‌آید (مهرگان، ۱۳۸۹: ۴۸).

دورکیم آنومی را به عنوان بی‌سازمانی نظام اجتماعی، که از طریق شهرنشینی و به تحلیل رفتن جامعه سنتی به وقوع می‌پیوندد، تعریف کرده است و مشخصه آن بی‌هنجاری و نامتناهی بودن آرزوها است. بی‌هنجاری و نامتناهی بودن آرزوها در شرایطی رخ می‌دهد که افراد از قیود اجتماعی رهایی یابند زیرا در جامعه شهری شبکه‌های خویشاوندی و اجتماعات به واسطه‌ی صنعتی شدن در هم شکسته شده و حالتی از انزوا و گمنامی بر زندگی شهری حاکم است. همچنین به نظر دورکیم در چنین جامع‌های کودکان نیز دچار سردرگمی هستند و والدین، جامعه افراد بالغ اطراف او به علت گرفتاری‌های زندگی صنعتی و ماشینی، قدرت راهنمایی را از دست داده‌اند، کودک چون خود را در یک خلأ رها شده می‌بیند پس مجبور می‌شود خود تصمیم‌های نهایی را انجام دهد. از طرف دیگر او می‌بیند که هنوز نقش او در جامعه مشخص نیست. تغییرات محیط آموزشی، خانه، همسالان، همگی دست به یکدیگر داده و هر روز او را گسیخته با محیط بار می‌آورند و به تدریج او را دچار طردشدگی، تنفر، بی‌اعتمادی و یا دیگر بیماری‌های روانی می‌گردانند. بزرگسالان نیز از نظام‌های منزلتی فاصله گرفته‌اند، آزادند تا به منظور رسیدن به طیفی از ارزش‌های اجتماعی بالاتر رقابت کنند. بعلاوه در یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و رقابت، ارزش عمده و معیار اصلی منزلت افراد پول هست. آرزوهای پولی در یک جامعه شهری بی‌انتهاست، بدین علت که هر چه درجه ثروت و منزلت یک شخص بالاتر رود،

وی به دغدغه خاطری دچار می‌گردد مبنی بر اینکه هنوز دیگری از او بالاتر است، بنابراین تلاش در جهت دستیابی به ثروت بیشتر در یک دور بی‌انتهای و سیری‌ناپذیر ادامه می‌یابد (علیوردی نیا، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

وجدان جمعی غرامت می‌طلبد و مجازات گنهکار غرامتی است که به احساسات همگان داده می‌شود. دور‌کیم بی‌هنجاری را علت جرم می‌داند دور‌کیم مفهوم بی‌هنجاری را برای اشاره به این فرض به وجود آورد که در جوامع امروزی معیارها و هنجارهای سنتی بی‌آنکه توسط هنجارهای جدیدی جایگزین گردند، تضعیف می‌شود بی‌هنجاری هنگامی وجود دارد که معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود ندارد (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۲۱).

### نظری انحرافات اجتماعی مرتن

مرتن برای پاسخ به این سؤال که چرا انسان‌ها طبق شرایط اجتماعی عمل نکرده و دچار رفتار انحرافی می‌گردند دو دسته عوامل در نظر می‌گیرد یکی فرهنگ و دیگر نظام اجتماعی است که وظیفه فرهنگ را ارائه ارزش‌ها یا اهداف دانسته و کارکرد نظام اجتماعی را ارائه هنجارها یا وسایل رسیدن به اهداف می‌داند. او می‌گوید: اگر نهادهایی که وظایف انتقال فرهنگ و ارزش‌ها را به افراد عهده دارد، خوب عمل نکنند و کارکرد خود را به خوبی انجام ندهند افراد اهداف را نپذیرفته و هنجارهای اجتماعی مشروع را نیز به خوبی تشخیص نخواهند داد و این فرایند منجر به انحراف فرد می‌گردد. از نظر مرتن دو دسته عناصر ساختاری است که ارزش‌ها و هنجارها را به افراد ارائه می‌کند و میزان پیوستگی بین این دو عنصر در جامعه تعیین‌کننده نوع و کم و کیف انحرافات است.

به نظر مرتن، افراد در طی فرایند اجتماعی شدن و به عنوان نتیجه آن می‌آموزند که چگونه اهداف فرهنگی مهم را بشناسند و در همان حال وسایلی را که از نظر فرهنگی پذیرفته‌شده و مورد تأیید است برای رسیدن به اهداف برگزینند. وی در این نظریه بر آن است ثابت کند که انحراف به این دلیل رخ می‌دهد که جامعه دستیابی به برخی از هدف‌ها را تشویق می‌کند، اما وسایل لازم را برای دستیابی به آن اهداف در دسترس اعضایش قرار نمی‌دهد و بدین‌سان فرد باید خود اهداف خاص را مشخص کند یا به دنبال استفاده از وسایل غیر مشروع برای رسیدن به اهدافی باشد که از نظر فرهنگی مجاز شمرده می‌شوند (کوئن، ۱۳۷۵: ۲۲۹-۲۲۲).

به‌طور کلی اندیشه او این است که پذیرش جمعی اهداف و ابزارهای قابل وصول، هماهنگی متوازی بین این دو بخش ساخت‌یافته صور زندگی به وجود می‌آورد و این هماهنگی عنوان انطباق یا سازگاری پیدا کرده است، لکن رد اهداف یا وسایل یا هر دوی آن‌ها منجر به یکی از آن چهار وجهی صور نوعی می‌شود که افراد از طریق آن‌ها با ناهمسازی و عدم انسجام اجتماعی مقابله می‌کنند آن چهار وجه عبارت‌اند از:

ابداع و نوآوری: هنگامی که هدف پذیرفته‌شده، لیکن ابزارها و وسایلی دستیابی به هدف پذیرفته نشده باشد.  
رسم پرستی و مناسک گرایی: هنگامی که ابزارها و وسایلی پذیرفته‌شده، لیکن هدف پذیرفته و مورد قبول نیست.  
واخوردگی یا عزلت‌گزیدن: هنگامی که هدف و وسایلی هیچ‌کدام پذیرفته نشده باشد.

طغیان یا سرکشی: اهداف و وسایل هر دو دچار تغییر شده و نوع جدیدی از وحدت میان اهداف جدید و وسایل و ابزارهای تازه می‌تواند شکل گیرد (مهرگان، ۱۳۸۹: ۵۱).

دیدگاه مرتن به دنبال کشف این امر است که چگونه برخی از ساخت‌های اجتماعی بر افراد خاصی از جامعه تأثیر گذاشته و موجب می‌شود آنان مرتکب رفتار خلاف با هنجارهای اجتماعی شوند. ساخت‌های اجتماعی فعال بوده و تولیدکننده الگوهای رفتاری می‌باشند؛ بنابراین، او بر نظم اجتماعی تمرکز نموده و تأثیر ساخت‌های هنجاری را بر افراد مورد تحقیق قرار می‌دهد. به عقیده مرتن، تضاد میان اهداف فرهنگی مانند پول، قدرت و مقام و ابزارهای نهادی شده مشروع برای دسترسی به اهداف، منبع اولیه آنومی است؛ برای مثال، جامعه امریکا همه اعضایش را به آرزوی داشتن ثروت، قدرت و موقعیت اجتماعی تشویق می‌کند و ارضای این آرزوها و انتظارات فقط برای عده خاصی از اعضای جامعه میسر است (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲).

### رویکرد کنترل اجتماعی

بر اساس نظریه هیرشی بی‌هنجاری به عنوان یک مسئله اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، گروه همالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان به‌نوعی در آن‌ها عضویت دارد، بررسی گردد. بر این اساس بی‌هنجاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به‌طور کلی از بین بروند. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی خلاصه می‌کند:

**وابستگی:** حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران در باره خود نشان می‌دهد، در حقیقت یک نوع قیدوبند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی می‌کند. این وابستگی را هیرشی هم‌پایه وجدان و یا من برتر می‌داند.

**تعهد:** میزان مخاطره‌ای است که فرد در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماع می‌کند. بدین معنی فردی که خود را نسبت به قیود اجتماعی متعهد می‌داند از قبول این مخاطرات پرهیز می‌کند. اگر وابستگی را هم‌پایه وجدان بدانیم، تعهد هم‌پایه عقل سلیم یا خود است.

**درگیر بودن:** میزان مشغولیت فرد در فعالیت‌ها مختلف است، که باعث می‌شود او وقت برای انجام کار خلاف نداشته باشد. مثل درگیر شدن در سرگرمی‌های مدرسه، خانه و اشتغال به فعالیت‌های فوق‌برنامه.

**باورها:** میزان اعتباری است که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است، درحالی‌که می‌تواند طبق میل خود از آن‌ها تخلف کند، ولی به آن‌ها پایبند باقی می‌ماند، مانند باور به نیکوکاری، حسن شهرت و غیره (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۱۵).

### نظریه پارسونز: کنش اجتماعی و آنومی

بحث اصلی پارسونز در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش‌فرضی که در مورد خرده نظام‌های چهارگانه فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد مطرح کرده شکل گرفته است. کارکردهای مناسب هریک از این خرده نظام‌ها و ارتباط و کنش متقابل بین آن‌ها عامل کنترل‌کننده هر جامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی‌سازمانی در هر یک از خرده نظام‌ها حیات جامعه را تهدید کرده، زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آن‌ها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و

سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. افراد با درونی کردن الگوها در فرایند جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌ها در چهارچوب نظام فرهنگی، روی پیوستاری قرار می‌گیرند، که در یک طرف آن رضایت و اقتناع درونی و برخورداری از حمایت و پذیرش اجتماعی برای افراد است، و در طرف دیگر آن نابسامانی و بی‌هنجاری و رفتار انحرافی است که اجبار و اضطراب اجتماعی را به همراه دارد. نظریه‌های انحرافات اجتماعی پارسونز همه افسار جامعه را پوشش می‌دهد. او علاقه‌مند به یافتن رابطه نظری میان ساخت خانواده، نقش‌های جنسی و خشونت است. پارسونز روابط فرزند و والدین را به عنوان منبعی از طغیان دوره جوانی ذکر کرده و اظهار می‌دارد که جوانان به دلیل بعضی از گویه‌های پذیرفته‌شده فرهنگ خانواده‌های طبقه متوسط مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۳).

### پارک و برگس: نظریه‌های بومشناختی

مکتب شیکاگو نظریه بومشناختی در جامعه‌شناسی چون پارک و برگس که در زمینه جامعه‌شناسی شهری مطالعه می‌کردند مطرح نمودند. آنان در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت مانند زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت و تراکم جمعیت تمرکز کردند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم برخی از رفتارهای انحرافی مانند: خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو، با هدف درک تأثیر عوامل جمعیت شناختی مانند سن، بعد خانوار، تراکم جمعیت و مهاجرت و عوامل بومشناختی مانند قومیت، نژاد و محل سکونت بر بی‌سازمانی اجتماعی و جرم و بزهکاری را مطالعه کردند. در ارتباط با این مطالعه، پارک اولین و نافذترین کتاب را به نام شهر در زمینه جامعه‌شناسی شهری و جامعه‌شناسی انحرافات منتشر کرد (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۲۴).

### نظریه مهار

این نظریه متعلق به رکلز هست. طبق این نظریه اعتقاد بر این است که جامعه فشارها و کشاننده‌هایی را نسبت به بی‌هنجاری در فرد ایجاد می‌کند که عبارت‌اند از: فشارهای درونی، شامل عوامل شخصی مانند بی‌قراری، خصومت، سرکشی و طغیان، تعارض روانی، اضطراب و نیاز به ارضاء فوری خواسته‌ها. فشارهای بیرونی، شامل محرومیت نسبی، فقر، بیکاری، عدم امنیت، فرصت‌های کم و نابرابری‌ها. کشاننده‌های بیرونی، شامل عضویت در خرده‌فرهنگ‌های بزهکار و گروه‌های بزهکار و رسانه‌های محلی و گروهی که در زمینه هرزه نگاری فعالیت دارند.

در برابر این فشارها، مهارهای درونی و بیرونی گوناگونی جهت محافظت از جرم و بزهکاری در افراد وجود دارد که عبارت‌اند از: مهارهای درونی: میزان قدرت و استحکام شخصیتی فرد، مانند عزت‌نفس بالا، سطح تحمل ناکامی بالا، هدف داشتن در زندگی و توانایی کاهش و کنترل تنش.

مهارهای بیرونی: شامل احساس تعلق به یک گروه، داشتن ارزش‌ها و تقویت آن توسط جامعه، نظارت مؤثر والدین، انضباط و داشتن نقش اجتماعی مؤثر در جامعه. در این نظریه به‌طور خلاصه چنین بیان می‌شود که مهارهای درونی و بیرونی در افراد منجر به مقاومت آن‌ها در برابر بزهکار شدن می‌شود و عزت‌نفس بالا از مهم‌ترین آن‌هاست. در نظریه مهار این‌گونه سؤال می‌شود

که چرا افراد اقدام به جرم و بزهکاری نمی‌کنند و در واقع عوامل بازدارنده آنان از بزهکاری چیست؟ اینک پس از بررسی نظریه‌های تبیین‌کننده بزهکاری از دیدگاه‌های مختلف به بررسی مفاهیم عینی مؤثر در بزهکاری اشاره می‌شود (اصلاح عربانی، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۰).

### نظریات دسته بندی شده خارج از مبحث انحرافات: بدن:

بدن در دوره نوجوانی اهمیت خاصی می‌یابد. در این میان، گروه همسالان یکی از سازنده‌ترین نقش‌ها را در نظام‌مندی و تنظیم بدن ایفا می‌کند. از خلال مطالعه بدن می‌توان جایگاه این گروه‌ها را در برساخت هویت تجسم یافته نوجوانان فهم کرد. از میان ایده‌های مختلفی که به رشد و گسترش مطالعات معطوف به بدن در قرن بیستم منجر شد، حرکت از مدرنیته به سوی مدرنیته متاخر است که درون مایه آن عدم قطعیت است. بدین ترتیب هویت‌های ما و احساس ما از خویشتن به هیچ وجه امری از پیش مشخص نیست. هویت‌ها و خویشتنهای متغیر نتیجه بازاندیشی فزاینده انسان عصر مدرن در دوره متأخر آن است؛ به گونه‌ای که این بازاندیشی در همه ابعاد و از جمله درباره بدن فرامدرن صادق است. در جهان معاصر، بدن دیگر امری از پیش داده نیست، بلکه امری قابل تغییر، برنامه‌ریزی و بازاندیشی است که در طول دوره حیات فرد با تغییرات فراوانی مواجه می‌شود؛ از همین روست که شیلینگ بدن را پروژه ناتمامی می‌داند که در خلال مشارکت در جامعه تغییر می‌یابد. نکته مهم است که اینجا بدن برای ما نشان دهنده شکلی از تعلق زیست‌شناختی نیست، بلکه صورتی تماماً فرهنگی دارد. البته که نمی‌توان منکر وجود تفاوت‌هایی در قد، وزن، طول عمر میان افراد یک جامعه شد، اما به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها بیشتر از آنکه قوانینی انعطاف‌ناپذیر و نامتغیر باشند، گویای گرایش‌های متفاوت اجتماعی هستند. به نظر می‌رسد این دست تفاوت‌ها بیشتر از اینکه مسائلی زیست‌شناختی باشند، به نظام انتظارات و توقعاتی مربوط می‌شوند که جامعه از نقش‌های آنان دارد و در نظام‌های آموزشی و سبک‌های زندگی شکل گرفته است (صباغ و شالفروش، ۱۳۹۷).

گرایش به زیبایی برای سنین نوجوانی که دوره حساسی از طوفان و فشار بلوغ هستند بسیار مورد توجه است. تحقیقات جدید ثابت نموده است که جذابیت صورت در سنین نوجوانی از اصول فرهنگی و اجتماعی ثابتی پیروی می‌کند دختران در سنین نوجوانی توجه به تصویر بدن بالایی دارند و مباحث آنان بطور گسترده‌ای حول موضوعاتی نظیر هویت، جنبش اجتماعی، فرهنگ مصرف، سبک زندگی و اخلاق برانگیخته است و از استعاره‌هایی مانند جامعه بدنی و یا عصر بدن، استفاده می‌کنند (صدری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

فوکو بدن‌ها را حامل و ناقل ساخت‌های رابطه‌ای و نهادی می‌داند. بر اساس باور او هم‌نواپی افراد با انتظارات جامعه صرفاً ناشی از اطلاعات گاه آن‌ها از هنجارها نیست. این هم‌نواپی از قدرت انضباطی سرچشمه می‌گیرد که افراد را از طریق سازماندهی و تحت اراده در آوردن آن می‌سازد و شکل می‌دهد. این نوع قدرت که فک و آن را قدرت زیستی می‌داند بر استقرار بدن‌ها در فضاهای اجتماعی و فیزیکی فرمان میراند. فوکو نظام تنبیهی مدرن را نوعی اقتصاد سیاسی بدن معرفی می‌کند در این نظام بدن و نیروهای آن و نیز فایده‌مندی و مطیع بودن آن هدف اصلی است (اصغرپور ماسوله و حسنی درمیان، ۱۳۹۲: ۴۸۸).

بورديو تحليل خود از بدن را به توليد و تبديل سرمايه پيوند مي‌زند. بر اساس نگاه او سرمايه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعي است که در توانايي فرد براي بهره‌مندی از منافع خاصي که در اين صحنه حاصل مي‌شود مؤثر است. بدن دراندیشه برديو ماهيت ناتمامي است که از یک سو حامل ارزش‌های نمادین است و از سوی دیگر توسعه و گسترش آن در ارتباط



با نیروهای گوناگون اجتماعی صورت می‌پذیرد. آرا و در حوزه مصرف نیز قابل توجه و قابل تأمل است. به نظر او هدف از مصرف ایجاد تشخیص در خود است، مصرف برخی تولیدات خاص که به گروه‌های بالای جامعه اختصاص داد؛ مصرف، منزلت ایجاد می‌کند به همین دلیل طبقات پایین جامعه برای پنهان کردن جایگاه خود به عنوان طبقه فرودست تلاش می‌کنند متعلقات مصرف گروه‌های بالا را تهیه کند حتی اگر استطاعت خرید آن را هم نداشته باشند (اصغرپور ماسوله و حسنی درمیان، ۱۳۹۲: ۴۸۹). بورديو، هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت تمایز و پایگاه می‌داند و در تحلیل خود از بدن به کالایی شدن بدن در جوامع اشاره می‌کند که به صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌شود و تولید آن در گرو رشد و گسترش بدن به گونه‌ای است که بدن حامل ارزش در زمینه‌های اجتماعی باشد. او معتقد است بدن به منزله شکل جامعی از سرمایه فیزیکی در بردارنده منزلت اجتماعی و اشکال نمادین متمایز است (نادریان جهرمی و پژوهان، ۱۳۹۸: ۵).

نوربرت الیاس فردیت را در علائم و رموز کردارهای بین اشخاص از اواخر قرون وسطی تا قرن نوزدهم دنبال می‌کند. او می‌خواهد نشان دهد که شکل‌های تازه‌ای از خودآگاهی پدید آمده که می‌توان آن را در اموری جزئی و پیش پا افتاده مثل کنترل جسمانی از طریق منافذ بدن چه در خوردن یا دفع مواد زاید و چه در جنسیت مشاهده کرد و گرایش فزاینده مردم به معاینه و مراقبت خود و دیگران یکی از نشانه‌های این واقعیت است که چگونه مسأله رفتار از رنسانس به بعد ویژگی دیگری یافته است. مردم خودشان و دیگران را با تعمد و سنجیدگی بیشتری شکل می‌دهند. بنابراین کار الیاس حاکی از این است که مفاهیم و برداشتهای جدید از خود با شکل‌های باز یگوشانه مبتنی بر منش‌داری کردارها گره خورده است. به عبارت دیگر در طول فرایند مدرن شدن افراد به دنبال راه‌هایی برای تشخیص متمدن از نام و تمدن و ظرافت و آداب دانی از بی‌نزاکتی هستند. می‌توانیم نتیجه بگیریم که تصورات مربوط به رفتار مطلوب یا متمدن برای پروراندن معیارهای شمول و طرد اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه اصطلاحات بدسلیقگی و خوش سلیقگی و غیره روش‌های خاصی برای ارزش‌گذاری هستند، اما اعتبار آن‌ها تنها از قدرت و منزلت گروه اجتماعی به کار گیرنده آن‌ها ناشی می‌شود (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۱ و ۶۲).

گافمن بر این نکته تأکید می‌کند که بین خود اجتماعی و یا هویت اجتماعی با خود واقعی فاصله وجود دارد وی برداشت از خود را با رهیافت نمایشی تشریح می‌کند؛ نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی را تنها نمایش‌هایی می‌بیند که در زندگی روزمره اجرا می‌شوند. استفاده از مفهوم خود تا اندازه زیادی به بدن اشاره دارد. از دید او عاملان بدنی یا جسمینیز رای جمع‌کن‌هایی هستند که با توسل به همه روش‌های علامت دهی اجتماعی سعی دارند نظر دیگران را به خود جلب کنند (اصغرپور ماسوله و حسنی درمیان، ۱۳۹۲: ۴۸۷). از نگاه گافمن، مدیریت بدن در حفظ و نگهداشت آشنایی بین افراد نقش‌ها و روابط اجتماعی محوریت اساسی دارد و به منزله حلقه واسط بین هویت فردی و هویت اجتماعی افراد ایفای نقش می‌کند (نادریان جهرمی و پژوهان، ۱۳۹۸: ۵).

تحلیل‌های روانشناختی از بدن علاوه بر ویژگی‌های فیزیکی مانند وزن بدن، به معیارهایی مانند گرایش‌ها و رفتارها نیز توجه دارند مثلاً اهمیت وسواس شدید نسبت به ظاهر را مورد توجه قرار می‌دهند و در مورد رفتارهایی مانند اختلالات تغذیه‌ای و بیگانگی از بدن عموماً مفروضات فردگرایانه را مبنا قرار می‌دهند (ذکائی، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

به نظر گیدنز خودآرایی و تزئین خود با پویایی شخصیت مرتبط است. در این معنا پوشاک علاوه بر آنکه وسیله مهمی برای پنهان‌سازی یا آشکارسازی وجوه مختلف زندگی شخصی است نوعی وسیله خودنمایی نیز محسوب می‌شود زیرا لباس آداب و اصول رایج را به هویت شخصی پیوند می‌زند. گیدنز معتقد است توجه به بدن جستجوی برای هویت است. امروزه جنبه ظاهری

بدن برای ابراز هویت فردی بیش از وجه اجتماعی آن تقویت شده است. گیدنز به حالتی اشاره می‌کند که افراد از بدن‌های خود بیگانه می‌شوند و در پی اضطراب ناشی از بیگانگی از بدن هویت‌های شخصی آن‌ها دچار آسیب می‌شود. او اشاره می‌کند که بدن همزمان با سست شدن مبانی دینی و هویت اجتماعی جایگاه و اهمیت بیشتری در هویت‌سازی افراد پیدا می‌کند (اصغرپور ماسوله و حسنی درمیان، ۱۳۹۲: ۴۹۰-۴۸۹). گیدنز معتقد است حالات چهره و دیگر حرکات بدن فراهم‌کننده نشانه‌هایی هستند که ارتباطات روزمره مشروط به آن‌هاست. به عبارت دیگر برای اینکه بتوانیم به طور مساوی با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی شریف شویم باید قادر باشیم نظارتی مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خود اعمال کنیم (نادریان جهرمی و پژوهان، ۱۳۹۸: ۵).

بودریار در تحلیل خود از تأثیر مصرف نوین بر ساختار نمادها و نشانه‌ها تأکید می‌کند. به نظر او مصرف در جوامع مدرن و پست مدرن مبتنی بر ارضای مجموعه نیازهایی از پیش تعیین شده نیست که ریشه در جنبه زیستی انسان داشته باشد مردم می‌کشند که از طریق مصرف کالاهایی که به زعم خود تأمین‌کننده نظرشان درباره خود و هویت‌شان است به همان کسی تبدیل شوند که مایلند باشند (اصغرپور ماسوله و حسنی درمیان، ۱۳۹۲: ۴۹۰).

بر اساس نظریه استفاده و رضامندی که از سوی کاتد مطرح شد مردم برای برآوردن برخی از نیازهای خود از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. به بیان دیگر انگیزه‌های متعددی وجود دارد که فرد را برای کسب رضامندی به سوی رسانه سوق می‌دهد. پژوهشگرانی رویکرد مخاطب را فعال و انتخاب‌کننده محتوای رسانه فرض می‌کنند و بر نیازهای شخصی جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های تفسیری او با ویژگی‌های فردی و اجتماعی تأکید می‌ورزند. گروپچ وهاس زمینه استفاده از رسانه‌ها دیدگاهی را مطرح کرده‌اند که معتقد است افراد از ارتباطات جمعی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند و از این طریق به صورت هدفمند یا غیر هدفمند خواهان روابط وحدت یافته خود با دیگران در سطوح مختلف (خود، خانواده، دوستان و ملت) هستند. بر مبنای این رویکرد صور مختلف رضامندی از رسانه‌ها از نیاز به ارتباط داشتن ریشه می‌گیرد. با تکیه بر این نظریه‌ها پژوهش‌های متعددی در زمینه نقش استفاده از رسانه‌ها در رشد دانش و نگرش کودکان و نوجوانان نسبت به ملیت خود و سایر ملیت‌ها صورت گرفته است (حسینی انجدانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴ - ۴۵).

روبرت و بارون بر این باورند که بدن در نظام‌های اجتماعی مدرن زمینه اصلی فعالیت فرهنگی و سیاسی شده است. نمای ظاهری فرد بیش از آن که نشان دهنده هویت شخصی او باشد هویت اجتماعی‌اش را نشان می‌دهد. لباس و هویت اجتماعی حتی امروز هم هنوز به کلی از یکدیگر جدا نشده‌اند و از پوشش افراد همچنان به صورت نشانه‌هایی از نوع و موضوع طبقاتی یا پایگاه حرف‌های آنان باقی مانده است (نادریان جهرمی و پژوهان، ۱۳۹۸: ۵).

### هویت:

دیدگاه‌های معاصر هویت را امری اجتماعی دانسته که محصول تعاملات افراد با یکدیگر می‌باشد و بنابراین سیال متغیر و چندگانه است در این دیدگاه هویت نتیجه و برآیند دو ویژگی شباهت خود با دیگران و تمایز یا تفاوت خود از دیگران است، یعنی افراد به طور همزمان نیاز به درک اشتراکات خود با دیگران و همچنین آنچه آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند دارند. بنابراین همه هویت‌های انسانی ناشی از اجتماع می‌باشد (جنکینز ۲۰۰۴: ۴-۵).

در دیدگاه ساختارگرایان، کنشگر آفریده و مخلوق نظام اجتماعی است. بر این اساس هویت نیز به عنوان یک واقعیت اجتماعی متأثر از ساختار و شرایط اجتماعی بوده و فرد در شکل‌گیری هویت خود نقشی مؤثر ندارد. تغییرات هویت نیز تابع تغییرات محیطی است، تا موقعی که تغییری در محیط صورت نگیرد، هویت نیز تغییری نمی‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۳۱).

در این میان، زیمل در جامعه‌شناسی صوری از روابط اجتماعی و هندسه اجتماعی تعریف می‌کند. در ضریب هندسی مورد نظر او اعداد و فاصله‌ها می‌باشند، یعنی در روابط فرد و جمع به جرم یا حجم اجتماعی و میزان تشابه و مقایسه‌پذیری فاصله اجتماعی توجه می‌کند. با توجه به این عوامل فرد در جمع تحلیل می‌رود، ولی نشان هویت جمعی کوچک در پیشانی خود دارد. در عین حال این عوامل پذیرش فرد را در اجتماعات دیگر با مشکل مواجه می‌کنند، در حالی که در جامعه صنعتی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از هم متمایز می‌شوند و فرد ضمن سروکار داشتن با ابعاد مختلف، زیر سلطه هیچ واحد یا بخش خاصی قرار نمی‌گیرد و ابعاد شخصیتی او نیز متمایز و گسترده‌تر می‌شود. لذا فرد از استقلال عمل و فردیت بیشتری برخوردار است. این امر او را قادر می‌سازد تا براساس ضوابط رسمی و عقلانی عام‌تری عمل کند. بنابراین با افزایش حجم و تفاوت‌پذیری بیشتر اشکال یا صورت‌های اجتماعی همبستگی بین‌گروهی بیشتر و هویت جمعی نیز عام‌تر می‌شود (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

مارسیا، نوجوانی را دوره‌ای می‌داند که نوجوان در آن با یک بحران هویت مواجه می‌شود. اریکس آن هویت را ادراک فرد می‌داند که نتیجه ایجاد وحدت بین گذشته حال و آینده است و از مجموعه ارزش‌ها و باورها و اهداف تشکیل شده است که شخص به آن پایبند است (آقاگدی و احمد اعتمادی، ۱۳۹۱: ۳۴).

در بین تضادگرایان، هابرماس تضادها و تعارضات و بحران‌های هویت‌های موجود را ناشی از نبود آزادی و مشارکت حقیقی مردم در تعیین سرنوشت خویش می‌داند. به نظر او لازمه رفع نابرابری‌ها و تعارضات و رسیدن به اجماع عمومی و کنش اجتماعی عام و در نتیجه سازگاری و یگانگی افراد بر سر باورها و ارزش‌ها و هم‌سویی ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تشکیل اجماع عام، وجود آزادی و به دور از سلطه برای انجام گفتگویی آزاد و خردمندانه و نیز مشارکت نظری و عملی افراد در حوزه عمومی است (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۳۷).

هابرماس، معتقد است دخالت دولت در امور اقتصادی، بحران اقتصادی را در عرصه اجتماعی پدید می‌آورد، تلاش دولت برای کنترل بحران اقتصادی «بحران عقلانیت» را ایجاد می‌کند، بحران عقلانیت به «بحران مشروعیت» منتهی می‌شود چرا که دولت استراتژی مناسبی برای آتی دادن منافع متضاد کنشگران اجتماعی پیدا نکرده است و مشروعیت خود را در نظر مردم از دست می‌دهد، در چنین وضعیتی «بحران انگیزه» بروز می‌کند بحران انگیزه در واقع همان بحران همبستگی اجتماعی است که امکان مشارکت سودمند مردم را در فرآیند تصمیم‌گیری از طریق نهادهای دموکراتیک معمول از قبیل احزاب سیاسی و انتخابات از بین می‌برد و زمینه را برای جنبش‌های اجتماعی، فراهم می‌کند. مثل جنبش دانشجویی برای مدتی در دهه‌ی ۱۹۶۰، جنبش زنان، محیط زیست و ضد قدرت هسته‌ای، معتقد است که باید به وسیله‌ی کنش‌رهای بخش، از کنش‌ابزاری رها شده و به کنش ارتباطی و تفاهمی‌رسید و این کنش ارتباطی است، که زمینه را برای هویت جمعی عام‌تر، فراهم می‌کند و این امر، در صورتی میسر می‌گردد که جامعه‌ای شکل بگیرد که در آن «عرصه عمومی» ظهور پیدا کند. تفاهم از طریق واکنش ارتباطی فراهم می‌شود در چنین حالتی زمینه برای یک کنش اجتماعی عام یا استراتژیک فراهم می‌شود، که سرنوشت‌ساز و تاریخ‌ساز می‌گردد (عبداللهی، ۱۳۸۰).

دیدگاه کنش‌گرایان به عنوان یکی از دیدگاه‌های مسلط روان‌شناسی اجتماعی و مورد اقبال جامعه‌شناسان، تلاش دارد بنیان‌های نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه نماید. در این دیدگاه هویت را به عنوان پدیده‌ای در حال ایجاد شدن و جدید می‌دانند که در هیچ زمان و مکانی ثابت نخواهد بود و همواره در حال شکل‌گیری و تغییر است. قضیه بنیادین در تعامل‌گرایی نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به‌اشیا، رفتارها، خودشان و دیگران الصاق می‌کنند، و این معانی را طی تعامل منتقل می‌نمایند و بسط می‌دهند. افراد نه بر مبنای خصوصیات غیرانتزاعی‌اشیا، بلکه بر مبنای معانی‌ای که این‌اشیا برای آنان دارند، رفتار می‌کنند. این‌ها معتقدند که انسان از ابتدای زندگی اجتماعی دارای یک هسته بنیادین یا یک هویت نسبی اولیه است که در جریان جامعه‌پذیری و کنش متقابل با دیگران هر روز هویت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند. از نظر پیروان این مکتب هیچ‌گاه هویت کامل نیست و هر روز در حال ایجاد شدن است. واحد تحلیل کنش‌گرایان فرد است و در نظریه آن‌ها به فرد برتری بیشتری نسبت به جامعه داده می‌شود (صباغ و شالفروش، ۱۳۹۷).

تاجفل، هویت را عبارت از یک «خود» مفهومی‌ناشی از عضویت درون گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضا که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و هم‌چنین موجب می‌شود که خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی وابسته به گروه خود، معرفی کند. بر طبق دیدگاه تاجفل آن بخشی از هویت ما که نشأت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم (درون‌گروه) و به وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خود نسبت به کسانی که در خارج از گروه هستند (برون‌گروه) شکل می‌گیرد. در مواقعی که هویت فرد رضایت بخش نیست، افراد سعی خواهند کرد که یا گروه فعلی خود را ترک کرده و به گروه دیگری که در وضعیت مثبت‌تری قرار دارد ملحق شوند و یا این که در وضعیت گروه خود بهبود حاصل کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). در واقع «خود» نسبت به محیط واکنش نشان می‌دهد، در یک وضعیت ممکن است که ملیت در درجه اول اهمیت باشد اما در وضعیت دیگر ممکن است قومیت یا نژاد مورد توجه باشد یا در وضعیت دیگر دین مطرح باشد. بنابراین مفهوم «خود» از این هویت‌ها شکل می‌گیرد و همواره متناسب با شرایط و موقعیت‌ها تغییر می‌یابد.

به نظر گیدنز، هویت افراد براساس خودآگاهی و هم‌توسط شرایط و موقعیت‌های اجتماعی در زمان و مکان شکل می‌گیرد. وی معتقد است که عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خودآگاهی فرد و بازاندیشی آن، هویت فرد را همیشه در فرآیند ساخت‌یابی قرار می‌دهد، به ویژه در عصر جدید که نهادهای امروزی هم دخالت دارند. به زعم وی هر چیزی در زندگی اجتماعی از آن چه سیستم‌های جهانی در بر می‌گیرند تا آن چه که وضعیت فکری یک فرد محسوب می‌شود در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می‌آید. از این رو گیدنز معتقد است که هویت فرد در روند ساخت‌یابی و با توجه به موقعیت‌ها، شرایط و احوال و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و نیز خودآگاهی شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). بر این اساس همیشه باید هویت خودمان را براساس زمان و فضا و تحت شرایط مختلف مورد تجدید نظر، بازبینی و مورد مشاهده قرار دهیم. به تعبیر دیگر در دوران اخیر بستر هویت‌سازی دگرگون می‌شود و به صورت پروژه‌های انعطاف‌پذیر در می‌آید.

کاستلز، هویت را مرتبط با متن و زمینه‌های اجتماعی می‌داند که سیاست‌های مربوط به آن را باید در جایگاه تاریخی آن‌ها بررسی کرد. به نظر او دنیا و زندگی ما به دست جریان‌های متضاد جهانی شدن و هویت شکل می‌گیرد. انقلاب تکنولوژی اطلاعات و بازسازی ساختارهای سرمایه‌داری، شکل تازه‌ای از جامعه یعنی جامعه‌ی شبکه‌ای را پایه گذارده است. وی هویت را فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت

داده می‌شود، تعریف می‌کند که برای کنشگر جمعی، ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد، اما این کثرت برای خود بازنمایی و کنش اجتماعی سرچشمه تنش و تناقض است. معنا، به منزله یکی شدن نمادین کنشگران اجتماعی با مقصود و هدف کنش است. او خصیصه‌های متمایزی را برای جامعه‌ی شبکه‌ای و اطلاعاتی کنونی قایل است که منجر به هویت‌های متمایزی نسبت به دوران ماقبل می‌گردد، چراکه با افزایش ارتباط متقابل تحت تأثیر جهانی شدن و از طرف دیگر تأکید بر هویت‌های محلی (مقاومت)، روند هویت‌گزینی افراد، دستخوش تغییر و دگرگونی است و برحسب تعامل دیالکتیکی محلی و جهانی بازساخته می‌شوند. کنشگران اجتماعی بر مبنای احساس کاهش مشروعیت نظام سیاسی خود و احساس تبعیض ناعادلانه سیاسی و اقتصادی یا اجتماعی واکنش نشان داده و هویت یا تشخص خود را از جماعت‌هایی می‌گیرند که با ویژگی تدافعی و یا برنامه‌دار در صدد ارائه هویت جدید هستند و این امر به دو صورت خاص‌گرایانه و عام‌گرایانه است (کاستلز، ۱۳۸۵).

#### مد:

زیمل معتقد است که مد هم میل به هم‌رنگی با دیگران را ارضا می‌کند و هم میل به جدایی و ممتاز بودن از دیگران را برآورده می‌سازد. فرد با پیروی از مد هم خود را متفاوت و بدیع احساس می‌کند و هم اکثریتی را که مانند و رفتار می‌کنند به دست می‌آورد. بنابراین مد پدیده اجتماعی خاص نظام سرمایه‌داری و مدرنیته غربی است که از یک سو با میل به هم‌رنگی با دیگران و تأیید آن‌ها و از سوی دیگر با میل به ممتاز بودن با مقولات فرد و خاص بودن ارتباط دارد. به علاوه زیمل آغاز مرد را از طبقات بالای جامعه و سرایت آن به طبقات پایین‌تر جامعه می‌داند. ویلن نیز به مد به عنوان نتیجه مصرفی نمایش می‌نگرد. وی معتقد است که در جامعه افرادی که بیشتر از طبقات بالا هستند به استفاده بی‌رویه از کالاها و خدمات می‌پردازند و با این کار خود می‌خواهند طبقه خود را برتر از دیگر طبقات نمایش دهند طبقات پایین‌تر نیز که احساس می‌کنند شیوه زندگی طبقات بالاتر و برتر است بسیار کوشش می‌کند تا حداقل بتوانند جزئی از ویژگی‌های طبقات بالا را داشته باشند و به تبعیت از آن‌ها می‌پردازند. از نظر او پدید آمدن مد به صورت مصرف‌نمایشی و اسراف‌آمیز در نظر گرفته شده است و این پدیده همان مصرف‌نمایش از طبقات بالا شروع و به طبقات پایین‌تر کشانده می‌شود (پیلتن و طالبی، ۱۳۹۲: ۵۳).

پیبروردیو به دیالکتیک روابط میان ساختار ذهنی و روابط عینی معتقد می‌باشد او معتقد است افرادی که در جایگاه عینی قرار می‌گیرند در این جایگاه دارای نوعی ساختار ذهنی می‌باشند بنابر این افراد دارای ساختار عینی یعنی در جایگاه مشترکی هستند که دارای ساختار ذهنی مشترک نیز می‌باشند. بنابراین بر طبق این نظریه افراد در هر طبقه اجتماعی دارای ساختار ذهنی مشترک نیز می‌باشند و تمایز بین طبقات در جامعه به تمایز در ساختار ذهنی افراد آن بر می‌گردد. ساختار ذهنی طبقات که همان ذائقه، وجهه و شیوه زندگی است که این مفاهیم در ارتباط با طبقات جامعه قابل تبیین است. مضافاً اینکه بوردیو به چهار نوع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی) اشاره می‌کند که در ارتباط با انواع سرمایه‌ها سه نوع طبقه مشخص نموده است که طبقات بالا دارای بالاترین سرمایه و طبقات پایین دارای نسبتی کمتری از سرمایه‌ها هستند. به زعم بوردیو سرمایه فرهنگی نقش بسیار مهمی در تحلیل سبک زندگی دارد و شامل سلیقه‌های خوب، شیوه، راه و رسم پسندیده، شناخت و پذیرش محصولات فرهنگی مشروع از قبیل هنر، موسیقی کلاسیک، تئاتر و ادبیات است. اما با بررسی و تعمق در نظریه بوردیو این تصور به ذهن متبادر می‌شود که مد و مدگرایی می‌تواند به عنوان یک نوع سرمایه نمادین در عرصه فعالیت‌های اجتماعی مطرح شود و به عنوان پرستیژ، غرور و افتخار هم می‌تواند مطرح شود که قاعدتاً منظری از مدگرایی ارائه می‌دهد. چرا که در نوع تفکر امروزی مد و مدل‌های روز می‌توانند باعث پرستیژ، غرور و افتخار اشخاص شود و به دنبال آن در متمایز کردن جایگاه اجتماعی

آن‌ها نقش به‌سزایی داشته باشد، اما بورديو مفهومی دیگر را نیز در عرصه اجتماعی به چالش می‌کشد که می‌تواند ارتباط ویژه‌ای با مد و مدگرایی داشته باشد و آن سلیقه است. بورديو معتقد است که سلیقه یک عملکرد است که یکی از کارکردهایش این است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد. به عبارتی سلیقه آن‌هایی را که ترجیح‌های همسانی دارند به هم نزدیک می‌سازد و این افراد را از افراد دیگری که سلیقه‌های متفاوت با آن‌ها دارند متمایز می‌سازد، بدینسان انسان‌ها از طریق کاربردها و دلالت‌های عملی سلیقه چیزها را طبقه‌بندی می‌کنند و در این فراگرد خودشان را نیز طبقه‌بندی می‌کنند. همچنین بورديو معتقد است که سلیقه امری اجتماعی است و معتقد است که سلیقه به حیثیت اجتماعی و جایگاه افراد در جامعه بستگی دارد. وی معتقد است که سلیقه نشان‌دهنده پیوند میان بعضی محصولات و مصرف‌کنندگان آن‌ها در یک فضای اجتماعی طبقه-بندی شده است. بطوریکه ذائقه طبقات مرفه مطلوبتر و مد توسط این گروه به طبقات پایین سرایت می‌کند (پیلتن و طالبی، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۵).

کلمن مقوله مد را یکی از تار جمعی و مترادف با هوس می‌داند هوس‌ها در طول زمان الگوی خاصی دارند پدید می‌آیند به آرامی شروع به رشد می‌کنند، کم کم نیرو می‌گیرد و به اوج می‌رسند، سرانجام رو به زوال می‌گذارند و از بین می‌روند. بعضی هوس‌ها در یک چرخه همیشگی قرار دارند به این معنی که یک هوس پدیدار می‌شود و جای مد قبلی را می‌گیرد و به نوبه خود پس از مدتی جای خود را به مد دیگری می‌دهد. در واقع سبک پوشاک فرد با توجه به واکنش دیگران انتخاب می‌شود یعنی افراد به شیوه‌ای لباس می‌پوشند که مورد پسند دیگران باشند. البته در مواردی ممکن است سبک پوشاک یک فرد باعث یک خوردن و جلب توجه دیگران شود حتی از نظر برخی از افراد چنین فردی سنت‌های موجود و مرسوم را به سخره گرفته است به نظر می‌رسد در مسأله پوشاک دو الگوی متفاوت وجود دارد: الگوی اول عبارت است از استفاده از نوعی پوشاک جدید بدون خدشه دار کردن هنجارهای مرسوم در این زمینه و بدون جلب توجه کنش‌های دیگران. در این الگو پوشاک به نحوی انتخاب می‌شود که زننده نباشد و غیر عادی جلوه نکند الگوی اول باعث جلب توجه دیگران می‌شود، اما الگوی دوم در نقطه مقابل آن قرار دارد در این الگو توجه به کنش و کنشگر جلب می‌شود و دیگران وادار می‌شوند که به آن واکنش پاسخ دهند (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

کاتز و لازاروسفلد واژه رهبران مد را برای افرادی وضع کرده‌اند که سعی می‌کنند اولین کسی باشند که مد جدیدی را می‌پوشند. این رهبران دارای پیروانی هستند که کار آن‌ها را تکمیل می‌کنند و برای ترویج مد از رسانه‌های همگانی استفاده فراوان می‌برند. به این ترتیب می‌توان در مسأله مد مثلثی را ترسیم کرد که یک رأس آن را رهبران مد، رأس دیگر آن را رسانه‌های همگانی، و رأس سوم آن را پیروانش تشکیل می‌دهند (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۱۵۲-۱۵۳).

فلوگل بیان می‌کند که مد یک حرکت نیست بلکه دو حرکت است: یکی اینکه افراد طبقات پایین را سوق می‌دهد که به افراد طبقه بالا شبیه شوند و دیگر اینکه افراد طبقه بالا را ترغیب می‌کند که وضع گذشته را رها کنند و نگذارند افراد طبقه پایین به آن‌ها برسند. در مورد میل به هم‌رنگی با دیگران با میل به ممتاز بودن همراه است و میل اخیر عموماً به صورت خودنمایی ظاهر می‌شود. بنابراین از لحاظ روانی با نوعی خودنمایی و نیاز به جلب توجه دیگران به خود بستگی دارد (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

## رسانه:

از نظر گربنر درباره تأثیر رسانه‌ها بر هویت اجتماعی افراد، نظریه کاشت بهتر تأثیرات رسانه‌ای را تحلیل می‌کند. نظریه کاشت حاصل دو دهه مطالعه او درباره تأثیر تلویزیون بر مخاطبان است. در این نظریه، افرادی که در رویارویی بسیار با وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون قرار دارند به مرور جهان را به گونه‌ای ادراک می‌کنند که به جای انطباق با واقعیت بیرونی بیشتر با آن چیزی همخوان است که رسانه‌ها درباره واقعیت بیان می‌کند. گربنر در مطالعات خود مخاطبان را به دو دسته پرمصرف و کم مصرف تقسیم می‌کند: بینندگان پرمصرف، آن دسته از مخاطبان هستند که چهار ساعت یا بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند و انتخاب برنامه‌ای که می‌بینند برایشان اهمیت ندارد، اما بینندگان کم مصرف، روزانه دو ساعت یا کمتر به صورت برنامه‌ریزی شده و انتخابی تلویزیون تماشا می‌کنند. تلویزیون منبع اصلی گروه پرمصرف برای ساخت واقعیت است در حالی که بینندگان کم مصرف از سایر رسانه‌ها نیز به موازات تلویزیون استفاده می‌کنند. نظریه پردازان کاشت استدلال می‌کنند که تلویزیون آثار دراز مدت تدریجی و غیرمستقیم اما مترکم و با اهمیت دارد آن‌ها تأکید می‌کنند که تماشای تلویزیون بیشتر آثار نگرشی دارد تا رفتاری (نادریان جهرمی و پژوهان، ۱۳۹۸: ۷-۶).

در مطالعات مربوط به نقش وسایل ارتباط جمعی، مفهوم این نقش پیچیدگی کمتری دارد زیرا پژوهشگران بر اساس نیازهای جامعه الگوهای رفتاری این وسایل را مشخص کرده‌اند. بنابراین وسایل ارتباط جمعی به دلیل موقعیت و پایگاهی که در جامعه دارند باید تا حد امکان باید فعالیت‌های خود در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، و تفریحی، انتظارات مخاطبان را برآورده سازند و به آن‌ها پاسخ دهند. امروزه نقش‌هایی که وسایل ارتباط جمعی بر عهده دارند عبارتند از فرهنگ‌پذیری، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی. مورتون و لازارسفلد وظایفی را برای وسایل ارتباط جمعی در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: وظایف اخلاقی (حمایت از هنجارهای اجتماعی)، امکان اعطای پایگاه اجتماعی، برخی وظایف نامطلوب (مانند تخدیر اجتماع با ایجاد نوعی مشارکت خیالی در واقعیت). لاسول، اندیشمند ارتباطات اجتماعی نیز سه نقش مشخص را برای رسانه‌ها تعریف کرده است: نظارت بر محیط (نقش خبری)، ایجاد و توسعه همبستگی‌های اجتماعی افراد (نقش راهنمایی)، انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی). اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباط جمعی در جوامع معاصر نیز به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای آن‌ها نقش آموزش موازی یا آموزش دائمی قائل هستند (حبیبزاده ملکی و قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

## تفاوت نسلی یا تعارض نسلی

مفهوم نسل مانند دیگر مفاهیم اجتماعی، گسترده و سیال است. متفکران مختلف تعاریف متفاوتی از این مقوله ارائه داده‌اند و توافقی بر سر معنای آن وجود ندارد. کرتزر تعاریف متفاوت و متعددی را که از نسل ارائه شده است، در قالب چهار رویکرد دسته‌بندی می‌کند:

نسل به مثابه نسبت خویشاوندی: بیشتر مورد استفاده انسان‌شناسان و به معنای روابط والدین و فرزندان و دیگر اعضای خانواده است.

نسل به مثابه افراد هم دوره: بیشتر مورد استفاده جمعیت‌شناسان است و منظور توالی مردم از طریق حرکت گروه‌بندی‌های مختلف سنی است.

نسل به مثابه مرحله زندگی: به طور مشترک مورد استفاده جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان است؛ زیرا مراحل زندگی معنایی کلی‌تر از افراد هم دوره را به ذهن متبادر می‌کند و می‌تواند به وجوه متفاوت مسأله نسل اشاره کند.

نسل به مثابه دوره تاریخی: بیشتر مورد استفاده جامعه شناسان است و وقتی از دوره تاریخی صحبت می‌کنیم یعنی تأثیرات اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) بر افراد را مدنظر قرار می‌دهیم. از این منظر، نسل ممکن است به واسطه یک رویداد تاریخی و فارغ از اینکه چند سال از عمرش می‌گذرد، قطع شود و نسل جدیدی شکل بگیرد (صدری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳). شکاف میان-نسلی به تفاوت‌ها و اختلاف نظر میان دو نسل در انتخاب‌های شخصی، عقاید و باورها اشاره دارد که به تعارض و شکاف میان اعضای خانواده میانجامد و به دو نوع شکاف ارزشی میان-نسلی و شکاف هنجاری میان-نسلی تفکیک می‌شود. هنجارها به منزله بازنمایی جمعی از رفتار قابل قبول گروه و همچنین ادراک فردی از رفتار گروه خاص در نظر گرفته می‌شوند. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، هنجارها می‌توانند رفتار را در یک وضعیت خاص یا محیطی به عنوان بازنمایی‌های ذهنی رفتار مناسب هدایت کنند. ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی و وسیله همبستگی اجتماعی هستند و انتقال ارزش‌ها سبب پیوستگی فرهنگی می‌شود. از آنجا که ارزش‌ها، جهت‌دهنده رفتار و استانداردهای رفتارند، ارزش‌های متفاوت میان نسل‌ها، سبب فاصله افتادن نسل پیشین از نسلی می‌شود که قرار است، جامعه‌پذیر شوند. بنگستون معتقد است که ارزش‌ها حاصل سه سطح اجتماعی‌اند: سطح اول، سطحی است که در آن فرهنگ، مفهومی‌های مطلوب را مشخص می‌کنند. در سطح دوم، خانواده و رویکردهای آن ارزش‌ها و اهداف را مشخص می‌کند. در سطح سوم، جنبه‌های اجتماعی فرعی مانند سطح اقتصادی - اجتماعی، دین، نژاد، شغل، سطح آموزش و غیره نمایانگر است. به عقیده وی والدین در طبقات اجتماعی - اقتصادی خاص به نهادینه‌سازی ارزش‌های خاص در ذهن فرزندان خود می‌پردازند. ادراکات فرزندان از ارزش‌های والدین بستگی به شرایطی دارد که ارزش‌ها را به دست می‌آورند. از مهمترین عوامل تعیین‌کننده ادراک از ارزش‌های والدین میزان توافق ارزشی والدین و فرزندان است. گودناو عنوان می‌کند که قبل از اینکه فرزندان عقاید والدینشان را بپذیرند یا طرد کنند، ابتدا درکی از ارزش‌ها و عقاید والدینشان کسب می‌کنند. وی اظهار می‌دارد پذیرش یا طرد عقاید والدین به عواملی مانند ادراک فرزندان از مناسب بودن ارزش‌ها، انگیزش فرزندان به پذیرش عقاید والدین و ادراک فرزندان از درجه‌ای که والدین تمایل دارند که فرزندان در عقایدشان مشارکت نمایند، بستگی دارد. سگالن نیز بر این باور است که روابط میان والدین و فرزندان آن‌ها، زمانی به بحران و چالش اصلی خود نزدیک می‌شود که فرزندان به سن بلوغ می‌رسند و این زمانی است که توأم با جوانی فرزندان، والدین مسن‌تر شده‌اند. این دوره‌های است که ممکن است الگوهای هنجاری و ارزشی والدین با فرزندان در معرض اختلاف، تعارض و تضاد قرار گیرد. بنابراین احتمال دارد که عدم هماهنگی و اختلاف‌های ارزشی و هنجاری میان والدین و فرزندان به طرق گوناگون در اعتیاد به اینترنت نقش داشته باشد. در چنین شرایطی است که وسایل ارتباطی مانند اینترنت که زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونی‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد، رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی مدرن و در مقابل، ناتوانی و عدم مهارت نسل‌های بزرگسال با این پدیده و ناکارآمدی نهاد خانواده تأثیرات منفی در هر دو نسل به جا می‌گذارد. چنانکه مان‌هایم اشاره می‌کند ارزش‌های جدید، فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان‌اند: الف (جریان ظهور نسل‌های جدید و ب) جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش‌بینی نشده و جدید را در مقابل جریان‌های فکری حاکم قرار می‌دهد و در واقع به پارادایمی جدید برای تحلیل نیاز دارد. از نظرمان‌هایم ارزش‌ها و تفکرات از یک سو وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت‌اند و از سوی دیگر، به منزله متغیری مستقل، امکان‌نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد به رویه‌های فکری و عمل موجود و تولید جدیدتر سبک زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌کنند. به این ترتیب،



راه‌های تغییرات اجتماعی را هموار می‌کنند. ما نهایتاً معتقد است که تغییر ارزش‌های قدیم و جدید در هر دوره موجب تعارض جدی نسلی می‌شود و پدیده شکاف نسلی روی می‌دهد (شالچی و کلاهی، ۱۳۹۷: ۱۰۱-۹۹).

اینکلهارت در کتاب خود با عنوان تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی در مورد تفاوت نسلی چهار فرضیه اساسی دارد که درباره امکان یا عدم امکان شکاف یا گسست نسلی سخن گفته است:

۱. فرضیه چرخه زندگی یا سالخورده‌گی: تفاوت نسل‌ها یا تفاوت ارزش‌های گروه‌های سنی مختلف، امری طبیعی و مربوط به اقتضائات روان شناختی هر دوره از زندگی است و تفاوت در ارزش‌ها به اقتضای شرایط سنی مربوط می‌شود.

۲. فرضیه دوره‌ای: تفاوت نسل‌ها به فرایند تدریجی تغییر ارزش‌ها در همه گروه‌های سنی با کمی تفاوت از یکدیگر مربوط می‌شود و با انجام اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تغییر شرایط زیست، به تدریج در ارزش‌ها نیز تغییری حاصل می‌شود و افراد در مسیر تحولات ارزش‌ها، با توجه به دوری یا نزدیکی از آن، تغییر می‌کنند. فرضیه گروه سنی: تفاوت نسل‌ها ناشی از تفاوت

۳. نسل جدید با ارزش‌های نسل قبل است که با ورود نسل جدید به عرصه حیات اجتماعی جامعه، ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های نسل قبل می‌شود.

۴. فرضیه ترکیبی: تفاوت نسل‌ها ناشی از چرخه زندگی، اقتضائات سنی و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یکدیگر و نیز با تغییر در ارزش‌های نسل جدید، جایگزین ارزش‌های نسل‌های قبل می‌شود.

نظریه اینکلهارت درباره دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابجایی بلندمدت ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد. این نظریه نه تنها امکان پیش‌بینی جهت دگرگونی در آینده، بلکه دامنه این دگرگونی را که از جایگزینی نسلی انتظار می‌رود، فراهم می‌کند. با توجه به این امر که جایگزینی نسلی تنها عامل درگیر نیست، بلکه مؤلفه‌ای مهم در دگرگونی ارزشی به شمار می‌رود. اینکلهارت ۱۲ سنجه ارزشی را در نظر گرفت که ۶ سنجه آن به ارزش‌های مادی و ۶ سنجه نیز به ارزش‌های غیرمادی مربوط بود. ۶ مقوله‌ای که ارزش‌های مادی را شامل می‌شد عبارت بودند از: حفظ نظم در کشور، مبارزه با افزایش قیمت‌ها، حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، اطمینان از اینکه کشور نیروهای دفاعی نیرومندی دارد، حفظ اقتصاد با ثبات و مبارزه با تبهکاری و ۶ مقوله‌ای که برای ارزش‌های فرامادی در نظر گرفته شد عبارت بودند از: اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، دفاع از آزادی بیان، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع، کوشش برای زیباسازی شهرها، حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر و حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش‌اندیشه‌ها در آن بیش از پول است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱۲).

از نظر وایت وقایع و حوادث بسیار مهم و تکان دهنده در هر جامعه در هر برهه‌ای از زمان سازنده و شکل دهنده نسل‌های تاریخی خاصی است. فرصت‌هایی طلایی که در آن یک جمعی تحت تأثیر مشترک یک حادثه قرار می‌گیرند و همه تمرکزها و نگاه‌ها را متوجه خودش می‌کند. این افراد مشترک یک حافظه مشترک تاریخی در مورد سرنوشت خود در ارتباط با آن حادثه یا واقعه دارند. این مجموعه مشترک تداعی کننده یک نسل است. وایت در کتاب خارج از دهه شصت بیان می‌کند که نسل به واسطه پیدایش بعضی از وقایع و حوادث ساخته می‌شود نظیر: واقعه فراموش نشدنی (مثل جنگ شهری، مصیبت طبیعی یا خودکشی رهبر سیاسی یا هر حادثه سیاسی)، عوامل سیاسی یا فرهنگی مهم که بیانگر واقعه فراموش نشدنی است، تغییر

ناگهانی در ساختار جمعیت که زمینه ساز توزیع جدید در منابع جدید است، و شکل‌گیری فاصله طبقاتی جدید (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱۴).

## پیشینه و مطالعات مقدماتی پژوهش

در این بخش از پژوهش تلاش شد تا کلیه‌ی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی کودک که در داخل و خارج از کشور در ده سال گذشته صورت پذیرفته است مورد بررسی قرار گیرد. این اولاً به منظور ایجاد یک بانک اطلاعاتی از کلیه پژوهش‌های کودک و نوجوان و سپس به منظور شناسایی مسائل کودکان از طریق مسائل پر تکرار است؛ چرا که در هر پژوهش گوناگون به یک یا چند مسائل این دو گروه پرداخته شده است و با بررسی کلیه پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه می‌توان به لیستی از مسائل آنان دست یافت. سپس این لیست از مقالات با توجه به موضوعات مختلف درسته بندی شده است. بخشی از تحقیقات به عنوان پیشینه در این فرصت ارائه شده و بخشی دیگر در قالب فایل اکسل در پیوست به مرکز ارائه شده است.

## تحقیقات و داده‌ها در خصوص مسائل الویت دار کودکان:

۱- در گزارشی که در سایت هیومنیموم در سال ۲۰۲۰ در خصوص مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکلات و مسائل که کودکان ایرانی با آن مواجه‌اند به موارد ذیل اشاره نموده شده است: ۱. فقر بر طبق این گزارش بیشتر جمعیت ایران در فقر زندگی می‌کنند. طبق آمار رسمی ۸۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. کودکان از این مشکل بسیار تأثیر می‌پذیرند.

۲. مراقبت از سلامتی: یکی از حقوق اساسی کودکان برخوردارگی از امکانات و مراقبت‌های سلامتی است. ولی آمارها نشان‌دهنده ضعف در این حوزه نسبت به کودکان هست. اگرچه در طی ده سال اخیر مراقبت‌های سلامتی کودکان بهبود یافته است ولی همچنان این مشکل علی‌الخصوص در مناطق روستایی به شدت به چشم می‌خورد.

۳. آموزش: دسترسی به امکانات آموزشی رایگان یکی از مشکلات دیگر کودکان هست.

۴. ازدواج کودکان: بر طبق قانون ایران سن دختران برای ازدواج ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال می‌باشد. با این وجود ازدواج‌های زیر سن قانونی در ایران بچشم می‌خورد که در آن گاهی دختران فروخته می‌شوند. این مشکل علی‌الخصوص در مناطق روستایی به نسبت بیشتر به چشم می‌خورد.

خرید و فروش کودکان: یکی دیگر از مشکلات مربوط به کودکان خرید و فروش دختران و پسران علی‌الخصوص بین سن‌های ۹-۱۴ سال می‌باشد. که به کشورهای همچون ترکیه، بحرین، پاکستان، اروپا و... فروخته می‌شوند.

۶. کودکان خیابانی: کودکان خیابانی به یک نگرانی بسیار جدی در ایران تبدیل شده است. اکثر این کودکان والدینی معتاد به مواد دارند که آن‌ها را وادار می‌کنند در خیابان زندگی کنند. تعدادی دیگر از کودکان نیز بی‌سرپرست بوده یا به دلیل شرایط بد خانوادگی مجبور هستند که برای حمایت و کمک به خانواده خود کار کنند.

۷. کار کودکان: ۱۴ درصد از کودکان ایرانی مجبور به کار در شرایط خطرناک و نایمن هستند. اکثر این کودکان در خیابان کار می‌کنند.

- ماریا اسپنیچ در سال ۲۰۲۰ مقاله با عنوان «استرس والدین و مشکلات روانشناختی کودکان در خانواده‌هایی که با ویروس کرونا مواجهه بودند در ایتالیا»، به این امر اعتقاد دارد که استرس‌های ناشی از بیماری کرونا در خانواده‌ها برای کودکان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کودکان می‌باشد. و هدف از این مقاله شناسایی عوامل خطر ساز مرتبط با ویروس کرونا بر روی کودکان بوده است. در این پژوهش از روش پیمایش آنلاین در محیط خانه بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سختی‌های ناشی از ویروس کرونا به شدت بر روی کودکان تأثیر گذاشته و هرچه خانواده‌ها شرایط سخت‌تری را تجربه کنند تأثیرات روان‌شناختی آن بر روی کودکان بیشتر می‌شود. استرس‌های ناشی از ویروس کرونا هرچه بیشتر مشکلات روان‌شناختی کودکان هم بیشتر می‌شود.

- تاکور در سال ۲۰۱۹ در مقاله‌ای ۱۰ مسئله خطرناک و اصلی که کودکان در هند با آن روبرو هستند را مورد بررسی قرار داده است. به اعتقاد این نویسنده مشکلات کودکان هند عبارت‌اند از:

۱. کار کودکان: کار کودکان یکی از معضلات اصلی کشورهای در حال توسعه همچون هند است. کودکان مجبورند همراه خانواده‌های خود برای غذا و پول کار کنند.

۲. کودکان خیابانی: هند بیش‌ترین جمعیت کودکان خیابانی را دارا می‌باشد. کودکان بی‌سرپرست و کودکان محروم از حمایت‌های خانوادگی مجبور به زندگی در خیابان می‌باشند.

۳. کودک‌آزاری: هند به یکی از خطرناک‌ترین کشورها برای زنان تبدیل شده است و به دنبال آن آزارهای جنسی علیه دختران و کودکان به شدت افزایش یافته است. هر روز حداقل یک مورد کودک‌آزاری در روزنامه‌ها گزارش می‌شود. کودکان زیر پنج سال اجاره داده می‌شوند و فروخته می‌شوند.

۴. اجبار به گدایی: این پدیده بسیار رایج بوده و بسیاری از کودکان مجبور به گدایی کردن می‌باشند.

۵. کمبود دسترسی به آموزش: امکانات مدرسه در هند بسیار ضعیف بوده و حتی ۳۱ درصد از معلمان مدارس هند فاقد مدرک می‌باشند. و همچنین حداقل ۳۵ میلیون از کودکان ۶ تا ۱۴ سال به مدرسه نپیوسته‌اند و ۳۳ درصد دختران بین سن‌های ۵ تا ۹ سال بی‌سوادند.

۶. مشکلات بهداشت و سلامت: فقر و سوءتغذیه یکی از مشکلات بسیار حاد در هند بوده که کودکان نیز آن به شدت تأثیر پذیرفته‌اند.

۷. فحشا کودکان: در هند هر ۴۰ دختر زیر ۱۵ سال مجبور به فحشا و روسپی‌گری هستند در میان نیروی کار جنسی در هند، ۶ میلیون آن‌ها زیر ۱۸ سال می‌باشند.

۸. فقر: ۳ درصد از کودکان هند که برابر با تقریباً ۳۸۵ میلیون نفر است در شرایط به شدت فقیر زندگی می‌کنند.

۹. ازدواج کودکان: ازدواج کودکان در هند برای قرن‌های متمادی تجربه شده است و کودکان قبل از اینکه آمادگی جسمی و ذهنی برای ازدواج داشته باشند به ازدواج درمی‌آیند. تحت تأثیر مذهب، سنت‌های جامعه و... می‌باشد.

۱۰. بهداشت پایه: بر اساس گزارش یونیسف بیماری‌هایی همچون اسهال و عفونت‌های ادراری از اولین عوامل مرگ کودکان می‌باشند. کودکان در هند بسیار زیاد از این بیماری‌ها آسیب‌دیده و ضعیف شده‌اند.

کودکان در هند بسیار زیاد از این بیماری‌ها آسیب‌دیده و ضعیف شده‌اند.

- گزارش یونیسف در مورد رویارویی با مشکلات پیش روی کودکان در ایران بدین شرح می‌باشد: این گزارش مربوط به جلسه‌ای است که در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۸، با حضور کارشناسان سازمان‌های دولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی از جمله: مدیران استارت‌آپ‌ها، رهبران کسب‌وکار و کارآفرینان در خصوص ایجاد صندوق نوآوری در جهت رویارویی با مشکلات پیش روی کودکان ایران هست. امروزه برای یافتن راه‌حلی برای مشکلات پیچیده‌ای که کودکان در سراسر جهان با آن مواجه هستند، به رویکردهای نوآورانه و راه‌حل‌های خلاقانه نیاز داریم. نیاز به یک رویکرد هماهنگ و مرتبط در همه بخش‌ها برای حمایت از نوآوری برای کودکان و ایجاد محیطی مناسب برای راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلات کودکان هست. این صندوق می‌تواند در جهت بهبود شرایط کودکان در ایران سود جست.

- طبق مقاله آورده شده در سایت Parents در سال ۲۰۱۵ با عنوان ۵ مسئله دنیای واقعی که بچه‌های جوان نگران می‌کند، معتقد است که متخصصان اطفال در مورد نگرانی‌های اطفال در مورد نگرانی‌های زندگی واقعی کودکان صحبت می‌کنند که می‌تواند ذهن بچه‌های ۴ تا ۶ سال را به خود مشغول می‌کند.

از دیدگاه بزرگسالان، زندگی یک کودک خردسال ممکن است مانند سعادت خالص به نظر برسد، اما در واقعیت، بچه‌های امروزی با مسائل بزرگ زیادی زندگی می‌کنند. که بسته به شرایطشان باعث ترس و اضطرابشان می‌شود. در این مقاله به ۵ مورد از اساسی‌ترین مسائل کودکان اشاره شده است که عبارت: ۱. قلدری: ظلمی که بچه‌ها می‌توانند به یکدیگر تحمیل کنند در دوران راهنمایی شروع می‌شود اما اغلب از سن ۵ سالگی نیز می‌تواند آغاز شود. در این سن کودکان به دنبال کسب قدرت اجتماعی هستند. به اعتقاد رابرت سیگ، برای بسیاری از بچه‌ها، این اولین تعامل اجتماعی آن‌هاست. این اولین بار است که باید این مشکلات اجتماعی را حل کنند و این آن‌ها را مضطرب می‌کند. کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند ممکن است در مورد عذاب صحبت کنند اما ممکن است به خانه بیایند و از هم پشیمانند، گریه کنند و عصبانی شوند.

۲. آزار خانگی: بیش از ۱۰ درصد کودکان در سراسر ایالات متحده در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که در آن اختلافات خشونت‌آمیز وجود دارد. آزار دیدن تنها فیزیکی نیست و کودکانی که تماشاگر خشونت هستند نیز آسیب می‌بینند. آزار عاطفی و کلامی پشت درهای بسته می‌تواند باعث ناراحتی شود، زیرا کودکان آن را حس و درونی می‌کنند.

۳. طلاق والدین: برای کودکان در هر سنی که باشند جدایی و طلاق والدین یک آسیب جدی بشمار می‌آید. موناگویتا متخصص روان‌پزشک معتقد است که شنیدن خبر جدایی برای کودکان زیر ۶ سال ترسناک بوده و منجر به استرس و حالت‌های غم و بهت‌زدگی می‌شود. این امر آسیب‌های جدی به کودکان وارد می‌نماید

۴. ترس از بلایای طبیعی: چهارمین مورد از نگرانی‌های کودکان بلایای طبیعی است که می‌تواند اثرات مخرب روحی بر روی کودکان داشته و آن‌ها را دچار استرس و اضطراب نماید.

۵. سلاح و خشونت: آخرین مورد از نگرانی‌های کودکان ترس از خشونت، جنگ و سلاح می‌باشد که موجب ایجاد احساس ترس، ناامنی و... در کودکان می‌شود.

- حمیرا سجادی و همکاران در سال ۱۳۹۷ پژوهش با عنوان حوزه‌ها، مؤلفه‌ها و نشانگرهای بهزیستی کودکان در ایران با هدف تشخیص حوزه‌ها، مؤلفه‌ها و نشانگرهای بهزیستی کودکان با استفاده از یک مطالعه به روش دلفی به این نتایج دست‌یافته‌اند که، شش بعد بهزیستی کودکان شامل: سلامت جسمی، مخاطرات و ایمنی، وضعیت اقتصادی، خانواده، بهزیستی فردی و اجتماع، آموزش و مسکن و محیط زندگی ۲۵ مؤلفه و ۱۱۰ نشانگر مربوط به ابعاد مختلف بهزیستی کودکان توسط اعضای دلفی انتخاب شدند. مؤلفه‌ها و بیانگرهای پیشنهادی این مطالعه جهت ساخت شاخص ترکیبی بهزیستی کودکان می‌توانند با پایش و مقایسه وضعیت بهزیستی کودکان ایرانی بین استان‌های کشور و در سال‌های متفاوت نقاط قوت و ضعف سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط را مشخص کرد و دولت را در ایجاد سیاست‌های مناسب بومی در کشور یاری نمود.

- پژوهشی توسط محمد سعید ذکایی در سال ۱۳۹۵، با عنوان مطالعات کودکی: مفاهیم، رویکردها و مسائل محوری انجام داده است. به اعتقاد وی، کودکی امروز در فرآیندی تاریخی و اجتماعی ماهیت متفاوتی یافته است. تنوع تجارب کودکان در میدان‌های روزمره زندگی و نیز تنوع گفتمان‌ها و بازنمایی‌های شکل‌گرفته نسبت به آن‌ها ضرورت به‌کارگیری متغیری بین‌رشته‌ای را در فهم پویایی‌ها و پیچیدگی‌های این پدیده آشکار می‌سازد. در جریان پژوهش نویسنده به دنبال ارائه شرحی از رویکردها و سنت‌های مؤثر و توسعه حوزه مطالعات کودکی و مفاهیم، روش‌ها و مسائل محوری آن‌هاست. استدلال وی بر این است که ذخیره دانش دانشگاهی کودکان در ایران با بازاندیشی و ترکیب خلاقانه در تجارب نظری و پژوهشی طیفی از رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی مانند: روانشناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، ادبیات، حقوق و جامعه‌شناسی می‌تواند ظرفیت ایده آلی برای درک عمیق از کودکی به مثابه‌ی سازه‌ای مدرن فراهم ساخته و سنت بین‌رشته‌ای مطالعات کودکی را در خدمت سیاست‌گذاری، ارتقای کیفیت زندگی و تعامل بهتر با کودکان قرار دهد.

- در سال ۱۳۹۳ مقاله‌ای با عنوان طراحی شاخص غفلت از کودکان در ایران انجام شد. به اعتقاد نویسندگان این مقاله غفلت از کودکان رایج‌ترین نوع کودک‌آزاری نسبت به کودکان می‌باشد هدف از این پژوهش تعیین و طراحی شاخص‌های غفلت از کودکان در سطح اجتماعی، بهداشتی و آموزشی می‌باشد. این مطالعه به روش دلفی انجام شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سه شاخص طراحی شده در ابعاد بهداشتی، آموزشی و اجتماعی در صورتی که اطلاعات و شیوه‌های جمع‌آوری آن‌ها از اعتبار زمانی و ابزاری برخوردار باشند، می‌توانند وضعیت غفلت از کودکان در ایران را نشان دهند. غفلت از کودکان شامل عدم تأمین شدن نیازهای اساسی کودکان همچون: غذای کافی، پوشاک، بهداشت، مراقبت، امکانات آموزشی، شرایط اجتماعی، امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی و... می‌باشد.

- سپیده یوسف‌زاده در سال ۱۳۸۶ پژوهشی تحت عنوان وضعیت کودکان ایران: تحلیل وضعیت، رویکردها و چالش‌ها انجام داده است. وی چنین بیان می‌دارد که برای برنامه‌ریزی در خصوص کودکان ابعاد مختلف توسعه کودک اعم از وضعیت آموزش،

بهداشت، تغذیه، دسترسی به سرپناه و... نیازمند بررسی است تا برنامه‌ریزی با در نظر گرفتن نقطه شروع قادر به تبیین چشم‌انداز ایده آل برنامه‌ریزی برای دستیابی به آن باشد. گزارش وضعیت کودکان جهان که توسط یونیسف به‌طور سالیانه منتشر می‌شود تلاشی در جهت بررسی کمی ابعاد مختلف رشد کودکان در سراسر جهان می‌باشد. یکی از این شاخص‌های کلیدی در این گزارش، میزان مرگ و میر زیر ۵ سال است. از نظر یونیسف این شاخص مهم‌ترین شاخص جهت بررسی وضعیت کودکان است.

## روش پژوهش

بخش سوم بررسی تحقیقاتی که در بررسی‌های خود در روش با موضوع موردنظر مشترک هستند که در ادامه به گزارشی از جمع آن‌ها به صورت مورد به مورد اشاره خواهد شد:

۱- در وهله اول با توجه به بررسی پیشینه و تحقیقات مرتبط با موضوع عوامل و مؤلفه‌های مرتبط با موضوع استخراج‌شده و به شناخت نسبی از موضوع رسیده خواهد شد اما این شناخت قطعیت ندارد.

۲- در مجموع این پژوهش‌ها با توجه به شناخت‌های قبلی با کمک نمونه‌گیری گلوله برفی یا با کمک مطالعات مقدماتی و جستجو در منابع تحقیقاتی *افرادی متخصص* در زمینه موضوع مورد مطالعه به عنوان اعضای مشارکت‌کننده در روند دلفی تحت عنوان پنل انتخاب می‌شوند و معیارهای این انتخاب داشتن سابقه تحقیقاتی عملیاتی یا آکادمیک به تعداد سال‌های موردنظر (در تحقیقات بررسی‌شده بیش از پنج سال بوده است) و داشتن تحصیلات و سابقه کاری مرتبط و ... در نظر گرفته می‌شود. تعداد این اعضا نیز با توجه به منابع مختلف متفاوت بوده است اما آنچه مسلم است اینکه این تعداد باید بیش از پانزده نفر خبره در موضوع باشد.

۳- بعد از انتخاب اعضای پنل برای رسیدن به مؤلفه‌های کلیدی یک پرسشنامه با یک یا دو سؤال باز (جهت استفاده از روش بارش فکری) در رابطه با موضوع تحقیق طراحی شده و لیستی هم از مجموعه عوامل استخراج‌شده از مطالعات قبلی تهیه و در اختیار متخصصان قرار می‌گیرد تا هم عوامل مستخرجه را با توجه له طیف لیکرت با تعداد گزینه‌های متنوع از ۳ تا ۵ یا ۶ مورد (امتیازدهی کرده و هم اگر موردی از قلم افتاده یا متخصصان تصور دارند که می‌تواند در لیست باشد به مجموعه اضافه گردد. در این مرحله و سایر ادوار دلفی عواملی که کمتر از ۷۵ درصد توافق آراء را کسب کرده‌اند حذف می‌شوند و عوامل باقی‌مانده به مرحله بعد راه می‌یابند.

۴- در فاز دوم دلفی مؤلفه‌هایی که در راند اول امتیاز کافی را دریافت نکرده‌اند حذف و عوامل باقی‌مانده و نیز مؤلفه‌هایی که توسط محققان افزوده شده است در یک پرسشنامه جدید با طیف لیکرت به پنل شرکت‌کنندگان عودت می‌شود تا دوباره رتبه بندی صورت بگیرد.

۵- در دور سوم نیز پاسخ‌های دریافتی دور قبل بررسی‌شده شاخص‌ها غربالگری شده و با توجه به معیار درصد توافق مذکور اولویت‌های جدید استخراج می‌گردند.

نکات دیگری که در این پژوهش‌ها به آن اشاره شده بود ارائه رضایت‌نامه همکاری به اعضای پنل و دریافت تأیید آن‌ها و دریافت مجوز اخلاق‌مداری از کمیسیون‌ها کمیته‌ها و موسسات معتبر و مربوط می‌باشد.

هرچند که تعداد دوره‌های دلفی می‌تواند تا ۹ دور هم برسد اما در تمام تحقیقات بررسی شده این ادوار در سه مرحله جمع‌بندی شده‌اند.

برخی از پژوهش‌ها هم با کمک تکنیک دلفی اصلاح‌شده پیش رفته بودند که در واقع به جای ارائه پرسشنامه ایمیلی در راند اول از یک جلسه حضوری برای بررسی آراء اعضای پنل بهره‌مند شده بودند.

لازم به ذکر است از یافته‌های بخش اسنادی پژوهش در سایر بخش‌ها از جمله ایجاد پرسشنامه و تعریف گویه در خصوص مسائل اولویت دار کودک و نوجوان استفاده شده است تا علاوه بر استفاده از دیدگاه مستقیم نخبگان کودک و نوجوان از دیدگاه سایر پژوهشگران نیز استفاده کنیم.

## فصل سوم: گزارش‌ها و تحلیل‌ها:

### الف: داوران حاضر در این پژوهش

#### انتخاب داوران

معیار انتخاب داوران حاضر در این پژوهش انجام فعالیت‌های نظری یا عملی با کودک و نوجوان امروز می‌باشد. به این معنا که افراد یا به صورت نظری اکنون در حال فعالیت در حوزه‌ی کودک، و یا کودک و نوجوان می‌باشند و یا اینکه به صورت تجربی و عملی در ارتباط با کودک، و یا کودک و نوجوان هستند و به فعالیت می‌پردازند. در ادامه در قالب جداولی لیست داوران و تخصص و تجربه آن‌ها و اطلاعات آن‌ها ارائه خواهد شد.

#### داوران بخش کودک

ردیف	نام داور	تخصص و رتبه علمی	شرح کوتاهی از پیشینه فعالیت	مکان فعالیت	تلفن	همکاری در هر راند		
						۱	۲	۳
۱	عبدالکریم کریمی	استادیار فیزیوتراپی	همکاری با مرکز توتم خانواده	اصفهان	۰۹۱۳۳۶۹۱۲۱۰	x		
۲	زینب ایزدیان	دکتری مدیریت آموزشی	هیئت علمی اندیشکده تربیت. مدیر مدرسه هدهد، تربیت مربی کودک	اصفهان	۰۹۱۳۹۱۴۶۶۰۸	x	x	x
۳	محمد ترکمان	دکترای روان‌شناسی	روان‌درمانگر، مدرس فعالیت در زمینه تربیت فرزند	همدان	۰۹۳۵۲۹۳۵۳۸۷	x	x	x
۴	رایحه صنعتگر	روان‌شناس بالینی	بازی درمانگر، مدیر خیریه بیشتر از یک نفر سرپرست گروه مادران خلاق	اصفهان	۰۹۱۸۷۱۳۱۹۴۷			
۵	مهران درخشان	ارشد روان‌شناسی	مشاور کودک	شهرکرد	۰۹۱۳۳۶۸۰۴۴۱	x	x	x

			۰۹۱۳۶۵۲۸۵۷۰	اصفهان	مدیر انجمن حمایت از حقوق کودکان مهر زنده رود	کارشناسی ارشد	سمیه یخچالی	۶
x		x	۰۹۱۳۱۰۶۱۹۵۱	اصفهان	رئیس و مؤسس انجمن دوستداران ادبیات کودک و نوجوان (خرد سپاهان)	لیسانس حقوق	نهدت قریشی نژاد	۷
x	x	x	۰۹۳۷۲۰۷۰۶۶۶	اصفهان	مدیریت و مشاور مجموعه باغ پویا	کارشناسی ارشد مشاوره	مائده محسنی	۸
x	x	x	۰۹۱۳۹۳۲۶۶۹۲	اصفهان	کارشناس آموزش و پژوهش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی	معصومه قربانی	۹
x	x	x	۰۹۱۳۶۰۲۶۶۰۹	اصفهان	روان شناس و معلم داستان نویسی کودک و نوجوان تولید محتوا با محوریت کودک و نوجوان و خبرنگار کودک	فوق لیسانس روان شناسی کودک	عطیه میرزا امیری	۱۰
x	x	x	۰۹۹۰۷۰۵۲۴۹۹	اصفهان	انجام کار پژوهش، مربی قصه و قصه درمانی در مدارس، مربی کودک	کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی	ندا مهدی پور	۱۱
x	x		۰۹۳۵۲۴۳۱۹۴۶	اصفهان	مدیر پیش دبستانی، مشاوره کودک و برگزارکننده کارگاه های کودک در شهر اصفهان	ارشد مدیریت فرهنگی و ارشد مشاوره خانواده	هاجر مرادی	۱۲
		x	۰۹۱۳۱۰۲۷۸۰۷	اصفهان	فعالیت در حوزه تربیتی کودک و خانواده بر اساس مبانی تربیتی اسلام	دیپلم، حوزوی	محمد مهدی مشکاتی	۱۳
		x	۰۹۱۳۴۳۲۵۸۹۲	اصفهان	مربی کودک و فعالیت در حوزه امور تربیتی رشد کودک	فوق لیسانس علوم تربیتی	حمیدرضا آزادی	۱۴
		x	۰۹۳۷۴۹۸۹۱۷۰	اصفهان	مدیر بنیاد حمایت از فرزندان مهر سپهر	ارشد علوم اجتماعی	لیلا شمایی	۱۵
x	x	x	۰۹۱۳۸۰۴۱۲۰۵	اصفهان	نگارش پژوهش و پایان نامه در زمینه کودک	دکترای جامعه شناسی	مهری شاه زیدی	۱۶
x		x	۰۹۱۳۹۵۹۹۱۱۲	اصفهان	روان شناس و مشاور تربیتی کودک و نوجوان	فوق لیسانس روان شناسی سطح دو حوزه علمیه	سید محسن میرزا ترابی	۱۷
x	x	x	۰۹۱۳۹۱۹۴۸۶۳	اصفهان	مربی بازی و ورزش کودکان، فعالیت در خانه های بازی و مجری فستیوال بازی محور، طراح بازی، دبیر کمیته بازی و ورزش	کارشناس ارشد علوم تربیتی	مسعود ادیبی	۱۸
x	x	x	۰۹۱۳۸۲۵۴۵۱۵	اصفهان	معلم دبستان و مدرس و استاد دانشگاه فرهنگیان	دکتری برنامه ریزی پژوهشی	حسین قربانی	۱۹
		x	۰۹۱۳۱۲۶۲۳۹۶	اصفهان	مدیریت دبیرستان قدسیان، مدیریت خانه مادر و کودک	کارشناس شیمی	سید محمدحسین میرمحمدصادقی	۲۰
	x	x	۰۹۱۳۲۰۵۳۵۸۵	اصفهان	محقق و مؤلف کتب تربیتی کودک و نوجوان	کارشناسی ارشد حوزه	محمد رضا بهشادمند	۲۱



	x	x	۰۹۱۳۲۰۶۲۳۰۳	اصفهان	اجرای کودک	سطح سه حوزه	خوش قامت	۲۲
		x	۰۹۱۳۳۰۳۹۷۸۸	اصفهان	فعال در مباحث تربیتی	سطح سه حوزه علمیه	اسماعیلی	۲۳
	x	x	۰۹۱۰۰۴۴۴۴۹۵	کاشان	مدیریت مدرسه طبیعت چهارباغ	کارشناس ارشد	خانم ساداتی نژاد	۲۴
	x	x	۰۹۱۳۷۰۵۶۱۰۹	کاشان	معاون مدرسه طبیعت چهارباغ	دکترای روان‌شناسی	خانم کلهر	۲۵
x	x	x	۰۹۱۳۲۲۵۵۵۷۸	اصفهان	کار نویسندگی و اجرا نمایش تئاتر پویانمایی قصه‌گویی برای کودک	فوق‌لیسانس ادبیات نمایشی	بهراد باقری	۲۶
x	x	x	۰۹۱۳۶۳۰۸۶۰۶	اصفهان	آموزگار مدارس آموزش و پرورش مقطع سوم دبستان دولتی	لیسانس گرافیک	مهناز سنگی محمد	۲۷
x	x	x	۰۹۱۳۹۶۵۷۲۲۸	اصفهان	آموزگار مقطع دبستان غیردولتی	کارشناس علوم تربیتی	منیره صغیرا	۲۸
x		x	۰۹۱۳۹۰۵۸۷۳۱	اصفهان	پژوهش و تألیف در مرکز نشر مهرستان	ارشد روان‌شناسی و علوم حدیث طلبه سطح خارج	سید احمد حسینی	۲۹
x	x	x	۰۹۱۳۷۸۶۰۰۵۷	نجف‌آباد	آموزگار مقاطع مختلف	کارشناس ادبیات	خدیدجه حمزه‌ای	۳۰
x	x		۰۹۱۳۹۲۶۲۵۳۷	تبران و کرون	مدیر و آموزگار مقطع دبستان	کارشناس ادبیات عرب	اکبر نوروزی	۳۱
	x		۰۹۱۳۴۱۲۱۲۹۲	اصفهان	مدیر مقطع دبستان	لیسانس مدیریت و برنامه‌ریزی	خانم مصری پور	۳۲
x	x		۰۹۱۳۳۸۴۱۴۱۹	شهرکرد	مشاوره تخصصی کودک، مشاوره کودک در مرکز ۱۴۸۰ (مرکز خصوصی مشابه اورژانس اجتماعی)	فوق‌لیسانس مشاور	شبثم خاکسار حقانی	۳۳
x	x		۰۹۱۳۳۸۵۰۷۹۰	شهرکرد	مشاوره تخصصی کودک، مشاور مدرسه، مشاوره کودک در مرکز ۱۴۸۰ (مرکز خصوصی مشابه اورژانس اجتماعی)	فوق‌لیسانس روان‌شناسی بالینی	مریم امینی	۳۴
x	x		۰۹۱۳۲۹۴۷۱۵۶	تهران	مشاور کودک و نوجوان	دکترای مشاوره بالینی	دکتر منصوره طالبیان	۳۵
x	x		۰۹۳۷۷۷۰۸۲۰۱	اصفهان	روانشناس کودک و فعالیت در حوزه بازی درمانی، مری دبستان	ارشد روان‌شناسی کودک	فاطمه قاسمی	۳۶
x	x		۰۹۳۷۴۷۵۹۸۰۷	اصفهان	مری کودک	کارشناس ارشد مطالعات زنان	فاطمه رحمتی	۳۷

			۰۹۱۳۲۷۷۵۱۴۶	اردستان	کارمند و مربی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مرکز اردستان		مریم عرب	۳۸
			۰۹۱۳۱۰۲۶۶۳۶	اصفهان	مدیر مهد ، مدیرعامل موسسه سبحات	دکتری فلسفه تعلیم و تربیت	مهدی بزرگ زاد ایمانی	۳۹
×	×		۰۹۳۹۱۰۷۶۱۸۴	اصفهان	معلم و مربی دبستان	کارشناس علوم تربیتی	مارال حاجیان	۴۰
×	×		۰۹۱۳۴۰۵۰۶۸۱	اصفهان	مربی فبک و معلم مقطع دبستان	ارشد فلسفه تعلیم و تربیت	نوگل حشمت	۴۱
			۰۹۱۶۶۱۵۸۵۷۸	اصفهان	رئیس اداره امور تربیتی و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان	ارشد روان‌شناسی	مریم ژاله	۴۲
			۰۹۱۳۸۷۹۲۰۸۳	اصفهان	مدیر اجرایی موسسه حمایت از کودکان کار و خیابانی	لیسانس ادبیات انگلیسی	سیما اسکندری	۴۳
×	×		۰۹۹۳۸۶۲۵۶۸۶ ۶	اصفهان	مرکز مادر و کودک	دکتری مشاوره	فاطمه جزینی	۴۴
×	×		۰۹۳۷۸۵۲۵۸۶۶	اصفهان	معلم مقطع دبستان	فوق لیسانس شیمی	شهرزاد زمانی	۴۵
	×		۰۹۱۳۲۲۸۲۶۲۲	اصفهان	نویسنده کتاب تربیت، بی‌تربیت، نویسنده کتب کودک و از هیئت مؤسسان مدرسه مهد کودک تا دبیرستان پرش	کارشناس ارشد علوم تربیتی	مهشید دارویی	۴۶
×	×		۰۹۱۳۰۳۴۷۰۷۷	اصفهان	پانزده سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش استان اصفهان مسئول بخش آسیب‌های اجتماعی آموزش و پرورش اصفهان تا سال ۱۳۹۹ و معاون مدرسه	کارشناس ارشد علوم تربیتی	طاهره ترکی	۴۷
×	×		۰۹۱۳۹۸۱۳۰۶۵	شهرکرد	مشاوره مرکز مشاوره تلفنی ۱۴۸۰	ارشد روان‌شناسی	خانم حسن شیخی	۴۸
×	×		۰۹۱۳۲۸۰۵۸۳۲	شهرکرد	کارشناس امور کودکان مرکز امام علی علیه‌السلام شهرکرد	ارشد روان‌شناسی	پروین فدایی	۴۹
×	×		۰۹۱۰۳۱۲۱۵۸۱	شهرکرد	کارشناس کانون پرورش فکری کودک و نوجوان	کارشناس مددکاری اجتماعی	سید مهدی احمدی	۵۰

ب: گزارش روند دلفی

۱- گزارش راند اول (گروه متمرکز و مصاحبه)

راند اول دلفی با استفاده از گروه متمرکز و مصاحبه صورت پذیرفت. به منظور جمع‌آوری دیدگاه‌های داوران کودک جلسه‌ای دو ساعته در محل مرکز احیای اندیشه و سیره علوی برگزار شد. این جلسه با حضور تعدادی از داوران محترم تشکیل گردید. که در ادامه لیستی از داوران حاضر در جلسه ارائه خواهد شد.

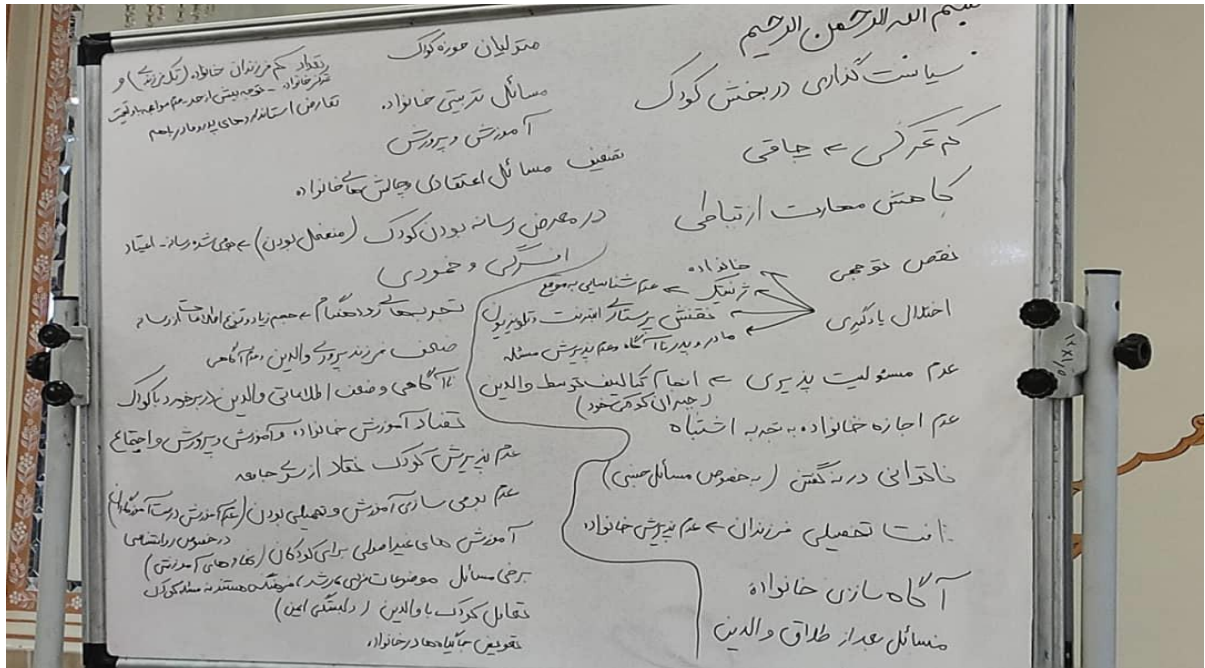
شماره	نام و نام خانوادگی داور
۱	ندا مهدی پور
۲	بهراد باقری
۳	مسعود ادیبی
۴	سید احمد حسینی
۵	لیلا شمایللی

جلسه با معرفی اعضای گروه پژوهش و مرکز احیای اندیشه و سیره علوی آغاز شد. سپس به منظور ایجاد صمیمیت و راحتی از هر یک از حاضران درخواست شد تا خود را معرفی و حوزه فعالیت خویش را معرفی کنند.

در این جلسه سه سؤال محوری مطرح گردید:

۱. مهم‌ترین مسائل و مشکلات کودکان در حال حاضر چیست؟
۲. به نظر شما این مسائل دارای تفکیک جنسیتی می‌باشند؟ چه مسائلی را مختص دختران یا پسران می‌دانید؟
۳. به نظر شما چه مسائلی در سال‌های اولیه کودکی رایج هستند؟ و چه مسائلی در اواخر کودکی بیشتر نمود دارند؟
۴. چه مسائلی را مربوط به گروه‌های خاصی از کودکان (به‌عنوان مثال معلولین، بیماران، کودکان کار و...) می‌دانید؟

سپس هر یک از داوران بر مسائل کودک از دیدگاه خود و همچنین از منظر تجربه و تخصص خود تاکید کردند. همچنین هر یک از مطالب مطرح‌شده نیز از سوی اعضای گروه تحقیقی بر روی تخته نوشته شد تا داوران بتوانند دیدگاه‌های یکدیگر را در طول جلسه مشاهده و نقد کنند. در ادامه نیز با وجود اختلاف نظرها و دیدگاه‌ها بحث و گفت‌وگو نیز شکل گرفت. در ادامه تصویر تابلو در جلسه گروه متمرکز کودک ارائه خواهد شد.



پس از پایان جلسه صوت جلسه مجدداً بررسی و مواردی که بر روی تخته تذکر نشده بود اما از سوی داوران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده بود استخراج گردید. در خصوص داورانی که به هر دلیل نتوانستند در جلسه حضور پیدا کنند نیز با استفاده از مصاحبه تلفنی نظر آنان را جویا و سؤالات مطرح شده در جلسه را با آنان در میان گذاشتیم. موارد مطرح شده از سوی داوران در جدول زیر جمع آوری شده است.

جدول ۱: مسائل مطرح شده در راند اول کودک
پرورش ندادن مهارت حل مسئله
پیشگیری از کنجکاوی او
عدم آگاهی کودک از آنچه می آموزد
تخریب روحیه حقیقت طلبی و کنجکاوی کودک در نظام آموزشی و تعامل با جهان بزرگسال
ناآگاهی کودک از مسائل ویژه خود
عدم پرورش تفکر نقادانه در کودک
نداشتن مهارت تدبیر و توجه
نداشتن مهارت تحلیل و بررسی
نداشتن استدلال برای افکار و بیانات خود
ضعف در طرح پرسش در باب موضوعات مختلف
کودک خودش فعالانه دست به انتخاب و یادگیری نمی زند
عدم قدرت استدلال و تفکر در کودک
عدم پرورش تفکر نقادانه در کودک
ضعف در پرورش خلاقیت
کودک نمی داند دانسته هایش را چگونه به عمل تبدیل کند
به کار گرفته نشدن استعدادها و ویژگی های مثبت کودک

ضعف در مدیریت آموزشی  
 تجربه و دانش ناکافی معلم در برقراری ارتباط با کودک  
 عدم برنامه‌ریزی آموزشی درست مدارس  
 به‌روز نبودن اطلاعات و دانش ارتباطات مربیان  
 بی‌توجهی به اثربخشی آموزش‌های غیرمستقیم به کودک  
 استفاده از افراد غیرمتخصص در مباحث آموزش کودک  
 عدم استفاده از مواد و ابزار به‌روز آموزش فعال برای کودک  
 بی‌توجهی به آموزش‌های باکیفیت و به‌روز  
 فقدان نظام تربیتی درست  
 آموزش‌های غیربومی برای کودکان هر منطقه  
 سنجش یکسان در مدرسه  
 استثمار آموزش کودکان  
 شی‌انگاری کودک  
 عدم استفاده از روش‌های آموزش متناسب با سن کودک  
 عدم تناسب آموزش با نیازها و تمایلات کودک  
 فضای رقابتی منفی آموزش و پرورش  
 دسته‌بندی کودکان در مدارس با ترین‌ها  
 ارزش‌گذاری برای کودک بر اساس توجه دیگران به جای تلاش و کیفیت انجام کار  
 کاهش انجام بازی‌های جمعی و دوستانه فعال  
 بی‌توجهی به فراهم کردن محیط بازی مناسب کودکان با نیازهای مختلف  
 چاقی  
 بی‌حرکی  
 بی‌توجهی به ارائه برنامه‌های سرگرمی آموزشی پخته و مناسب با سن کودک  
 افزایش بازی‌های رایانه‌ای و فردی  
 عدم وجود فضاهای مناسب برای کودک  
 عدم وجود فضای کافی برای جست و خیز به دلیل آپاراتمان نشینی  
 استفاده از بازی‌های رایانه‌ای بدون توجه به محتوا و سن مناسب به‌دوراز نظارت والدین  
 نداشتن فرصت کودکی کردن  
 نداشتن شهامت اقدام، جرئت و جسارت کسب تجربه جدید و جبران اشتباهات و ضعف‌های خود  
 ناآگاهی والدین از نیازهای رشدی کودک  
 ضعف والدین در مهارت‌های فرزند پروری  
 توجه افراطی والدین به تنها بخشی از نیازهای کودک  
 غفلت والدین از مهارت‌ها و نیازهای اجتماعی و هیجانی  
 توجه افراطی والدین به مسائل تحصیلی کودک  
 ضعف والدین در پاسخگویی به سؤالات کودک  
 ناآگاهی والدین از چالش‌های فرآیند رشد  
 دیده نشدن کودک توسط خانواده  
 اجبار کودک در رعایت استانداردهای والدین  
 عدم آگاهی خانواده از روش‌های رفتار با کودک در دنیای جدید

پیروی از الگوهای تربیتی گذشته خود والدین  
عدم تفاهم والدین در به کارگیری سبک تربیتی واحد  
تضاد رفتاری والدین در شرایط فعلی  
آموزش دوگانگی از کودکی توسط والدین  
ضعف مهارت‌های اجتماعی ارتباطی در کودکان  
نقص در آموزش مهارت‌های زندگی  
ضعف مهارت‌های زندگی  
تاب آوری ضعیف  
کاهش ظرفیت همدلی و درک متقابل کودکان  
انعطاف‌پذیری کم در برخورد و ارتباط با دیگران  
بی‌توجهی به تربیت جنسی  
نقص در حوزه آموزش‌های جنسی  
بی‌توجهی به آموزش‌های خود مراقبتی به کودک  
عدم آموزش مهارت نه گفتن به کودکان در خصوص مسائل جنسی  
تجربه‌های مکرر کودک از عدم ثبات اخلاقی و رفتاری والدین  
طرح مشکلات خانوادگی و بزرگ‌ترها از سن کودکی مقابل کودک  
آسیب‌های پس از طلاق  
اعتیاد والدین به موبایل  
رشد فناوری متناسب با رشد آگاهی کودکان و خانواده‌ها نیست  
سواد رسانه‌ای پایین خانواده  
وابستگی به فضای مجازی  
آشنایی با فضای مجازی قبل از آشنایی با فضای واقعی  
اعتیاد به موبایل  
خرید تب‌لت و موبایل برای کودکان  
انفعال کودک مقابل رسانه  
مصرف اینترنت بالا و بدون نظارت در کودکان  
عدم وجود محتوای مفید در فضای مجازی  
حضور کمرنگ پدران در مباحث تربیتی  
ارتباط منفی با والدین  
شاغل بودن اولیا  
نیاز به تعامل صمیمی آرام  
تنهایی یا بودن کودک با غیر از والدین و چندگانگی تربیتی  
عدم تعامل والدین با کودک  
عدم وجود دلبستگی ایمن  
عدم شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان  
بی‌توجهی به گرفتن مشاور در پاسخ به سؤالات کودک  
افسردگی و خمودگی  
اضطراب و پرخاشگری  
اختلالات افسردگی و اضطراب

کاهش تعهد و مسئولیت پذیری  
 مسئولیت ندادن به اندازه توانایی های کودک به او  
 اعتماد به نفس پایین  
 عزت نفس پایین  
 رویارویی با مقایسه، رقیب تراشی همراه با تحقیر و نفی شخصیت کودک  
 داشتن حس ناتوانی در انجام مسائل خود  
 کودک دستیابی به اتفاقات خوب را حاصل کار خود نمی داند  
 خودباوری ضعیف  
 کودک خودش را مفید و مؤثر نمی داند  
 زندگی در محیط های پر تنش و استرس زا  
 ناامنی محیط خانواده  
 عدم رویارویی با موقعیت های دشوار واقعی زندگی متناسب با سن  
 سعی در سختی نکشیدن افراطی کودک  
 تغییر جایگاه ها در خانواده و کودک سالاری شدن  
 دیکتاتور شدن کودک  
 افت تحصیلی  
 تبدیل مادر به معلم  
 وضعیت معیشتی و اقتصادی نامناسب  
 شرایط عقب افتاده خانواده ها از نظر مادی  
 فقر  
 بزهکاری در مورد کودکان بد سرپرست  
 تجاوز جنسی در مورد کودکان کار و بد سرپرست  
 سوءاستفاده از کودکان بد سرپرست و کودکان کار  
 فروش مواد مخدر در مورد کودکان بد سرپرست و کودکان کار  
 سوءاستفاده جنسی از کودکان  
 کودک آزاری روانی- عاطفی در خانواده  
 خشونت فیزیکی علیه کودکان در خانواده  
 روحیه توقع و انتظار داشتن از دیگران به جای روی پای خود ایستادن  
 نیاز کودک برای یاد گرفتن سخاوت، انفاق، گذشت و ایثار  
 آموزش کمک کردن به دیگران به کودک به عنوان عملی که نیاز روحی خود اوست نه یک فعل طبیعی یا صفت  
 اخلاقی خوب  
 بی توجهی به پرورش ارزش های انسانی  
 اخلاقیات ضعیف  
 ضعف خلیقیات  
 ضعف خلیقیات تحت تأثیر کرونا  
 ضعف در کار تیمی  
 عدم آموزش همکاری  
 ارتباط کم با محیط زیست  
 جدایی از طبیعت

جدایی از طبیعت به واسطه شهرنشینی و آپارتمان نشینی  
 عدم درک زیست کره  
 عدم توجه به توانایی کودک  
 نیاز سازی کاذب برای کودک در جامعه و خانواده  
 بی توجهی به طرح مسائل کودک با خود او  
 ندیدن فطرت و غرایز کودک در جامعه و خانواده  
 اجرای امیال خود و سیستم برای کودک به جای امیال و خواسته‌های او  
 ایجاد نیاز از بیرون برای کودک  
 جداسازی خانواده و نهادها در امر آموزش و پرورش کودک از یکدیگر  
 تعدد متولیان تربیت  
 دوگانگی ارزشی مفهومی قواعد زندگی در نهادهای آموزشی، اجتماع و خانواده  
 بی توجهی به سیر طبیعی رشد کودک در خانواده و جامعه  
 دیدن کودک با بدبینی  
 بی توجهی به نیازهای رشد هر بازه سنی در خانواده و جامعه  
 سیاست گذاری‌های غیراصولی و نظری صرف برای کودک  
 عدم وجود سند مبتنی بر مهارت آموزی  
 تک فرزندی و ارتباط محدود با همسالان  
 مواجه با اطلاعات فراتر از سن کودک  
 و انفجار اطلاعاتی کودک با رسانه‌ها  
 ارائه حجم زیاد اطلاعات متنوع به کودک به کودک از منابع گوناگون و تجربیات زودهنگام  
 عدم آشنایی به موقع اختلالات ژنتیکی کودک  
 ناامیدی و بی‌انگیزگی  
 عدم تلاش درونی کودک برای آموختن  
 تنبلی و منفعل بودن  
 عدم تمرکز یا تمرکز پایین  
 بیش فعالی  
 نگاه جنسیتی به کودک  
 تفاوت نسلی با والدین  
 عدم توجه به تقویت باورهای دینی مذهبی در کودک  
 ضعف اعتقادات کودک  
 عدم تسلط کودک در برابر هجمه‌های اعتقادی، فکری و هجمه‌های ناشی از رفتارهای دوستانشان  
 عدم پرورش کودک برای پذیرش نقش‌های بزرگ‌سالی  
 ندیدن و نشناختن انسان‌های بزرگ و دستاوردهای آن‌ها به صورت عینی که می‌تواند روش‌های همزاد پنداری  
 مثبت و الگوهای درست را به آن‌ها معرفی کند  
 حکمرانی رسانه در تربیت

در مورد سؤال دو نیز داوران با اتفاق معتقد بودند این مسائل برای هر دو گروه دختران و پسران مشترک است و تنها شدت و ضعف آن‌ها تفاوت دارد و به همین دلیل مسائل جدیدی از سوی آنان مطرح نشد.



در خصوص سؤال سوم نیز پاسخی شبیه به سؤال دوم از سوی داوران مطرح شد که مسائل مطرح شده در این مسائل در همه دوران کودکی وجود دارند اما در هر سنی شدت و ضعف پیدا خواهند کرد.

در خصوص سؤال سوم موارد آن از سوی داوران در حین جلسه گروه متمرکز مطرح شده بود.

### ج: داده‌های راند اول دلفی

پس از بررسی یافته‌های حاصل از راند اول دلفی که به صورت گروه متمرکز و مصاحبه جمع آوری شده بود داده‌ها با استفاده از روش‌های کیفی کدگذاری شدند. طی این فرآیند موارد تکرارشونده مطرح شده از سوی داوران حذف و موارد مشترک طی فرآیند کدگذاری اولیه ترکیب شدند.

در راستای پژوهش فوق جهت غنی تر شدن مطالب علاوه بر روش دلفی از روش تحلیل تم هم استفاده شده است تا علاوه بر اینکه چگونگی ارتباط کدها را با یکدیگر نشان دهیم، بتوانیم از کدهای سطح اول بهتر و شایسته‌تر استفاده نماییم. از متون استخراج شده از مصاحبه‌ها و متن جلسات گروه متمرکز پس از سه بار بررسی توسط اعضای تیم تحقیق مجموعاً ۱۷۷ کد استخراج شد که پس از بررسی همه‌جانبه این کدها آنها را در غالب ۵۲ مقوله فرعی طبقه‌بندی کرده و دوباره با بررسی مقولات فرعی و مضمون هسته‌ای آنها به تعداد ۲۲ مقوله اصلی دست یافتیم که این مقولات اصلی عبارت‌اند از :

۱- مهارت‌های شناختی ضعیف؛ این مقوله اصلی حاوی چهار مقوله فرعی است که شامل: الف: پرورش ندادن مهارت حل مسئله که خود به‌تنهایی به دلیل اهمیت و یکتایی یک مقوله فرعی بوده است، ب: اختلال نقص توجه با دو کد اولیه عدم تمرکز یا تمرکز پایین و بیش‌فعالی، ج، پیشگیری از کنجکاوی و ضعف در استدلال ورزی و تفکر انتقادی با کدهای اولیه عدم آگاهی کودک از آنچه می‌آموزد، عدم پرورش تفکر نقادانه در کودک، نداشتن مهارت تدبیر و توجه، نداشتن مهارت تحلیل و بررسی، نداشتن استدلال برای افکار و بیانات خود، ضعف در طرح پرسش در باب موضوعات مختلف، کودک خودش فعالانه دست به انتخاب و یادگیری نمی‌زند، عدم قدرت استدلال و تفکر در کودک، عدم پرورش تفکر نقادانه در کودک، د: ضعف در پرورش خلاقیت، استعداد و نبود آموزش کاربردی و ناتوانی کودک در عملیاتی کردن خواسته‌ها با سه کد ضعف در پرورش خلاقیت، کودک نمی‌داند دانسته‌هایش را چگونه به عمل تبدیل کند، به کار گرفته نشدن استعدادها و ویژگی‌های مثبت کودک، می‌شوند.

۲- مشکلات نظام آموزشی با تعداد ۶ مقوله فرعی حاوی الف: تمرکزگرایی آموزش و سنجش یکسان بدون توجه به تفاوت‌های فردی، محیطی و منطقه‌ای با دو کد آموزش‌های غیربومی برای کودکان هر منطقه، سنجش یکسان در مدرسه، ب: نبود آموزش به‌روز و وجود افراد غیرمتخصص در عرصه آموزش با کدهای ضعف در مدیریت آموزشی، تجربه و دانش ناکافی معلم در برقراری ارتباط با کودک، عدم برنامه‌ریزی آموزشی درست مدارس، به‌روز نبودن اطلاعات و دانش ارتباطات مربیان، بی‌توجهی به اثربخشی آموزش‌های غیرمستقیم به کودک، استفاده از افراد غیرمتخصص در مباحث آموزش کودک، عدم استفاده از مواد و ابزار به‌روز آموزش فعال برای کودک، بی‌توجهی به آموزش‌های باکیفیت و به‌روز، فقدان نظام تربیتی درست، ج: مشکلات تحصیلی با کدهای افت تحصیلی، تبدیل مادر به معلم، د: ایجاد فضای رقابتی و استرس آور در محیط آموزش و خانواده با کدهای فضای رقابتی منفی آموزش و پرورش، دسته‌بندی کودکان در مدارس با ترین‌ها و ارزش‌گذاری برای کودک بر اساس توجه دیگران به جای تلاش و کیفیت انجام کار، و: استثمار و انتظارات بالاتر از سن و توانایی کودک و بی‌توجهی به نیازها و میل او با کدهای استثمار آموزش کودکان، شی‌انگاری کودک، عدم استفاده از روش‌های آموزش متناسب با سن کودک، عدم تناسب آموزش با نیازها و

تمایلات کودک، ی: سیاست‌گذاری‌های غیراصولی و بدون مهارت‌آموزی برای آموزش با کدهای سیاست‌گذاری‌های غیراصولی و نظری صرف برای کودک و عدم وجود سند مبتنی بر مهارت آموزی است.

۳- بی‌توجهی به خود کودک به عنوان فرد مختار ولی نیازمند به توجه و مراقبت با نیازهای خاص کودکی با تعداد دو مقوله فرعی الف: محدود کردن کودک (کودکی نکردن) و عدم اجازه به اشتباه کردن و عبرت‌آموزی شامل کدهای نداشتن شهامت اقدام، جرئت و جسارت کسب تجربه جدید و جبران اشتباهات و ضعف‌های خود، نداشتن فرصت کافی برای آزمون و خطا و در نتیجه عبرت‌آموزی، اجازه ندادن به کودک برای ارتکاب به اشتباه، گرفتن حق زندگی کردن از کودک، پیشگیری از کنجکاوی او تخریب روحیه حقیقت‌طلبی و کنجکاوی کودک در نظام آموزشی و تعامل با جهان بزرگسال و ب: تحمیل دیدگاه‌ها و امیال بزرگسالان به کودکان و بی‌توجهی به تمایلات خود آن‌ها با کدهای عدم توجه به توانایی کودک، نیاز سازی کاذب برای کودک در جامعه و خانواده، بی‌توجهی به طرح مسائل کودک با خود او، ندیدن فطرت و غرایز کودک در جامعه و خانواده، اجرای امیال خود و سیستم برای کودک به جای امیال و خواسته‌های او، ایجاد نیاز از بیرون برای کودک، اجبار کودک در رعایت استانداردهای والدین .

۴- تک فرزندی که به واسطه اهمیت وافر خود یک مقوله فرعی تک فرزندی و ارتباط محدود با همسالان را با کدهای تک فرزندی و ارتباط محدود با همسالان، تک فرزندی معضل کودک امروز است ، کودک تک فرزند بیشتر از سایر کودکان دچار مشکل و بحران خواهد شد در خود دارد.

۵- نداشتن امکانات بازی فعال و فیزیکی و بی‌توجهی امکان طبیعی محیط‌زیست در این خصوص با چهار مقوله فرعی الف: کاهش فعالیت‌های جمعی با کدهای کاهش انجام بازی‌های جمعی و دوستانه فعال و افزایش بازی‌های رایانه‌ای و فردی ، ب: فضای ناکافی برای کودک با کدهای عدم وجود فضاهای مناسب برای کودک و بی‌توجهی به فراهم کردن محیط بازی مناسب کودکان با نیازهای مختلف، ج: کم تحرکی با کدهای عدم وجود فضای کافی برای جست و خیز به دلیل آپارتمان‌نشینی، بی‌حرکی و چاقی و د: ارتباط کم با محیط‌زیست با کدهای جدایی از طبیعت، جدایی از طبیعت به واسطه شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی، عدم درک زیست کره

۶- مدیریت ضعیف در حوزه کودکان خاص با مقولات فرعی الف: بی‌توجهی به کودکان با نیازهای خاص و عدم مناسب‌سازی برای آن‌ها با کدهای احساس ترحم اجتماعی به کودکان خاص، بی‌توجهی به کودکان با نیازهای خاص مانند معلولین و بی‌توجهی به کودکان کار، ب: سوءاستفاده از کودک بد سرپرست و کودکان کار با کدهای بزه‌کاری در مورد کودکان بد سرپرست، تجاوز جنسی در مورد کودکان کار و بد سرپرست، سوءاستفاده از کودکان بد سرپرست و کودکان کار، فروش مواد مخدر در مورد کودکان بد سرپرست و کودکان کار و سوءاستفاده جنسی از کودکان.

۷- ناآگاهی والدین و ضعف مهارت‌های والدگری و فرزند پروری حاوی مقولات الف: ناآگاهی و ضعف مهارت‌های فرزند پروری از سوی والدین دربردارنده کدهای توجه افراطی والدین به تنها بخشی از نیازهای کودک، غفلت والدین از مهارت‌ها و نیازهای اجتماعی و هیجانی، توجه افراطی والدین به مسائل تحصیلی کودک، ضعف والدین در پاسخگویی به سؤالات کودک، دیده نشدن کودک توسط خانواده، عدم آگاهی خانواده از روش‌های رفتار با کودک در دنیای جدید و عدم آشنایی به موقع اختلالات ژنتیکی کودک، ب: ارتباط و تعامل کم‌رنگ کودک و والدین حاوی کدهای حضور کم‌رنگ پدران در مباحث تربیتی، ارتباط منفی با

والدین، شاغل بودن اولیا، نیاز به تعامل صمیمی آرام و عدم تعامل والدین با کودک، ج: چندگانگی تربیتی شامل کدهای تنهایی یا بودن کودک با غیر از والدین و چندگانگی تربیتی، شاغل بودن والدین موجب تعدد متولیان تربیت (مادر بزرگ، مربی و ...) شده است و تعدد متولیان تربیت، د: تضاد و دوگانگی آموزش - تربیتی والدین با کدهای عدم تفاهم والدین در به کارگیری سبک تربیتی واحد و تضاد رفتاری والدین در شرایط فعلی و آموزش دوگانگی از کودکی توسط والدین، و: بی توجهی به گرفتن مشاور در پاسخ به سؤالات کودک با کد بی توجهی به گرفتن مشاور در پاسخ به سؤالات کودک و در نهایت مقوله ی: عدم درک صحیح از ویژگی ها و نیازهای طبیعی دوران رشد کودک در بردارنده کدهای بی توجهی به سیر طبیعی رشد کودک در خانواده، دیدن کودک با بدبینی، بی توجهی به نیازهای رشد هر بازه سنی در خانواده، ناآگاهی والدین از نیازهای رشدی کودک و ناآگاهی والدین از چالش های فرآیند رشد.

۸- توجه افراطی به کودک، کاهش مسئولیت پذیری و عدم پرورش کودک برای نقش های بزرگ سالی که حاوی مقولات فرعی الف: کاهش مسئولیت پذیری و عدم پرورش کودک برای نقش های بزرگ سالی با کدهای کاهش تعهد و مسئولیت پذیری و مسئولیت ندادن به اندازه توانایی های کودک به او، ب: توجه افراطی به کودک و دور کردن او از مواجهه با سختی ها با کدهای عدم رویارویی با موقعیت های دشوار واقعی زندگی متناسب با سن، سعی در سختی نکشیدن افراطی کودک، تغییر جایگاه ها در خانواده و کودک سالاری شدن، عدم رویارویی با موقعیت های دشوار واقعی زندگی متناسب با سن و دیکتاتور شدن کودک، ج: عدم پرورش کودک برای پذیرش نقش های بزرگ سالی با کد عدم پرورش کودک برای پذیرش نقش های بزرگ سالی می شود.

۹- مهارت های زندگی ضعیف با مقولات الف: روحیه کار تیمی ضعیف و عدم آموزش همکاری حاوی کدهای ضعف در کار تیمی و عدم آموزش همکاری و ب: ضعف در مهارت های ارتباطی، ضعف همدلی و انعطاف پذیری کم در بردارنده کدهای ضعف مهارت های اجتماعی ارتباطی در کودکان، نقص در آموزش مهارت های زندگی، ضعف مهارت های زندگی، تاب آوری ضعیف، کاهش ظرفیت همدلی و درک متقابل کودکان و انعطاف پذیری کم در برخورد و ارتباط با دیگران.

۱۰- ضعف در اخلاق با تک مقوله ضعف در رعایت آداب اخلاقی و مشکلات خلق و خو که کدهای روحیه توقع و انتظار داشتن از دیگران به جای روی پای خود ایستادن، نیاز کودک برای یادگرفتن سخاوت، انفاق، گذشت و ایثار، آموزش کمک کردن به دیگران به کودک به عنوان عملی که نیاز روحی خود اوست نه یک فعل طبیعی یا صفت اخلاقی خوب، بی توجهی به پرورش ارزش های انسانی، اخلاقیات ضعیف و ضعف خلقیات و ضعف خلقیات تحت تأثیر کرونا را شامل می شود.

۱۱- تربیت جنسی ضعیف با تنها مقوله فرعی ضعف در تربیت جنسی و خود مراقبتی که حاوی مؤلفه های بی توجهی به تربیت جنسی، نقص در حوزه آموزش های جنسی، بی توجهی به آموزش های خود مراقبتی به کودک و عدم آموزش مهارت نه گفتن به کودکان در خصوص مسائل جنسی است.

۱۲- شرایط خانوادگی نایمن با مقولات الف: آسیب های خانواده و مشکلات اخلاقی والدین حاوی تجربه های مکرر کودک از عدم ثبات اخلاقی و رفتاری والدین، طرح مشکلات خانوادگی و بزرگ ترها از سن کودکی مقابل کودک و آسیب های پس از طلاق، ب: شرایط مادی نامطلوب و آسیب های ناشی از فقر با مؤلفه های وضعیت معیشتی و اقتصادی نامناسب، شرایط عقب افتاده خانواده ها از نظر مادی و فقر، ج: زندگی در محیط های نایمن و تنش زا با کدهای زندگی در محیط های پر تنش و استرس زا و ناامنی محیط خانواده و د: کودک آزاری در خانواده که به کودک آزاری روانی - عاطفی در خانواده خشونت فیزیکی علیه کودکان در خانواده اشاره دارد.

۱۳- آسیب‌های رسانه و مدیریت ضعیف استفاده از آن با مقولات الف: وابستگی والدین به رسانه و سواد رسانه‌ای پایین در خانواده با کدهای اعتیاد والدین به موبایل، عدم تناسب رشد فناوری با رشد آگاهی کودکان و خانواده‌ها، سواد رسانه‌ای پایین خانواده، ب: وابستگی به فضای مجازی، موبایل و انفعال در برابر رسانه و سواد رسانه‌ای ضعیف حاوی کدهای وابستگی کودک به فضای مجازی، آشنایی با فضای مجازی قبل از آشنایی با فضای واقعی، اعتیاد به موبایل، خرید تب لت و موبایل برای کودکان، انفعال کودک مقابل رسانه، مصرف اینترنت بالا و بدون نظارت در کودکان، عدم وجود محتوای مفید در فضای مجازی و حکم رانی رسانه در تربیت، ج: مواجهه با اطلاعات فراتر از سن کودک با کدهای مواجهه با اطلاعات فراتر از سن کودک، و انفجار اطلاعاتی کودک با رسانه‌ها، عدم تناسب محتوای رسانه‌ها با شرایط سنی و روحی کودک، استفاده از بازی‌های رایانه‌ای بدون توجه به محتوا و سن مناسب به‌دوراز نظارت والدی ارائه حجم زیاد و اطلاعات متنوع به کودک به کودک از منابع گوناگون و تجربیات زودهنگام.

۱۴- مشکلات روان‌شناختی که شامل موارد الف: دلبستگی نایمن با کد عدم وجود دلبستگی ایمن و عدم شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان، ب: اختلالات افسردگی و اضطراب با کدهای افسردگی و خمودگی، اضطراب و پرخاشگری و اختلالات افسردگی و اضطراب، ج: اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس پایین شامل مؤلفه‌های اعتمادبه‌نفس پایین، عزت‌نفس پایین، رویارویی با مقایسه، رقیب تراشی همراه با تحقیر و نفی شخصیت کودک، داشتن حس ناتوانی در انجام مسائل خود، کودک دستیابی به اتفاقات خوب را حاصل کار خود نمی‌داند، خودباوری ضعیف و کودک خودش را مفید و مؤثر نمی‌داند و در نهایت مقوله د: انفعال، بی‌انگیزگی و تلاش کم که شامل کدهای ناامیدی و بی‌انگیزگی، عدم تلاش درونی کودک برای آموختن و تنبلی و منفعل بودن می‌شود.

۱۵- تناقضات تربیتی در جامعه با مقوله فرعی ضعف در اعتقادات و باورهای دینی و کدهای جداسازی خانواده و نهادها در امر آموزش و پرورش کودک از یکدیگر و دوگانگی ارزشی مفهومی قواعد زندگی در نهادهای آموزشی، اجتماع و خانواده.

۱۶- نگاه جنسیتی به کودک که شامل مقوله و کد هم نام خود یعنی نگاه جنسیتی به کودک است.

۱۷- تفاوت نسلی با والدین حاوی مقوله فرعی و مؤلفه همنام تفاوت نسلی با والدین است.

۱۸- تصور هوش بالای کودک با مقوله فرعی هم نام خود و کدهای کودک امروز هوش ویژه‌ای دارد و امروز خانواده‌ها فکر می‌کنند که فرزندان‌شان بسیار باهوش هستند.

۱۹- کودکی تخریب‌شده با مقوله زوال کودکی که حاوی کد کودک امروز به دلیل شرایطی که دارد کودکی نمی‌کند هست.

۲۰- مسائل مربوط به هویت و ابعاد آن با مقولات الف: هویت ملی و رسانه که شامل رسانه‌ها باید در مورد هویت ملی کودک کار کنند و کاری که رسانه‌ها در مورد هویت ملی کودک کرده‌اند کافی نبوده می‌شود، ب: هویت خانوادگی و رسانه که کدهای کودک امروز از هویت و تعلق خانوادگی (بستگان و خانواده گسترده) خود رضایت ندارد، رسانه باید بر ارزش بودن هویت خانوادگی (بستگان و خانواده گسترده) تاکید کند و تاکید رسانه بر ارزش بودن هویت خانوادگی (بستگان و خانواده گسترده) باعث ایجاد تنش و عدم اعتمادبه‌نفس در کودک می‌شود را در بر دارد. ج: ضعف هویت مذهبی و اعتقادات و باورهای مذهبی که حاوی کدهای عدم توجه به تقویت باورهای دینی مذهبی در کودک و ضعف اعتقادات کودک و عدم تسلط کودک در برابر

هجمه‌های اعتقادی، فکری و هجمه‌های ناشی از رفتارهای دوستانشان می‌شود. و در ضعف در الگوسازی با کد ندیدن و نشناختن انسان‌های بزرگ و دستاوردهای آن‌ها به صورت عینی که می‌تواند روش‌های همزاد پنداری مثبت و الگوهای درست را به آن‌ها معرفی کند.

جدول ۲: کدهای مربوط به کودک

کد نهایی	کد ثانویه	کد اولیه
مهارت های شناختی ضعیف	پرورش ندادن مهارت حل مسئله	پرورش ندادن مهارت حل مسئله
	اختلال نقص توجه	عدم تمرکز یا تمرکز پایین
		بیش فعالی
	پیشگیری از کنجکاو و ضعف در استدلال ورزی و تفکر انتقادی	عدم آگاهی کودک از آنچه می‌آموزد
		عدم پرورش تفکر نقادانه در کودک
		نداشتن مهارت تدبیر و توجه
		نداشتن مهارت تحلیل و بررسی
		نداشتن استدلال برای افکار و بیانات خود
		ضعف در طرح پرسش در باب موضوعات مختلف
		کودک خودش فعالانه دست به انتخاب و یادگیری نمی‌زند
		عدم قدرت استدلال و تفکر در کودک
		عدم پرورش تفکر نقادانه در کودک
		ضعف در پرورش خلاقیت، استعداد و نبود آموزش کاربردی و ناتوانی کودک در عملیاتی کردن خواسته‌ها
	کودک نمی‌داند دانسته‌هایش را چگونه به عمل تبدیل کند	
	به کار گرفته نشدن استعدادها و ویژگی‌های مثبت کودک	
		آموزش‌های غیربومی برای کودکان هر منطقه

	تمرکزگرایی آموزش و سنجش یکسان بدون توجه به تفاوت‌های فردی، محیطی و منطقه‌ای	سنجش یکسان در مدرسه
	نبود آموزش به‌روز و وجود افراد غیرمتخصص در عرصه آموزش	ضعف در مدیریت آموزشی
		تجربه و دانش ناکافی معلم در برقراری ارتباط با کودک
		عدم برنامه‌ریزی آموزشی درست مدارس
		به‌روز نبودن اطلاعات و دانش ارتباطات مربیان
		بی‌توجهی به اثربخشی آموزش‌های غیرمستقیم به کودک
		استفاده از افراد غیرمتخصص در مباحث آموزش کودک
		عدم استفاده از مواد و ابزار به‌روز آموزش فعال برای کودک
		بی‌توجهی به آموزش‌های باکیفیت و به‌روز
	فقدان نظام تربیتی درست	
مشکلات تحصیلی	افت تحصیلی	
مشکلات نظام آموزشی	تبدیل مادر به معلم	
	فضای رقابتی منفی آموزش و پرورش	
	دسته‌بندی کودکان در مدارس با ترین‌ها	
ایجاد فضای رقابتی و استرس آور در محیط آموزش و خانواده	ارزش‌گذاری برای کودک بر اساس توجه دیگران به جای تلاش و کیفیت انجام کار	
استثمار و انتظارات بالاتر از سن و توانایی کودک و بی‌توجهی به نیازها و میل او	استثمار آموزش کودکان	
	شی‌انگاری کودک	
	عدم استفاده از روش‌های آموزش متناسب با سن کودک	
سیاست‌گذاری‌های غیراصولی و بدون مهارت‌آموزی برای آموزش	عدم تناسب آموزش با نیازها و تمایلات کودک	
	سیاست‌گذاری‌های غیراصولی و نظری صرف برای کودک	
	عدم وجود سند مبتنی بر مهارت آموزی	

بی توجهی به خود کودک به عنوان فرد مختار ولی نیازمند به توجه و مراقبت با نیازهای خاص کودکی	محدود کردن کودک (کودکی نکردن) و عدم اجازه به اشتباه کردن و عبرت‌آموزی	نداشتن شهامت اقدام، جرئت و جسارت کسب تجربه جدید و جبران اشتباهات و ضعف‌های خود
		نداشتن فرصت کافی برای آزمون و خطا و در نتیجه عبرت‌آموزی
		اجازه ندادن به کودک برای ارتکاب به اشتباه
		گرفتن حق زندگی کردن از کودک
		پیشگیری از کنجکاوی او
		تخریب روحیه حقیقت‌طلبی و کنجکاوی کودک در نظام آموزشی و تعامل با جهان بزرگسال
	تحمیل دیدگاه‌ها و امیال بزرگسالان به کودکان و بی‌توجهی به تمایلات خود آن‌ها	عدم توجه به توانایی کودک
		نیاز سازی کاذب برای کودک در جامعه و خانواده
		بی‌توجهی به طرح مسائل کودک با خود او
		ندیدن فطرت و غرایز کودک در جامعه و خانواده
		اجرای امیال خود و سیستم برای کودک به جای امیال و خواسته‌های او
		ایجاد نیاز از بیرون برای کودک
		اجبار کودک در رعایت استانداردهای والدین
		تک فرزندی و ارتباط محدود با همسالان
تک فرزندی	تک فرزندی و ارتباط محدود با همسالان	
	تک فرزندی معضل کودک امروز است	
	کودک تک فرزند بیشتر از سایر کودکان دچار مشکل و بحران خواهد شد	
کاهش فعالیت های جمعی	کاهش انجام بازی‌های جمعی و دوستانه فعال	
	افزایش بازی‌های رایانه‌ای و فردی	
	عدم وجود فضاهای مناسب برای کودک	
	بی‌توجهی به فراهم کردن محیط بازی مناسب کودکان با نیازهای مختلف	
فضای ناکافی برای کودک	عدم وجود فضاهای مناسب برای کودک	
	بی‌توجهی به فراهم کردن محیط بازی مناسب کودکان با نیازهای مختلف	

نداشتن امکانات بازی فعال و فیزیکی و بی توجهی امکان طبیعی محیط زیست در این خصوص	کم تحریکی	عدم وجود فضای کافی برای جست و خیز به دلیل آپارتمان نشینی	
		بی تحرکی	
		چاقی	
	ارتباط کم با محیط زیست	جدایی از طبیعت	
		جدایی از طبیعت به واسطه شهرنشینی و آپارتمان نشینی	
		عدم درک زیست کره	
مدیریت ضعیف در حوزه کودکان خاص	بی توجهی به کودکان با نیازهای خاص و عدم مناسب سازی برای آنها	احساس ترحم اجتماعی به کودکان خاص	
		بی توجهی به کودکان با نیازهای خاص مانند معلولین	
		بی توجهی به کودکان کار	
	سوء استفاده از کودک بد سرپرست و کودکان کار	بزهکاری در مورد کودکان بد سرپرست	
		تجاوز جنسی در مورد کودکان کار و بد سرپرست	
		سوء استفاده از کودکان بد سرپرست و کودکان کار	
		فروش مواد مخدر در مورد کودکان بد سرپرست و کودکان کار	
		سوء استفاده جنسی از کودکان	
		ناآگاهی و ضعف مهارت های فرزند پروری از سوی والدین	توجه افراطی والدین به تنها بخشی از نیازهای کودک
			غفلت والدین از مهارت ها و نیازهای اجتماعی و هیجانی
توجه افراطی والدین به مسائل تحصیلی کودک			
ضعف والدین در پاسخگویی به سؤالات کودک			
دیدن نشدن کودک توسط خانواده			
عدم آگاهی خانواده از روش های رفتار با کودک در دنیای جدید			
عدم آشنایی به موقع اختلالات ژنتیکی کودک			



<p>ارتباط و تعامل کم‌رنگ کودک و والدین</p> <p>ناآگاهی والدین و ضعف مهارت های والدگری و فرزند پروری</p> <p>تناقض و دوگانگی آموزش - تربیتی والدین</p> <p>بی‌توجهی به گرفتن مشاور در پاسخ به سؤالات کودک</p> <p>عدم درک صحیح از ویژگی‌ها و نیازهای طبیعی دوران رشد کودک</p> <p>کاهش تعهد و مسئولیت‌پذیری</p>	حضور کم‌رنگ پدران در مباحث تربیتی	
	ارتباط منفی با والدین	
	شاغل بودن اولیا	
	نیاز به تعامل صمیمی آرام	
	عدم تعامل والدین با کودک	
	چندگانگی تربیتی	تنهایی یا بودن کودک با غیر از والدین و چندگانگی تربیتی
		شاغل بودن والدین موجب تعدد متولیان تربیت (مادربزرگ، مربی و ...) شده است
		تعدد متولیان تربیت
	تناقض و دوگانگی آموزش - تربیتی والدین	عدم تفاهم والدین در به‌کارگیری سبک تربیتی واحد
		تناقض رفتاری والدین در شرایط فعلی
		آموزش دوگانگی از کودکی توسط والدین
	بی‌توجهی به گرفتن مشاور در پاسخ به سؤالات کودک	بی‌توجهی به گرفتن مشاور در پاسخ به سؤالات کودک
		بی‌توجهی به سیر طبیعی رشد کودک در خانواده
		دیدن کودک با بدبینی
		بی‌توجهی به نیازهای رشد هر بازه سنی در خانواده
ناآگاهی والدین از نیازهای رشدی کودک		
عدم درک صحیح از ویژگی‌ها و نیازهای طبیعی دوران رشد کودک	ناآگاهی والدین از چالش‌های فرآیند رشد	
	کاهش تعهد و مسئولیت‌پذیری	
	مسئولیت ندادن به اندازه توانایی‌های کودک به او	
	عدم رویارویی با موقعیت‌های دشوار واقعی زندگی متناسب با سن	
کاهش تعهد و مسئولیت‌پذیری	سعی در سختی نکشیدن افراطی کودک	

توجه افراطی به کودک، کاهش مسئولیت پذیری و عدم پرورش کودک برای نقش های بزرگسالی	توجه افراطی به کودک و دور کردن او از مواجهه با سختی ها	تغییر جایگاهها در خانواده و کودک سالاری شدن
		عدم رویارویی با موقعیت های دشوار واقعی زندگی متناسب با سن
	عدم پرورش کودک برای پذیرش نقش های بزرگسالی	دیکتاتور شدن کودک
		عدم پرورش کودک برای پذیرش نقش های بزرگسالی
مهارت های زندگی ضعیف	روحیه کار تیمی ضعیف و عدم آموزش همکاری	ضعف در کار تیمی
		عدم آموزش همکاری
	ضعف در مهارت های ارتباطی، ضعف همدلی و انعطاف پذیری کم	ضعف مهارت های اجتماعی ارتباطی در کودکان
		نقص در آموزش مهارت های زندگی
		ضعف مهارت های زندگی
		تاب آوری ضعیف
		کاهش ظرفیت همدلی و درک متقابل کودکان
		انعطاف پذیری کم در برخورد و ارتباط با دیگران
ضعف در اخلاق	ضعف در رعایت ادب اخلاقی و مشکلات خلق و خو	روحیه توقع و انتظار داشتن از دیگران به جای روی پای خود ایستادن
		نیاز کودک برای یادگرفتن سخاوت، انفاق، گذشت و ایثار
		آموزش کمک کردن به دیگران به کودک به عنوان عملی که نیاز روحی خود اوست نه یک فعل طبیعی یا صفت اخلاقی خوب
		بی توجهی به پرورش ارزش های انسانی
		اخلاقیات ضعیف
		ضعف خلقیات
		ضعف خلقیات تحت تأثیر کرونا

تربیت جنسی ضعیف	ضعف در تربیت جنسی و خود مراقبتی	بی توجهی به تربیت جنسی
		نقص در حوزه آموزش های جنسی
		بی توجهی به آموزش های خود مراقبتی به کودک
		عدم آموزش مهارت نه گفتن به کودکان در خصوص مسائل جنسی
شرایط خانوادگی نایمن	آسیب های خانواده و مشکلات اخلاقی والدین	تجربه های مکرر کودک از عدم ثبات اخلاقی و رفتاری والدین
		طرح مشکلات خانوادگی و بزرگ ترها از سن کودکی مقابل کودک
		آسیب های پس از طلاق
	شرایط مادی نامطلوب و آسیب های ناشی از فقر	وضعیت معیشتی و اقتصادی نامناسب
		شرایط عقب افتاده خانواده ها از نظر مادی
		فقر
	زندگی در محیط های پر تنش و استرس زا	زندگی در محیط های پر تنش و استرس زا
		نامننی محیط خانواده
	کودک آزاری در خانواده	کودک آزاری روانی - عاطفی در خانواده
		خشونت فیزیکی علیه کودکان در خانواده
آسیب های رسانه و مدیریت ضعیف استفاده از آن	وابستگی والدین به رسانه و سواد رسانه ای پایین در خانواده	اعتیاد والدین به موبایل
		عدم تناسب رشد فناوری با رشد آگاهی کودکان و خانواده ها
		سواد رسانه ای پایین خانواده
		وابستگی کودک به فضای مجازی
		آشنایی با فضای مجازی قبل از آشنایی با فضای واقعی
		اعتیاد به موبایل
		خرید تبلت و موبایل برای کودکان

	وابستگی به فضای مجازی، موبایل و انفعال در برابر رسانه و سواد رسانه‌ای ضعیف	انفعال کودک مقابل رسانه
		مصرف اینترنت بالا و بدون نظارت در کودکان
		عدم وجود محتوای مفید در فضای مجازی
		حکمرانی رسانه در تربیت
	مواجهه با اطلاعات فراتر از سن کودک	مواجهه با اطلاعات فراتر از سن کودک
		و انفجار اطلاعاتی کودک با رسانه‌ها
		عدم تناسب محتوای رسانه‌ها با شرایط سنی و روحی کودک
		استفاده از بازی‌های رایانه‌ای بدون توجه به محتوا و سن مناسب به‌دوراز نظارت والدی ارائه حجم زیاد
		اطلاعات متنوع به کودک به کودک از منابع گوناگون و تجربیات زودهنگام
	مشکلات روان شناختی	دلبستگی نایمن
عدم شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان		
اختلالات افسردگی و اضطراب		افسردگی و خمودگی
		اضطراب و پرخاشگری
		اختلالات افسردگی و اضطراب
اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس پایین		اعتمادبه‌نفس پایین
		عزت‌نفس پایین
		رویارویی با مقایسه، رقیب تراشی همراه با تحقیر و نفی شخصیت کودک
		داشتن حس ناتوانی در انجام مسائل خود
		کودک دستیابی به اتفاقات خوب را حاصل کار خود نمی‌داند
خودباوری ضعیف		

	انفعال، بی‌انگیزگی و تلاش کم	کودک خودش را مفید و مؤثر نمی‌داند
		نامیدی و بی‌انگیزگی
		عدم تلاش درونی کودک برای آموختن
		تنبلی و منفعل بودن
تناقضات تربیتی در جامعه	جداسازی خانواده و نهادهای آموزشی تربیتی و تضادهای ارزشی بین آنها	جداسازی خانواده و نهادهای آموزش و پرورش کودک از یکدیگر
		دوگانگی ارزشی مفهومی قواعد زندگی در نهادهای آموزشی، اجتماع و خانواده
نگاه جنسیتی به کودک	نگاه جنسیتی به کودک	نگاه جنسیتی به کودک
تفاوت نسلی با والدین	تفاوت نسلی با والدین	تفاوت نسلی با والدین
تصور هوش بالای کودک	تصور هوش بالای کودک	کودک امروز هوش ویژه ای دارد
		امروز خانواده ها فکر می کنند که فرزندانشان بسیار باهوش هستند
کودکی تخریب شده	زوال کودکی	نداشتن فرصت کودکی کردن
		کودک امروز به دلیل شرایطی که دارد کودکی نمی کند
مسائل مربوط به هویت و ابعاد آن	ضعف در الگوسازی در جریان هویت یابی	ندیدن و نشناختن انسان‌های بزرگ و دستاوردهای آنها به صورت عینی که می‌تواند روش‌های همزاد پنداری مثبت و الگوهای درست را به آنها معرفی کند
		رسانه ها باید در مورد هویت ملی کودک کار کنند
	هویت ملی و رسانه	کاری که رسانه ها در مورد هویت ملی کودک کرده اند کافی نبوده
		کودک امروز از هویت و تعلق خانوادگی (بستگان و خانواده گسترده) خود رضایت ندارد .
هویت خانوادگی و رسانه	رسانه باید بر ارزش بودن هویت خانوادگی (بستگان و خانواده گسترده) تاکید کند .	

	تاکید رسانه بر ارزش بودن هویت خانوادگی (بستگان و خانواده گسترده) باعث ایجاد تنش و عدم اعتماد به نفس در کودک می شود .
ضعف هویت مذهبی اعتقادات و باورهای دینی	عدم توجه به تقویت باورهای دینی مذهبی در کودک
	ضعف اعتقادات کودک
	عدم تسلط کودک در برابر حمله‌های اعتقادی ، فکری و حمله‌های ناشی از رفتارهای دوستانشان

بر اساس گفت و گوهای صورت گرفته با کارشناسان مرکز علوی مواردی از گویه‌ها به دلیل مفهوم نبودن و جامع و مانع نبودن کدها به صورت مستقل مطرح و برخی با یکدیگر ترکیب شده و در پرسشنامه مطرح شدند. و هر گروه از گویه‌ها جداگانه بر اساس موضوعات محوری تفکیک شدند.

در خصوص ملاک‌های مطرح شده در پرسشنامه برای سنجش گویه‌ها نیز با بررسی منابع گوناگون در خصوص ملاک‌های علمی تعیین یک موضوع به عنوان مسئله اجتماعی از جمله کتاب رویکردهای هفتگانه در مسائل اجتماعی، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی و مقاله‌ای با عنوان روش‌شناسی اولویت‌بندی مسائل اجتماعی ایران استفاده شد. سپس موارد مشترک که شامل فراگیری و شیوع، شدت آسیب‌رسانی مسئله، درگیری اذهان عمومی و قابلیت تغییر و اصلاح و مغایرت با ارزش‌ها است یکسان‌سازی و انتخاب شدند. اما با توجه به بالا رفتن حجم سؤالات با در نظر گرفتن همه ملاک‌ها و کاهش میزان همکاری داوران در این مرحله طی گفت‌وگو با جناب آقای دکتر مهرشاد ملاک‌ها با یکدیگر ترکیب و طبق نظر ایشان در نهایت ۳ ملاک در پرسشنامه موردسنجش قرار گرفت این ملاک‌ها شامل فراگیری و شیوع مسئله در جامعه، شدت آسیب‌رسانی مسئله که موجب درگیری ذهن افکار عمومی می‌شود و قابلیت تغییر و اصلاح مسئله در جامعه می‌باشد.

سپس با استفاده از استراتژی اکتشافی متوالی مطرح شده در کتاب مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی نوشته دکتر محمدتقی ایمان داده‌های به دست آمده از راند اول در قالب پرسشنامه موردسنجش قرار گرفتند. این استراتژی مانند تبیینی متوالی از دو مرحله جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها برای هر دو روش کمی و کیفی برخوردار است. بر خلاف استراتژی تبیینی متوالی در مرحله اول تحلیل بر اساس داده‌های کیفی صورت می‌گیرد و تحقیق با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کمی ادامه می‌یابد. بنابراین تقدم بر جنبه کیفی تحقیق است. یافته‌های حاصل از رویکرد کمی و کیفی در مرحله تفسیر یافته‌ها با یکدیگر ترکیب می‌شوند. هدف این راهبرد این است که یافته‌های رویکردهای کمی در جهت حمایت از تفسیرهای کیفی مورد استفاده قرار گیرند (ایمان، ۱۳۸۹: ۲۵۵).

## نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات راند اول

به منظور استخراج و طبقه‌بندی اطلاعات پرسشنامه‌های مرحله اول ابتدا فهرستی از عناوین مسائل مربوط به کودکان به صورت مجزا تهیه گردید، سپس به منظور رعایت شرط امانت در حفظ آرا داوران مسائلی که در پرسشنامه‌های مختلف عیناً تکرار شده بودند حذف گردیدند و همچنین مسائل که بر اساس صحبت با داوران در طول مصاحبه با بحث گروهی یک عنوان را به اشکال مختلف مطرح کرده یا قرابت بسیار با هم داشتند نیز تحت عنوان یک گویه در پرسشنامه‌ها مطرح شدند. پس از انجام این مراحل ۱۲۱ عنوان مسئله برای کودکان مشخص گردید، بر این اساس پرسشنامه‌ای چندبخشی تهیه شد، همچنین به دلیل اینکه تعدادی از داوران در راند دوم به جمع کار افزوده شدند در پایان هر دسته از مسائل (مسائل ناظر به شخص کودک، مسائل ناظر به خانواده، مسائل ناظر بر محیط آموزشی و مسائل ناظر بر جامعه) چند سطر خالی قرار داده شده تا چنانچه عنوان خاصی در رابطه با کودک از نظر دورمانده به جمعه مسائل افزوده گردد.

## اعتباریابی داده‌های راند اول

تحقیق کیفی از اصول و معیارهای متفاوت از تحقیق کمی برای ارزیابی و تعمیم نتایج تحقیق استفاده می‌کند. در این نوع تحقیق سعی می‌شود به دلیل غیر اثبات‌گرایانه آن از مفاهیم اعتبار و روایی دوری شده و از مفاهیم دیگری که ویژگی‌های تحقیق کیفی را به شیوه‌ای متفاوت مطرح و ارزیابی می‌کنند، استفاده گردد. اما در هر حال هامرسل (۱۹۹۲) روایی کیفی را چنین تعریف می‌کند:

روایی کیفی به میزانی از سازگاری اطلاق می‌شود که در آن مشاهده‌گران متفاوت یا یک مشاهده‌گر مواردی را به یک مقوله مشابه در مناسبت‌ها یا موقعیت‌های متفاوت الصاق می‌کند (هامرسل، ۱۹۹۲: ۶۷).

بنابراین در تحقیق کیفی روایی عبارت است از اطمینان‌پذیری و همسازی؛ جهت دستیابی به این هدف، محققان کیفی طیفی از تکنیک‌ها را شامل مصاحبه، مشاهده و ... برای ثبت مشاهدات خود به‌طور هماهنگ به کار می‌برند و برای تأیید کیفیت و اعتبار داده‌های کیفی به روش‌های گوناگون متوسل شده‌اند که در ادامه به دو مورد از آنها برای تأیید کیفیت داده‌های پژوهش حاضر اشاره شده است.

اعتبار اعضا اولین معیار برای تأیید اعتبار پژوهش حاضر است این اعتبار زمانی اتفاق می‌افتد که نتایج پژوهش به افراد ارائه شده و از آنها بازخورد دریافت می‌شود. در این پژوهش هیئت‌داوران همگی از متخصصان دو حوزه کودک و نوجوان به صورت عملی یا نظری و یا هر دو بوده‌اند و در این رابطه سابقه کاری مطلوبی داشته‌اند، در طی راهبرد پژوهشی برگزیده به‌طور مداوم داده‌ها به اعضای نمونه بازگردانده شده و از آنها خواسته شده است چنانچه موردی اشتباه است یا از نظر دورمانده و ... آن را یادآوری کنند و چنانچه نظر و ایده جدیدی از طرف افراد ارائه می‌شد، اگر در رابطه با ابزار پژوهش بود طی راندهای بعدی در پرسشنامه‌ها و سایر ابزارها و چنانچه در رابطه با اصل و فرایند پژوهش بود بر اساس مشورت و بررسی بیشتر اگر بجا بود در روند پژوهش اعمال شده و در غیر این صورت به‌طور منطقی دلیل کنار رفتن ایده را با ارائه‌دهنده در میان گذاشته و او را متقاعد کرده‌ایم.

به‌طور مثال اصلاح گویه‌ها و اضافه شدن گویه‌های جدید و ... به‌طور کلی ما دقیقاً در طول راندهای مختلف به‌طور مداوم نتایج هر دور را با هیئت‌داوران در میان نهاده و تأیید یا اصلاحات مقتضی را دریافت و اعمال کردیم.

زاویه بندی را هم یک روش تحقیق مستقل کیفی دیده‌اند و هم شیوه‌ای برای افزایش کیفیت تحقیقات کیفی. زاویه بندی از طرف دنزین چنین تعریف شده است:

با ترکیب کردن روش‌ها، نظریه‌ها، مشاهده‌گرها و منابع داده‌ای گوناگون، محققان می‌توانند نسبت به غلبه بر سوگیری که ناشی از مطالعات تک روشی، تک مشاهده‌گری و تک نظریه‌ای هستند امیدوار باشند (دنزین، ۱۹۸۸: ۳۴۷).

به‌طور خاص این راهبرد عبارت است از همگرایی مبتنی بر یک یافته خاص با استفاده از انواع متفاوت روش‌ها، نظریه‌ها، رویکردها، پژوهشگران و منابع اطلاعاتی (محمد پور، ۱۳۹۲: ۱۹۱). بر اساس توضیحات مذکور از دیدگاه زاویه بندی روشی، تحقیق حاضر را می‌توان معتبر ارزیابی کرد. در این نوع از زاویه بندی انطباق و سازگاری داده‌های تولیدشده با روش‌های گوناگون گردآوری داده‌ها کنترل می‌شود. در پژوهش حاضر نیز ابتدا سؤالات تحقیق در فرایند مصاحبه یا گروه متمرکز یا در پرسشنامه‌ها به صورت گفتاری یا نوشتاری دقیق و با مثال مشخص شده و توضیح داده شد. در مرحله بعد روش‌ها به صورت مکمل و بر اساس تناسب آنها با شرایط خاص جامعه و اعضای نمونه انتخاب شدند با این توضیح که در رابطه با ابزارهای پژوهشی سعی شد تا جایی که می‌توانستیم با توجه به شرایط از ابزار متفاوت و حتی مکمل استفاده کنیم مثلاً در راند اول در کنار گروه متمرکز از ابزار مصاحبه آن لاین و تلفنی و در ادامه از انواع پرسشنامه مثل آن لاین، حضوری و ... با توجه به شرایط مانند بعد مسافت، زمان خالی اعضای هیئت‌داوران و ... بهره‌مند شدیم. در طی این فرایند از مصاحبه، گروه متمرکز، درخت مشکلات، پرسشنامه با سؤالات باز و بسته و پرسشنامه با سؤالات بسته استفاده شد تا بتوانیم اطلاعات افراد را دقیق تر کسب کنیم. همچنین در این پژوهش داده‌ها چند مرتبه به وسیله اعضای مختلف تیم پژوهشی که هر یک ارزیابی شده و اصلاحات در چند مرحله با مشورت اعضا انجام گرفته است.

از طرف دیگر به لحاظ کاربردی سعی شد با افراد داور به‌نوعی ارتباط دوستانه دست‌یافته تا با اعتماد و اطمینان خاطر و بدون حساسیت داده‌ها و دانش خود را به ما عرضه کنند و برای اطمینان از صحت برداشت خود از صحبت‌های داوران طی مصاحبه‌ها و گروه متمرکز داده‌ها را طی راند بعد به آنها ارجاع داده و از آنان تقاضا شد اگر اصلاحاتی نیاز است گوش زد کنند. همچنین طی جلسه گروه متمرکز برداشت تیم تحقیق از نکاتی که گفته می‌شد بر تابلو نوشته شد و داوران با نظر خود آنها را تأیید یا نیازمند اصلاح ارزیابی کرده و با نظر آنها نکات منظور اصلاح می‌شد.

## ۲- گزارش راند دوم

پس از ارسال پرسشنامه برای داور مدت دو هفته به داوران فرصت داده شد تا پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده و ارجاع دهند. بعد از پایان زمان مشخص شده جهت تکمیل و ارسال پرسشنامه‌ها تعداد ۳۷ پرسشنامه برای کودکان جمع‌آوری گردید.

در ابتدای مرحله دوم دلفی روایی پرسشنامه‌ی کودک محاسبه شد که در جدول ۳ گزارش آن آمده است و پیش از تأیید روایی و اعتبار پرسشنامه به ادامه کار پرداختیم.



جدول شماره ۳: روایی پرسشنامه کودک در راند اول پرسشنامه ای

تعداد کل ایتیم ها	مقدار الفای کرونباخ	
۳۶۳	.۹۸۰	کودک

در مرحله بعد ابتدا به منظور تعیین رتبه هر معیار برای ادامه بررسی ها، میانگین مجموع نمراتی که به پرسشنامه ها داده شده بود، محاسبه گردید. سپس به منظور حذف مسائل بااهمیت کمتر، میانگین همه نمرات میانگین به دست آمده برای کودکان (۳,۶۸) به عنوان نقطه برش نمرات مربوط به معیارها استفاده گردید، بر اساس این دو میانگین در رابطه با ملاک های در نظر گرفته شده برای کودک اولویت اول قابلیت تغییر و اصلاح مسئله با نمره (۳,۸۰)، اولویت دوم فراگیری و شیوع مسئله در جامعه (۳,۸۹) بوده است و ملاک سوم یعنی شدت آسیب رسانی مسئله که موجب درگیری اذهان عمومی می شود هم به دلیل اینکه میانگین کمتر از میانگین کل پرسشنامه را دریافت کرده در رتبه سوم قرار دارد (جدول ۴).

جدول ۴: میانگین پرسشنامه و ملاک های کودک

میانگین با توجه به معیار سوم	میانگین با توجه به معیار دوم	میانگین با توجه به معیار اول	میانگین کل	کودک
۳۸۰۲۹	۳۶۶۱۹	۳۶۹۶۱	۳۶۸۵۱	کودک

و اما در هنگام بررسی اولویت گویه ها در این مرحله با توجه به میانگین کل پرسشنامه کودک از میان ۱۲۱ مسئله کودک تعداد (۵۵) مورد حذف گردید و مسائل با نمره بالاتر از نقطه برش به عنوان مسائل دارای اهمیت بیشتر انتخاب و وارد پرسشنامه مرحله سوم دلفی شدند.

در فایلی که در ضمیمه ارائه می شود میانگین نمرات هر گویه بر اساس هر یک از ملاک ها و همچنین میانگین نمره هر گویه بر اساس نمره کل سه ملاک خواهد آمد و در ادامه نمره کل هر یک از گویه ها را مشاهده می کنید. همان طور که در جدول مشخص است گویه هایی که برای راند سوم استفاده گردیده اند، بلد شده و معین گردیده اند اما نکته این است که برخی از گویه ها از منظر ادبیات اندکی تغییر یافته یا تلخیص شده اند و برخی از آن ها نیز در هم ادغام گردیده اند که این امر به واسطه مشورت با افراد اهل فن انجام شده است.

جدول ۵: نمره کل هر یک از گویه های پرسشنامه راند دوم کودک

ردیف	گویه	نمره کل
۱	کودک اشتغال ذهنی زیادی به کلمات جنسی پیدا کرده است.	۳
۲	کودک نسبت به اندام ها و فعالیت های جنسی زیاد فکر می کند.	۳
۳	کودک تمایل به انجام بازی های همراه با لمس یا رفتار جنسی با دیگر کودکان دارد.	۲,۸۹

۳,۴۱	کودک به واسطه برخی شرایط فیزیکی یا محیطی در سنین پایین تر علائمی از بلوغ را بروز می دهند.	۴
۳,۶۹	مهارت حل مسئله در کودک ضعیف است .	۵
۳,۴۴	کودک از مسائل ویژه خود ناآگاه است.	۶
۳,۴۷	مهارت استدلال ورزی و تحلیل و تفکر نقادانه در کودک ضعیف است.	۷
۳,۲۰	کودک مطالبه گر نیست .	۸
۳,۳۲	کودک در انتخاب محتوا و یادگیری آموزشها منفعل است.	۹
۳,۴۷	کودک دلیل و فایده آموزشهایی که می بیند نمی داند.	۱۰
۳,۲۰	کودک از خلاقیت پایین رنج می برد.	۱۱
۳,۲۲	کودک نمی تواند آنچه را که آموخته است عملیاتی کند.	۱۲
۳,۷۳	کودک تمایلی به انجام بازیهای جمعی نداشته در عوض بازیهای رایانه ای و فردی را ترجیح می دهند.	۱۳
۳,۲۷	کودک شهامت اقدام و جسارت کسب تجربه و جبران اشتباه را ندارد.	۱۴
۳,۶۴	کودک از بی ثباتی شخصیتی والدین رنج می برد.	۱۵
۳,۶۶	کودک در مهارت های ارتباطی ضعیف است.	۱۶
۳,۷۱	تاب آوری پایین و قدرت تحمل ضعیف از مسائل کودک است.	۱۷
۴,۲	در کودک ظرفیت همدلی و درک متقابل به شدت کم شده است.	۱۸
۳,۹۸	کودک دچار وابستگی به فضای مجازی و موبایل است.	۱۹
۳,۵۶	کودک پیش از آشنایی با فضای واقعی با فضای مجازی آشنا می شود.	۲۰
۳,۶۳	کودک در برابر رسانه منفعل است.	۲۱
۳,۷۵	برنامه هایی که امروز کودکان در رسانه ها مشاهده می کنند تناسب سن و روحی با آنها ندارد.	۲۲
۴,۱	کودک نیاز به تعامل صمیمانه و آرام دارد.	۲۳
۴	کودک یا در خانه تنها می ماند یا با افرادی غیر از والدین است در نتیجه دچار چندگانگی تربیتی است.	۲۴
۳,۶	در کودک دل بستگی ایمن شکل نمی گیرد.	۲۵

۳,۱	کودک از افسردگی رنج می‌برد.	۲۶
۳,۵۷	اختلالات اضطرابی مثل اضطراب جدایی در کودک پررنگ است.	۲۷
۳,۳۳	کودک از شناختن الگوهای دینی یا دیدن یا شناختن انسان‌های بزرگ و دستاوردهای آن‌ها که می‌تواند روش مؤثری در همزاد پنداری و الگو یابی مثبت باشد محروم است.	۲۸
۳,۶۸	انواع استرس مثل استرس تحصیلی و ترس از اجتماع کودک را آزرده کرده است.	۲۹
۳,۸۴	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است.	۳۰
۳,۷۴	در کودک تعهد و مسئولیت‌پذیری ضعیف شده است.	۳۱
۳,۶۶	اعتماد به نفس و عزت نفس کودک ضعیف است.	۳۲
۳,۰۶	کودک در گروه‌های دوستی با عدم پذیرش مواجه می‌شود.	۳۳
۳,۶۳	کودک در انجام مسائل شخصی خود احساس ناتوانی دارد و بجای ایستادن بر روی پای خود از دیگران انتظار بیجا داشته و متوقع است.	۳۴
۳,۳۸	افت تحصیلی از جمله مسائل کودک است.	۳۵
۴,۲	کودک نیاز دارد انفاق، سخاوت، گذشت و ایثار را بیاموزد.	۳۶
۳,۸۳	کودک مفهوم صبر را در زندگی نیاموخته است.	۳۷
۳,۹۰	کودک از مفهوم قناعت دور است.	۳۸
۳,۸۰	کودک کمتر به اصول اخلاقی مانند احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها یا حفظ متانت و ادب در صحبت کردن پایبند است.	۳۹
۳,۸۶	کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است.	۴۰
۳,۴۵	ارتباط کودک با محیط‌زیست کم است در نتیجه توان درک زیست کره زمین را ندارد.	۴۱
۳,۵۰	تک فرزندی از جمله مسائل کودک است.	۴۲
۳,۹۴	ارتباط کودک با همسالانش محدود شده است.	۴۳
۳,۹۱	کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.	۴۴
۳,۲۴	کودک ناامید و بی‌انگیزه است.	۴۵
۳,۶۵	کودک تنبل و منفعل است.	۴۶
۳,۴۵	کودک از نقص توجه (بیش‌فعالی و مشکل تمرکز) رنج می‌برد.	۴۷

۳,۶۹	باورهای ملی، مذهبی و اعتقادات در کودک ضعیف شده است و هویت ملی مذهبی او ضعیف شده است.	۴۸
۳,۴۵	کودک در جامعه با شبهاتی مواجه می شود که توان پاسخ به آن ها را ندارد.	۴۹
۳,۳۶	کودک دچار چاقی یا لاغری مفرط هستند.	۵۰
۴	کودک بی تحرک هستند.	۵۱
۳,۸۲	کودک برای مطالعه اهمیت کمی قائل است و زمان کمی را به آن اختصاص می دهد.	۵۲
۳,۴۸	کودک کار و بد سرپرست دچار بزه کاری هستند.	۵۳
۳,۴۲	کودک کار و بد سرپرست مواد مخدر می فروشند.	۵۴
۴	به کودک کار و مشکلات آن ها توجه جدی نمی شود.	۵۵
۳,۸۱	کودک به ویژه کودک کار یا بد سرپرست در معرض سوءاستفاده جنسی هستند.	۵۶
۳,۶۴	کودک کار یا ناتوان از برخورد اطرافیان احساس ناخوشایندی چون ترحم را تجربه می کنند.	۵۷
۳,۸۴	کودک امروز هوش ویژه ای دارد.	۵۸
۳,۰۹	کودک امروز احساس نارضایتی در خانواده اش (فامیل یا خانواده گسترده منظور است) دارد.	۵۹
۳,۷۴	به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی شود و کودک برای نقش های آینده پرورش داده نمی شود.	۶۰
۳,۸۱	مدیران جامعه نسبت به تدوین برنامه های سرگرمی - آموزشی پربار و مناسب سن کودک بی توجه هستند.	۶۱
۴	به محتوا سازی مناسب برای کودک در فضای مجازی بی توجهی می شود.	۶۲
۳,۸۸	متولیان تربیتی در جامعه متعدد بوده و متناقض عمل می کنند.	۶۳
۳,۷۷	سند متنی بر مهارت آموزی در جامعه وجود ندارد.	۶۴
۳,۴۸	اختلالات ژنتیکی کودک در جامعه به موقع شناسایی نمی شوند.	۶۵
۴	آپارتمان نشینی فضای جست و خیز و بازی کافی را از کودک سلب کرده است و محیط مناسبی هم برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.	۶۶
۳,۹۳	شهرنشینی و آپارتمان نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است.	۶۷

۳,۸۲	در جامعه و نهادهای مدیریتی، برنامه‌ریزی‌ها در راستای مدیریت آموزشی و تربیتی کودک غیراصولی بوده و عملیاتی نمی‌شوند.	۶۸
۳,۲۲	نگاه جنسیتی به کودک از سوی بزرگسالان وجود دارد.	۶۹
۳,۸۲	رسانه‌ها باید در مورد هویت ملی کودک کار کنند.	۷۰
۳,۶۴	رسانه باید بر ارزش بودن هویت خانوادگی (فامیل یا خانواده گسترده) تاکید کند.	۷۱
۲,۶۶	تاکید رسانه بر ارزش بودن هویت خانوادگی (فامیل یا خانواده گسترده) باعث ایجاد تنش و عدم اعتماد به نفس در کودک می‌شود.	۷۲
۳,۴۵	جامعه و خانواده برنامه‌ای پیگیر برای تقویت باورهای دینی و اعتقادات کودک ندارند.	۷۳
۳,۸۸	خانواده و جامعه به کودک فرصت اشتباه کردن نمی‌دهند.	۷۴
۳,۷۰	جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیاز سازی می‌کنند و به جای توجه به امیال کودک و نیازهای او به خواسته‌ها و تمایلات خود توجه و جامه عمل می‌پوشانند.	۷۵
۳,۶۵	جامعه و خانواده کودک را با دید منفی و با عینک بدبینی به عنوان فردی ناتوان می‌بینند و به اندازه توانمندی‌های وی به او مسئولیت نمی‌دهند.	۷۶
۳,۷۴	در جامعه و خانواده حق کودک کی کردن و زندگی متناسب با سن کودک از او گرفته شده است.	۷۷
۳,۷۰	فطرت و غرایز کودک در جامعه و خانواده نادیده گرفته می‌شود.	۷۸
۳,۹۱	امروزه خانواده‌ها فکر می‌کنند که فرزندان‌شان بسیار باهوش هستند.	۷۹
۳,۶۰	شکاف نسلی والدین با کودک در جامعه امروزی عمیق تر و گسترده تر شده است.	۸۰
۳,۷۲	محیط خانواده یک محیط آرام امن و بدون تنش نیست و والدین مشکلات و بحث‌های خود را در مقابل کودک بروز می‌دهند در نتیجه محیط زندگی کودک استرس زا و پر تنش است.	۸۱
۳,۸۷	خانواده به کودک اجازه رویارویی با مشکلات عادی روزمره را نمی‌دهند.	۸۲
۳,۲۷	در خانواده کودک مورد آزار و اذیت روانی قرار می‌گیرد.	۸۳
۳,۶۵	جایگاه مادر به معلم بدل شده است.	۸۴
۳,۸۷	والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند.	۸۵
۳,۸۶	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی و گذشته خود استفاده می‌کنند.	۸۶
۴	درگیری‌های رفتاری فیزیکی والدین و نهایتاً طلاق آن‌ها موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی در کودک شده است.	۸۷

۴	جدایی والدین زمینه‌های اضطراب را در کودکان تشدید کرده است.	۸۸
۳,۶۹	حساسیت‌های رفتاری مثل سوء ظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق پررنگ تر است .	۸۹
۴	پدر در خانواده در امر تربیت کودک و تعامل با او نقش کم رنگی دارد.	۹۰
۳,۷۴	سبک تربیت و آموزشی موردنظر پدر و مادر باهم تداخل و تعارض داشته و آن‌ها در پیگیری یک سبک و روش تربیتی واحد تفاهم ندارند.	۹۱
۴	خانواده در سن کودکی برای کودک تب لت یا موبایل تهیه می‌کنند.	۹۲
۳,۹	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل اوست.	۹۳
۳,۸۳	در خانواده در رابطه با مسائل کودک با خود او صحبت نمی‌شود و والدین با کودک در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با وی مشارکت و مشورت ندارند.	۹۴
۳,۶۲	بزرگسالان کودک را مقایسه و تحقیر می‌کنند، برای او رقیب تراشی و شخصیت او را نفی می‌کنند.	۹۵
۳,۷۴	کودک سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده و کودک را به سمت دیکتاتور شدن برده است.	۹۶
۳,۱	در خانواده علیه کودک خشونت فیزیکی صورت می‌گیرد.	۹۷
۳,۸	خانواده‌ها از نظر اقتصادی و وضعیت معیشتی در وضعیتی نامطلوبی قرار دارند.	۹۸
۳,۸۶	والدین نه تنها توان پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند حتی در این رابطه به مشاور هم رجوع نمی‌کنند .	۹۹
۴	خانواده‌ها در پرورش و آموزش مفهوم خود مراقبتی و مهارت نه گفتن به کودک ضعیف عمل می‌کنند.	۱۰۰
۴,۶۸	والدین به موبایل و فضای مجازی اعتیاد داشته و زمان زیادی از این راه خود را از کودک دریغ می‌کنند.	۱۰۱
۴	سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است.	۱۰۲
۳,۹۰	خانواده‌ها بر استفاده کودک از رسانه نظارتی ندارند.	۱۰۳
۳,۵۶	اولیا هر دو شاغل هستند.	۱۰۴
۳,۹	شاغل بودن والدین موجب تعدد متولیان (مادر بزرگ، مربی و...) تربیت شده است.	۱۰۵
۴	والدین در مهارت‌های فرزند پروری ضعیف هستند.	۱۰۶

۳,۸۱	والدین از پرورش مهارت‌های اجتماعی هیجانی در کودک و نیازهای مرتبط با این مهارت‌ها در او غافل هستند.	۱۰۷
۳,۵۶	در خانه و مدرسه کنجکاوی کودک سرکوب می‌شود.	۱۰۸
۳,۸	در مدارس مدیریت آموزش ضعیف است.	۱۰۹
۳,۷۹	در مدارس محتوای آموزشی برای کودک قدیمی، غیر جذاب و غیر کاربردی است.	۱۱۰
۳,۶۶	مربیان در نحوه تعامل و ارتباط با کودک و روش‌های آن ضعیف و ناآگاه هستند.	۱۱۱
۳,۶۱	اطلاعات مربیان به‌روز نیست.	۱۱۲
۳,۸۸	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.	۱۱۳
۳,۵۷	محتوای آموزشی با سن، نیازها و تمایلات کودک تناسبی ندارد.	۱۱۴
۳,۵۵	وجود انواعی از مدارس مثل مدارس مبتنی بر روش‌های شناختی، مدارس غیردولتی و انواع دولتی و ... باعث سردرگمی دانش‌آموزان و والدین می‌شود.	۱۱۵
۳,۶۸	استعدادهای و ویژگی‌های مثبت کودک در خانه و مدرسه به کار گرفته نمی‌شود.	۱۱۶
۴,۱۰	نظام تربیتی مدارس ضعیف است.	۱۱۷
۳,۸۵	در مدارس سنجش همه افراد و مناطق یکسان صورت می‌گیرد.	۱۱۸
۳,۶۹	کودک در نهادهای آموزشی همچون شی دیده‌شده و امور به او تحمیل می‌شوند.	۱۱۹
۳,۷۴	در مدارس و نهادهای آموزشی فضای رقابتی منفی حاکم است.	۱۲۰
۳,۸۷	فعالیت و کار کودک بر اساس توجه دیگران ارزش‌گذاری می‌شود نه بر اساس تلاش و کیفیت انجام کار توسط او.	۱۲۱

جدول ۶: اولویت‌بندی گویه‌های برگزیده برای راند سوم (کودک)

ردیف	گویه	نمره کل
۱	والدین به موبایل و فضای مجازی اعتیاد داشته و زمان زیادی از این راه خود را از کودک دریغ می‌کنند.	۴,۶۸
۲	در کودک ظرفیت همدلی و درک متقابل به‌شدت کم شده است.	۴,۲
۳	کودک نیاز دارد انفاق، سخاوت، گذشت و ایثار را بیاموزد.	۴,۲
۴	کودک نیاز به تعامل صمیمانه و آرام دارد.	۴,۱

۴,۱۰	نظام تربیتی مدارس ضعیف است.	۵
۴	کودک یا در خانه تنها می ماند یا با افرادی غیر از والدین است در نتیجه دچار چندگانگی تربیتی است.	۶
۴	کودک بی تحرک هستند.	۷
۴	به کودک کار و مشکلات آن ها توجه جدی نمی شود.	۸
۴	به محتوا سازی مناسب برای کودک در فضای مجازی بی توجهی می شود.	۹
۴	آپارتمان نشینی فضای جست و خیز و بازی کافی را از کودک سلب کرده است و محیط مناسبی هم برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.	۱۰
۴	درگیری های رفتاری فیزیکی والدین و نهایتاً طلاق آن ها موجب آسیب های روحی مانند افسردگی در کودک شده است.	۱۱
۴	جدایی والدین زمینه های اضطراب را در کودکان تشدید کرده است.	۱۲
۴	پدر در خانواده در امر تربیت کودک و تعامل با او نقش کم رنگی دارد.	۱۳
۴	خانواده در سن کودکی برای کودک تب لت یا موبایل تهیه می کنند.	۱۴
۴	خانواده ها در پرورش و آموزش مفهوم خود مراقبتی و مهارت نه گفتن به کودک ضعیف عمل می کنند.	۱۵
۴	سواد رسانه ای در خانواده ها پایین است.	۱۶
۴	والدین در مهارت های فرزند پروری ضعیف هستند.	۱۷
۳,۹۸	کودک دچار وابستگی به فضای مجازی و موبایل است.	۱۸
۳,۹۴	ارتباط کودک با همسالانش محدود شده است.	۱۹
۳,۹۳	شهرنشینی و آپارتمان نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است.	۲۰
۳,۹۱	کودک به وسیله رسانه ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.	۲۱
۳,۹۱	امروزه خانواده ها فکر می کنند که فرزندانشان بسیار باهوش هستند.	۲۲
۳,۹۰	کودک از مفهوم قناعت دور است.	۲۳
۳,۹	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل اوست.	۲۴
۳,۹۰	خانواده ها بر استفاده کودک از رسانه نظارتی ندارند.	۲۵
۳,۹	شاغل بودن والدین موجب تعدد متولیان (مادر بزرگ، مربی و...) تربیت شده است.	۲۶
۳,۸۸	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی شود.	۲۷



۳,۸۸	متولیان تربیتی در جامعه متعدد بوده و متناقض عمل می‌کنند.	۲۸
۳,۸۸	خانواده و جامعه به کودک فرصت اشتباه کردن نمی‌دهند.	۲۹
۳,۸۴	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است.	۳۰
۳,۸۷	فعالیت و کار کودک بر اساس توجه دیگران ارزش‌گذاری می‌شود نه بر اساس تلاش و کیفیت انجام کار توسط او.	۳۱
۳,۸۷	خانواده به کودک اجازه رویارویی با مشکلات عادی روزمره را نمی‌دهند.	۳۲
۳,۸۷	والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند.	۳۳
۳,۸۶	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی و گذشته خود استفاده می‌کنند.	۳۴
۳,۸۶	کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است.	۳۵
۳,۸۶	والدین نه تنها توان پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند حتی در این رابطه به مشاور هم رجوع نمی‌کنند.	۳۶
۳,۸۵	در مدارس سنجش همه افراد و مناطق یکسان صورت می‌گیرد.	۳۷
۳,۸۴	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است.	۳۸
۳,۸۴	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است.	۳۹
۳,۸۳	در خانواده در رابطه با مسائل کودک با خود او صحبت نمی‌شود و والدین با کودک در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با وی مشارکت و مشورت ندارند.	۴۰
۳,۸۳	کودک مفهوم صبر را در زندگی نیاموخته است.	۴۱
۳,۸۲	در جامعه و نهادهای مدیریتی، برنامه‌ریزی‌ها در راستای مدیریت آموزشی و تربیتی کودک غیراصولی بوده و عملیاتی نمی‌شوند.	۴۲
۳,۸۲	کودک برای مطالعه اهمیت کمی قائل است و زمان کمی را به آن اختصاص می‌دهد.	۴۳
۳,۸۲	رسانه‌ها باید در مورد هویت ملی کودک کار کنند.	۴۴
۳,۸۱	کودک به ویژه کودک کار یا بد سرپرست در معرض سوءاستفاده جنسی هستند.	۴۵
۳,۸۱	مدیران جامعه نسبت به تدوین برنامه‌های سرگرمی-آموزشی پربار و مناسب سن کودک بی‌توجه هستند.	۴۶
۳,۸۱	والدین از پرورش مهارت‌های اجتماعی هیجانی در کودک و نیازهای مرتبط با این مهارت‌ها در او غافل هستند.	۴۷
۳,۸	خانواده‌ها از نظر اقتصادی و وضعیت معیشتی در وضعیتی نامطلوبی قرار دارند.	۴۸

۳,۸۰	کودک کمتر به اصول اخلاقی مانند احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها یا حفظ متانت و ادب در صحبت کردن پایبند است.	۴۹
۳,۸	در مدارس مدیریت آموزش ضعیف است.	۵۰
۳,۷۹	در مدارس محتوای آموزشی برای کودک قدیمی، غیر جذاب و غیر کاربردی است.	۵۱
۳,۷۷	سند متنی بر مهارت‌آموزی در جامعه وجود ندارد.	۵۲
۳,۷۵	برنامه‌هایی که امروز کودکان در رسانه‌ها مشاهده می‌کنند تناسب سن و روحی با آن‌ها ندارد.	۵۳
۳,۷۴	در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن کودک از او گرفته شده است.	۵۴
۳,۷۴	سبک تربیت و آموزشی موردنظر پدر و مادر باهم تداخل و تعارض داشته و آن‌ها در پیگیری یک سبک و روش تربیتی واحد تفاهم ندارند.	۵۵
۳,۷۴	کودک سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده و کودک را به سمت دیکتاتور شدن برده است.	۵۶
۳,۷۴	در مدارس و نهادهای آموزشی فضای رقابتی منفی حاکم است.	۵۷
۳,۷۴	در کودک تعهد و مسئولیت‌پذیری ضعیف شده است.	۵۸
۳,۷۴	به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود و کودک برای نقش‌های آینده پرورش داده نمی‌شود.	۵۹
۳,۷۳	کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی نداشته در عوض بازی‌های رایانه‌ای و فردی را ترجیح می‌دهند.	۶۰
۳,۷۲	محیط خانواده یک محیط آرام امن و بدون تنش نیست و والدین مشکلات و بحث‌های خود را در مقابل کودک بروز می‌دهند در نتیجه محیط زندگی کودک استرس زا و پر تنش است.	۶۱
۳,۷۱	تاب آوری پایین و قدرت تحمل ضعیف از مسائل کودک است.	۶۲
۳,۷۰	جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیاز سازی می‌کنند و به جای توجه به امیال کودک و نیازهای او به خواسته‌ها و تمایلات خود توجه و جامه عمل می‌پوشانند.	۶۳
۳,۷۰	فطرت و غرایز کودک در جامعه و خانواده نادیده گرفته می‌شود.	۶۴
۳,۶۹	مهارت حل مسئله در کودک ضعیف است.	۶۵
۳,۶۹	باورهای ملی، مذهبی و اعتقادات در کودک ضعیف شده است و هویت ملی مذهبی او ضعیف شده است.	۶۶
۳,۶۹	حساسیت‌های رفتاری مثل سوء ظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق پررنگ تر است.	۶۷
۳,۶۹	کودک در نهادهای آموزشی همچون شی دیده شده و امور به او تحمیل می‌شوند.	۶۸
۳,۶۸	انواع استرس مثل تنش تحصیلی و ترس از اجتماع کودک را آزرده کرده است.	۶۹

۳,۶۸	استعدادها و ویژگی‌های مثبت کودک در خانه و مدرسه به کار گرفته نمی‌شود.	۷۰
------	---	----

جدول ۷: گویه‌هایی که بر اساس هر یک از ملاک‌ها نمره‌ای بالاتر از میانگین کسب کرده‌اند (کودک).					
ملاک		ملاک	گویه	ملاک	گویه
اصلاح		شدت		فراگیری	
۳,۹ ۴	مهارت حل مسئله در کودک ضعیف است.	۳,۷۴	کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی نداشته در عوض بازی‌های رایانه‌ای و فردی را ترجیح می‌دهند.	۳,۷۴	کودک دلیل و فایده آموزش‌هایی که می‌بیند نمی‌داند.
۳,۸ ۹	مهارت استدلال ورزی و تحلیل و تفکر نقادانه در کودک ضعیف است.	۳,۸۳	کودک دچار وابستگی به فضای مجازی و موبایل است.	۳,۶۹	کودک از بی‌ثباتی شخصیتی والدین رنج می‌برد.
۳,۸ ۳	کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی نداشته در عوض بازی‌های رایانه‌ای و فردی را ترجیح می‌دهند.	۳,۷۴	کودک نیاز به تعامل صمیمانه و آرام دارد.	۳,۸۰	تاب آوری پایین و قدرت تحمل ضعیف از مسائل کودک است.
۳,۸ ۳	کودک از بی‌ثباتی شخصیتی والدین رنج می‌برد.	۴,۶۰	کودک یا در خانه تنها می‌ماند یا با افرادی غیر از والدین است در نتیجه دچار چندگانگی تربیتی است.	۴,۳۴	کودک دچار وابستگی به فضای مجازی و موبایل است.
۴,۰ ۳	کودک در مهارت‌های ارتباطی ضعیف است.	۳,۷۱	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است.	۳,۸۳	کودک در برابر رسانه منفعل است.
۳,۹ ۱	تاب آوری پایین و قدرت تحمل ضعیف از مسائل کودک است.	۳,۶۶	در کودک تعهد و مسئولیت‌پذیری ضعیف شده است.	۳,۹۱	برنامه‌هایی که امروز کودکان در رسانه‌ها مشاهده می‌کنند تناسب سن و روحی با آن‌ها ندارد.
۴,۸ ۹	در کودک ظرفیت همدلی و درک متقابل به شدت کم شده است.	۴,۶۳	کودک نیاز دارد انفاق، سخاوت، گذشت و ایثار را بیاموزد.	۴,۴۳	کودک نیاز به تعامل صمیمانه و آرام دارد.
۴,۱ ۴	کودک نیاز به تعامل صمیمانه و آرام دارد.	۳,۷۱	کودک مفهوم صبر را در زندگی نیاموخته است.	۳,۶۹	کودک یا در خانه تنها می‌ماند یا با افرادی غیر از والدین است در نتیجه دچار چندگانگی تربیتی است.

### مسائل اولویت دار کودک

۳,۹ ۱	در کودک دل بستگی ایمن شکل نمی گیرد.	۳,۷۱	کودک از مفهوم قناعت دور است.	۳,۹۴	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است.
۳,۸ ۹	اختلالات اضطرابی مثل اضطراب جدایی در کودک پررنگ است.	۳,۶۹	کودک کمتر به اصول اخلاقی مانند احترام گذاشتن به بزرگ ترها یا حفظ متانت و ادب در صحبت کردن پایبند است.	۳,۷۴	در کودک تعهد و مسئولیت پذیری ضعیف شده است.
۴,۰ ۶	انواع استرس مثل استرس تحصیلی و ترس از اجتماع کودک را آزرده کرده است.	۳,۷۷	کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است.	۳,۸۰	کودک در انجام مسائل شخصی خود احساس ناتوانی دارد و بجای ایستادن بر روی پای خود از دیگران انتظار بیجا داشته و متوقع است.
۳,۸ ۹	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است.	۳,۷۱	ارتباط کودک با همسالانش محدود شده است.	۴	کودک نیاز دارد انفاق، سخاوت، گذشت و ایثار را بیاموزد.
۳,۸ ۳	در کودک تعهد و مسئولیت پذیری ضعیف شده است.	۳,۸۹	کودک به وسیله رسانه ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.	۳,۸۹	کودک مفهوم صبر را در زندگی نیاموخته است.
۴,۰ ۳	اعتماد به نفس و عزت نفس کودک ضعیف است.	۳,۸۶	باورهای ملی، مذهبی و اعتقادات در کودک ضعیف شده است و هویت ملی مذهبی او ضعیف شده است.	۳,۸۹	کودک از مفهوم قناعت دور است.
۳,۹ ۷	کودک نیاز دارد انفاق، سخاوت، گذشت و ایثار را بیاموزد.	۳,۸۶	کودک بی تحرک هستند.	۳,۸۹	کودک کمتر به اصول اخلاقی مانند احترام گذاشتن به بزرگ ترها یا حفظ متانت و ادب در صحبت کردن پایبند است.
۳,۹ ۱	کودک مفهوم صبر را در زندگی نیاموخته است.	۳,۶۹	کودک کار و بد سرپرست مواد مخدر می فروشند.	۳,۹۴	کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است.
۴,۱ ۱	کودک از مفهوم قناعت دور است.	۴	به کودک کار و مشکلات آن ها توجه جدی نمی شود.	۴	تک فرزندی از جمله مسائل کودک است.

### مسائل اولویت دار کودک

۳,۸ ۶	کودک کمتر به اصول اخلاقی مانند احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها یا حفظ متانت و ادب در صحبت کردن پایبند است.	۳,۷۱	کودک به ویژه کودک کار یا بد سرپرست در معرض سوءاستفاده جنسی هستند.	۴	ارتباط کودک با همسالانش محدود شده است.
۳,۸ ۹	کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است.	۳,۶۹	مدیران جامعه نسبت به تدوین برنامه‌های سرگرمی-آموزشی پر بار و مناسب سن کودک بی‌توجه هستند.	۴,۰۹	کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.
۴,۱ ۱	ارتباط کودک با همسالانش محدود شده است.	۳,۸۶	به محتوا سازی مناسب برای کودک در فضای مجازی بی‌توجهی می‌شود.	۳,۶۹	کودک تنبل و منفعل است.
۴,۰ ۹	کودک بی‌تحرک هستند.	۳,۸۳	متولیان تربیتی در جامعه متعدد بوده و متناقض عمل می‌کنند.	۴,۲۹	کودک بی‌تحرک هستند.
۴,۰ ۹	کودک برای مطالعه اهمیت کمی قائل است و زمان کمی را به آن اختصاص می‌دهد.	۳,۷۴	سند متنی بر مهارت‌آموزی در جامعه وجود ندارد.	۳,۷۷	کودک برای مطالعه اهمیت کمی قائل است و زمان کمی را به آن اختصاص می‌دهد.
۳,۸ ۳	کودک کار و بد سرپرست دچار بزه‌کاری هستند.	۴,۲۶	آپارتمان‌نشینی فضای جست و خیز و بازی کافی را از کودک سلب کرده است و محیط مناسبی هم برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.	۳,۹۷	به کودک کار و مشکلات آن‌ها توجه جدی نمی‌شود.
۴,۲ ۰	به کودک کار و مشکلات آن‌ها توجه جدی نمی‌شود.	۳,۸۳	شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است.	۳,۸۰	به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود و کودک برای نقش‌های آینده پرورش داده نمی‌شود.
۴,۰ ۹	کودک به ویژه کودک کار یا بد سرپرست در معرض سوءاستفاده جنسی هستند.	۳,۶۹	رسانه‌ها باید در مورد هویت ملی کودک کار کنند.	۴,۰۹	مدیران جامعه نسبت به تدوین برنامه‌های سرگرمی-آموزشی پر بار و مناسب سن کودک بی‌توجه هستند.

### مسائل اولویت دار کودک

۴,۰ ۳	به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود و کودک برای نقش‌های آینده پرورش داده نمی‌شود.	۳,۶۹	خانواده و جامعه به کودک فرصت اشتباه کردن نمی‌دهند.	۴,۳۴	به محتوا سازی مناسب برای کودک در فضای مجازی بی توجهی می‌شود.
۴	به محتوا سازی مناسب برای کودک در فضای مجازی بی توجهی می‌شود.	۳,۸۶	امروزه خانواده‌ها فکر می‌کنند که فرزندانشان بسیار باهوش هستند.	۴,۱۴	متولیان تربیتی در جامعه متعدد بوده و متناقض عمل می‌کنند.
۳,۹ ۴	خانواده و جامعه به کودک فرصت اشتباه کردن نمی‌دهند.	۳,۶۶	محیط خانواده یک محیط آرام امن و بدون تنش نیست و والدین مشکلات و بحث‌های خود را در مقابل کودک بروز می‌دهند در نتیجه محیط زندگی کودک استرس زا و پر تنش است.	۳,۸۶	سند متنی بر مهارت‌آموزی در جامعه وجود ندارد.
۳,۸ ۹	جامعه و خانواده کودک را با دید منفی و با عینک بدبینی به عنوان فردی ناتوان می‌بینند و به اندازه توانمندی‌های وی به او مسئولیت نمی‌دهند.	۳,۸۳	خانواده به کودک اجازه رویارویی با مشکلات عادی روزمره را نمی‌دهند.	۴,۴۰	آپارتمان‌نشینی فضای جست و خیز و بازی کافی را از کودک سلب کرده است و محیط مناسبی هم برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.
۳,۸ ۰	در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن کودک از او گرفته شده است.	۴	والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند.	۴,۳۴	شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است.
۳,۸ ۰	خانواده به کودک اجازه رویارویی با مشکلات عادی روزمره را نمی‌دهند.	۳,۷۷	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی و گذشته خود استفاده می‌کنند.	۴,۰۹	در جامعه و نهادهای مدیریتی، برنامه‌ریزی‌ها در راستای مدیریت آموزشی و تربیتی کودک غیراصولی بوده و عملیاتی نمی‌شوند.
۴,۰ ۶	والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند.	۴,۲۰	درگیری‌های رفتاری فیزیکی والدین و نهایتاً طلاق آن‌ها موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی در کودک شده است.	۴,۰۳	رسانه‌ها باید در مورد هویت ملی کودک کار کنند.

### مسائل اولویت دار کودک

۴	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی و گذشته خود استفاده می کنند.	۳,۹۷	جدایی والدین زمینه های اضطراب را در کودکان تشدید کرده است.	۳,۸۶	رسانه باید بر ارزش بودن هویت خانوادگی (فامیل یا خانواده گسترده) تاکید کند.
۴,۰ ۳	جدایی والدین زمینه های اضطراب را در کودکان تشدید کرده است.	۳,۸۳	حساسیت های رفتاری مثل سوء ظن و حسادت در کودکان خانواده های طلاق پررنگ تر است .	۴,۰۳	خانواده و جامعه به کودک فرصت اشتباه کردن نمی دهند.
۳,۹ ۱	پدر در خانواده در امر تربیت کودک و تعامل با او نقش کم رنگی دارد.	۴,۰۳	پدر در خانواده در امر تربیت کودک و تعامل با او نقش کم رنگی دارد.	۴,۷۴	جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیاز سازی می کنند و به جای توجه به امیال کودک و نیازهای او به خواسته ها و تمایلات خود توجه و جامه عمل می پوشانند.
۳,۸ ۰	سبک تربیت و آموزشی موردنظر پدر و مادر باهم تداخل و تعارض داشته و آنها در پیگیری یک سبک و روش تربیتی واحد تفاهم ندارند.	۳,۸۰	سبک تربیت و آموزشی موردنظر پدر و مادر باهم تداخل و تعارض داشته و آنها در پیگیری یک سبک و روش تربیتی واحد تفاهم ندارند.	۳,۶۹	جامعه و خانواده کودک را با دید منفی و با عینک بدبینی به عنوان فردی ناتوان می بینند و به اندازه توانمندی های وی به او مسئولیت نمی دهند.
۳,۸ ۶	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل اوست.	۴,۲۰	خانواده در سن کودکی برای کودک تب لت یا موبایل تهیه می کنند.	۳,۹۴	در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن کودک از او گرفته شده است.
۳,۹ ۱	در خانواده در رابطه با مسائل کودک با خود او صحبت نمی شود و والدین با کودک در تصمیم گیری های مرتبط با وی مشارکت و مشورت ندارند.	۳,۹۱	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل اوست.	۳,۸۶	فطرت و غرایز کودک در جامعه و خانواده نادیده گرفته می شود .
۳,۸ ۶	بزرگ سالان کودک را مقایسه و تحقیر می کنند، برای او رقیب تراشی و شخصیت او را نفی می کنند.	۳,۷۱	در خانواده در رابطه با مسائل کودک با خود او صحبت نمی شود و والدین با کودک در تصمیم گیری های مرتبط با وی مشارکت و مشورت ندارند.	۴,۳۱	امروزه خانواده ها فکر می کنند که فرزندان شان بسیار باهوش هستند.



مسائل اولویت دار کودک

۴,۰ ۳	خانواده‌ها در پرورش و آموزش مفهوم خود مراقبتی و مهارت نه گفتن به کودک ضعیف عمل می‌کنند.	۳,۷۴	کودک سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده و کودک را به سمت دیکتاتور شدن برده است.	۴	شکاف نسلی والدین با کودک در جامعه امروزی عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است.
۳,۹ ۱	سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است.	۴,۰۹	خانواده‌ها از نظر اقتصادی و وضعیت معیشتی در وضعیتی نامطلوبی قرار دارند.	۳,۸۹	محیط خانواده یک محیط آرام امن و بدون تنش نیست و والدین مشکلات و بحث‌های خود را در مقابل کودک بروز می‌دهند در نتیجه محیط زندگی کودک استرس زا و پر تنش است.
۳,۸ ۳	خانواده‌ها بر استفاده کودک از رسانه نظارتی ندارند.	۳,۹۴	والدین نه تنها توان پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند حتی در این رابطه به مشاور هم رجوع نمی‌کنند .	۴	خانواده به کودک اجازه رویارویی با مشکلات عادی روزمره را نمی‌دهند.
۴,۰ ۶	والدین در مهارت‌های فرزند پروری ضعیف هستند.	۴,۱۷	خانواده‌ها در پرورش و آموزش مفهوم خود مراقبتی و مهارت نه گفتن به کودک ضعیف عمل می‌کنند.	۳,۸۰	جایگاه مادر به معلم بدل شده است.
۳,۸ ۳	در خانه و مدرسه کنجکاوی کودک سرکوب می‌شود.	۴,۱۷	والدین به موبایل و فضای مجازی اعتیاد داشته و زمان زیادی از این راه خود را از کودک دریغ می‌کنند.	۳,۸۳	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی و گذشته خود استفاده می‌کنند.
۳,۸ ۳	در مدارس مدیریت آموزش ضعیف است.	۳,۹۱	سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است.	۴,۱۴	درگیری‌های رفتاری فیزیکی والدین و نهایتاً طلاق آن‌ها موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی در کودک شده است.
۳,۹ ۱	مربیان در نحوه تعامل و ارتباط با کودک و روش‌های آن ضعیف و ناآگاه هستند .	۳,۸۳	خانواده‌ها بر استفاده کودک از رسانه نظارتی ندارند.	۴,۲۶	جدایی والدین زمینه‌های اضطراب را در کودکان تشدید کرده است.
۴,۱ ۷	اطلاعات مربیان به روز نیست.	۳,۸۰	اولیا هر دو شاغل هستند.	۴,۰۶	پدر در خانواده در امر تربیت کودک و تعامل با او نقش کم رنگی دارد.

مسائل اولویت دار کودک

۳,۸ ۹	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.	۴,۲۰	شاغل بودن والدین موجب تعدد متولیان (مادربزرگ، مربی و...) تربیت شده است.	۴,۳۱	خانواده در سن کودکی برای کودک تب لت یا موبایل تهیه می‌کنند.
۳,۸ ۹	استعدادهای و ویژگی‌های مثبت کودک در خانه و مدرسه به کار گرفته نمی‌شود.	۴,۰۳	والدین در مهارت‌های فرزند پروری ضعیف هستند.	۳,۹۴	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل اوست.
۳,۹ ۴	نظام تربیتی مدارس ضعیف است.	۳,۸۳	والدین از پرورش مهارت‌های اجتماعی هیجانی در کودک و نیازهای مرتبط با این مهارت‌ها در او غافل هستند.	۳,۸۹	در خانواده در رابطه با مسائل کودک با خود او صحبت نمی‌شود و والدین با کودک در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با وی مشارکت و مشورت ندارند.
۳,۹ ۱	در مدارس سنجش همه افراد و مناطق یکسان صورت می‌گیرد.	۳,۷۷	در مدارس مدیریت آموزش ضعیف است.	۳,۸۶	کودک سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده و کودک را به سمت دیکتاتور شدن برده است.
۳,۸ ۰	کودک در نهادهای آموزشی همچون شی دیده شده و امور به او تحمیل می‌شوند.	۳,۸۳	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.	۳,۸۳	خانواده‌ها از نظر اقتصادی و وضعیت معیشتی در وضعیتی نامطلوبی قرار دارند.
۳,۸ ۰	در مدارس و نهادهای آموزشی فضای رقابتی منفی حاکم است.	۳,۶۶	وجود انواعی از مدارس مثل مدارس مبتنی بر روش‌های شناختی، مدارس غیردولتی و انواع دولتی و ... باعث سردرگمی دانش‌آموزان و والدین می‌شود.	۳,۸۹	والدین نه تنها توان پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند حتی در این رابطه به مشاور هم رجوع نمی‌کنند.
۳,۹ ۷	فعالیت و کار کودک بر اساس توجه دیگران ارزش‌گذاری می‌شود نه بر اساس تلاش و کیفیت انجام کار توسط او.	۴,۱۴	نظام تربیتی مدارس ضعیف است.	۳,۸۹	خانواده‌ها در پرورش و آموزش مفهوم خود مراقبتی و مهارت نه گفتن به کودک ضعیف عمل می‌کنند.
		۳,۷۴	در مدارس سنجش همه افراد و مناطق یکسان صورت می‌گیرد.	۴,۵۱	والدین به موبایل و فضای مجازی اعتیاد داشته و زمان زیادی از این راه خود را از کودک دریغ می‌کنند.

مسائل اولویت دار کودک

		۳,۷۴	در مدارس و نهادهای آموزشی فضای رقابتی منفی حاکم است.	۴,۳۴	سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است.
		۳,۶۹	فعالیت و کار کودک بر اساس توجه دیگران ارزش‌گذاری می‌شود نه بر اساس تلاش و کیفیت انجام کار توسط او .	۴,۰۶	خانواده‌ها بر استفاده کودک از رسانه نظارتی ندارند.
				۴,۲۰	شاغل بودن والدین موجب تعدد متولیان (مادر بزرگ، مربی و...) تربیت شده است.
				۴	والدین در مهارت‌های فرزند پروری ضعیف هستند.
				۳,۹۱	والدین از پرورش مهارت‌های اجتماعی هیجانی در کودک و نیازهای مرتبط با این مهارت‌ها در او غافل هستند.
				۳,۸۰	در مدارس مدیریت آموزش ضعیف است.
				۴,۰۶	در مدارس محتوای آموزشی برای کودک قدیمی، غیر جذاب و غیر کاربردی است.
				۳,۹۴	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.
				۴,۲۳	نظام تربیتی مدارس ضعیف است.
				۳,۹۱	در مدارس سنجش همه افراد و مناطق یکسان صورت می‌گیرد.
				۳,۶۹	کودک در نهادهای آموزشی همچون شی دیده‌شده و امور به او تحمیل می‌شوند.

مسائل اولویت دار کودک

				۳,۶۹	در مدارس و نهادهای آموزشی فضای رقابتی منفی حاکم است.
				۳,۹۷	فعالیت و کار کودک بر اساس توجه دیگران ارزش گذاری می شود نه بر اساس تلاش و کیفیت انجام کار توسط او .

### ۳: گزارش راند سوم دلفی

#### مقدمه:

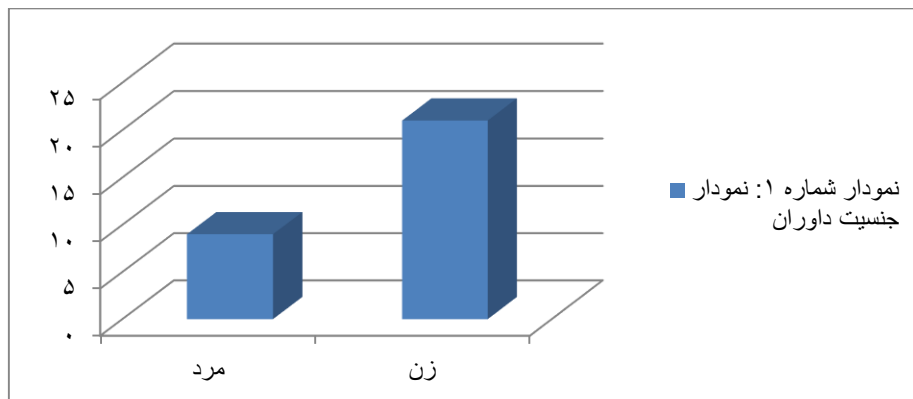
در این بخش پس از تعیین گویه‌های پرسشنامه و تأیید نهایی آن‌ها توسط مجری و ناظر تحقیق، این پرسشنامه به صورت آنلاین در دو بخش (تعیین اولویت گویه و تعیین جایگاه آن در درخت مشکلات) طراحی و برای داوران محترم ارسال گردید و به منظور جلب توجه داوران به همکاری در این راند هر یک روز در میان برای آنان پیامکی ترغیب کنند و یادآور فرستاده می‌شد. از ۴۹ داور کودک ۳۱ نفر پرسشنامه را تکمیل و تحویل دادند. بعد از بررسی روایی هریک از پرسشنامه‌ها به نتایج جدول زیر دست یافته و با اطمینان از اعتبار آنها به ادامه کار پرداختیم (جدول ۸).

جدول ۸: سنجش روایی پرسشنامه کودک در راند ۳

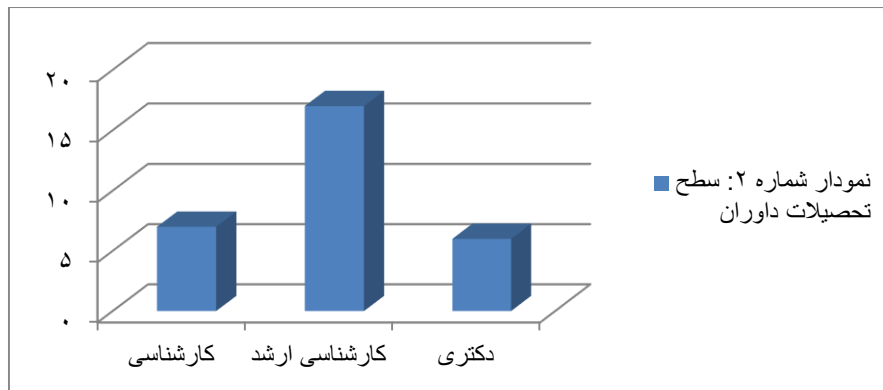
	الفای کرونباخ	تعداد ایت‌ها
کودک	.۹۰۷	۱۱۷

#### آمار توصیفی

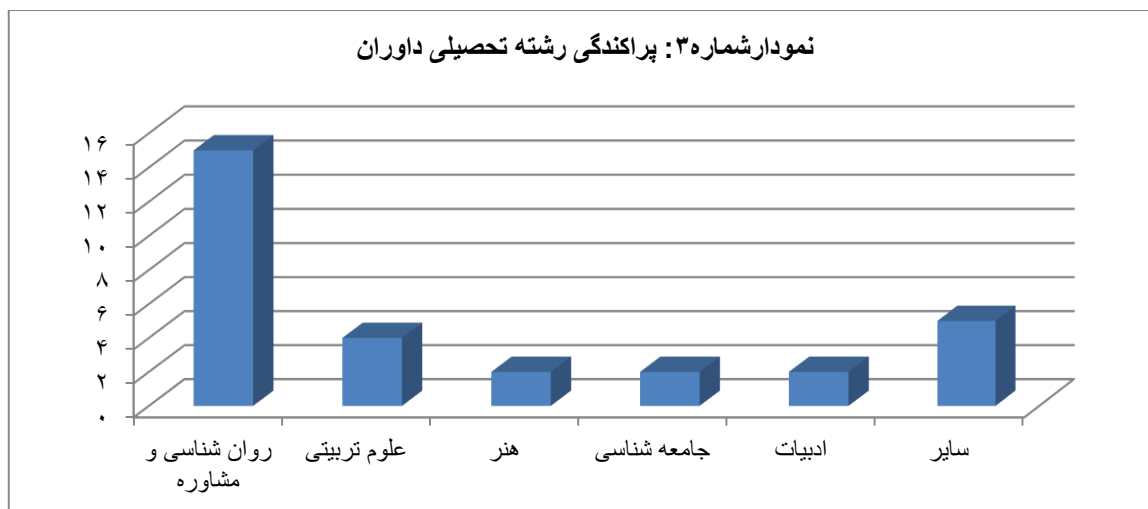
در رابطه با مجموع داوران انتخاب شده برای این پژوهش همان‌طور که در نمودار ۱ می‌بینید تعداد ۳۱ نفر از کل داوران در راند سوم پژوهش با ما همکاری کرده‌اند از این تعداد هفتاد درصد را داوران زن تشکیل داده و ۳۰ درصد باقی‌مانده را مردان شامل شده‌اند.



در رابطه با متغیر سطح تحصیلات داوران چنانچه از نمودار شماره ۲ برمی‌آید بیش از نیمی از داوران یعنی حدود ۵۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بوده و ۲۳٪ با تحصیلات کارشناسی و ۲۰٪ هم با تحصیلات دکتری در این پژوهش ما را یاری کرده‌اند.



متغیر زمینه‌ای سوم که در رابطه با آن بحث می‌شود متغیر رشته تحصیلی داوران است. همان‌طور که در ادامه مشخص است داوران از رشته‌های تحصیلی مختلفی در این پژوهش حضور داشته‌اند که بیش‌ترین آن‌ها شامل رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره با گرایش‌های مختلف با ۵۰ درصد از فراوانی موجود و پس از آن رشته علوم تربیتی با ۱۳ درصد از فراوانی بوده و سپس رشته‌های هنر، جامعه‌شناسی و ادبیات هریک با حدود ۷٪ از کل داوران را در برمی‌گیرند، است. سایر رشته‌ها هم مانند اخلاق اسلامی، شیمی، فلسفه تعلیم و تربیت، مددکاری و مدیریت آموزشی هریک با فراوانی یک نفر از پاسخگویان جمعاً حدود ۱۶٪ باقی‌مانده را شامل می‌شوند.

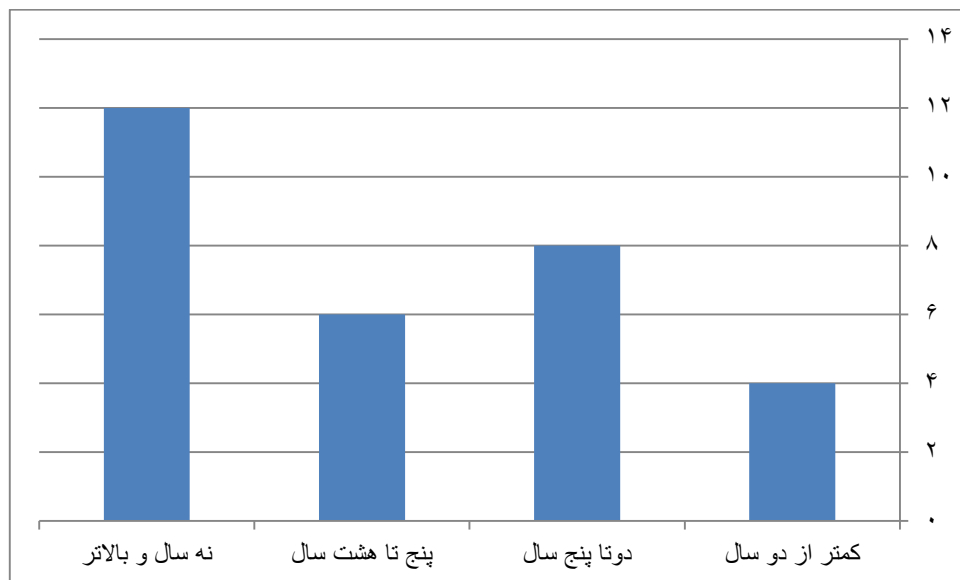


در رابطه با نوع فعالیت داوران از آنجاکه نمودار شماره چهار هم نشان می‌دهد داوران در چهار حوزه مشاوره (۲۰٪)، پژوهش و تولید محتوا (۲۳،۳۳٪)، آموزشی (۴۳،۴۴٪) و سایر عناوین (۱۳،۳۳٪) در حال فعالیت بوده‌اند.



داوران در حوزه فعالیت خود سابقه‌ای متفاوت داشته‌اند که در این پژوهش در چهار طبقه کمتر از دو سال، دو تا پنج سال، شش تا هشت سال و نه سال و بیشتر قرار می‌گیرند. طبقه آخر یعنی سابقه نه سال و بیشتر بالاترین درصد فراوانی را بین داوران به خود اختصاص داده است یعنی ۴۰٪ از کل موجود و کمترین فراوانی هم مربوط به طبقه اول با مقدار ۱۳٪ بوده است که زیر دو سال سابقه فعالیت در حوزه کودک داشته‌اند. در این بین تعداد هشت نفر یعنی حدود ۲۷٪ با سابقه دو تا پنج سال و شش نفر یعنی ۲۰٪ هم با سابقه کاری بین شش تا هشت سال در راند سوم این پژوهش شرکت کرده‌اند.

نمودار شماره ۵: مدت فعالیت در عرصه کودک



طبق جدول زیر بعد از کامپیوت کردن کل گویه‌های پرسشنامه در بخش اول و میانگین‌گیری از آن‌ها میانگین کل پرسشنامه عدد ۳,۹۴ برآورد شد و ما از این میانگین به منظور تعیین گویه‌های مهم‌تر پرسشنامه، حذف گویه‌های بااهمیت کمتر بهره می‌بریم که البته راهکار ما در این رابطه نه حذف بلکه پررنگ‌تر نشان دادن و انتخاب فونت متفاوت برای گویه‌هایی است که میانگین نمره آن‌ها از میانگین کل پرسشنامه بالاتر است ( برای این منظور به جدول ۹ توجه فرمایید).

جدول ۱۰: میانگین کل پرسشنامه	
تعداد	۳۰
میانگین	۳.۹۳۷۴
انحراف معیار	.۳۱۱۴۸

در جدول شماره ۱۱ هر یک از گویه‌های موجود در قسمت اول پرسشنامه را به همراه نحوه پاسخگویی داوران و همچنین میانگین و انحراف معیار آن‌ها مشاهده می‌کنید. گویه‌ها به ترتیب بر اساس سیر نزولی میانگین شماره‌گذاری و در قالب جدول نشان داده شده‌اند و جایی که میانگین دو یا چند گویه برابر است به میزان پراکندگی نمرات حول محور میانگین یعنی انحراف معیار متوسل شده‌ایم یعنی در صورتی که میانگین دو گویه مشابه بوده باشد گویه ای که انحراف معیار کمتری دارد، اولویت اول و دیگری پس از آن بیان شده است که این اطلاعات در ستون‌ها سمت راست گویه آمده و ستون سمت چپ بیانگر نحوه توزیع پاسخ‌های داوران به هر گویه بر اساس گزینه‌های مقتضی است.

نکته‌ای که این جدول به آن اشاره دارد اینکه تعدادی از گویه‌ها درباره کودک است و تعداد از آن‌ها برای کودک است و تفاوت این دو نوع در این است که گویه‌های درباره کودک آن‌هایی را شامل می‌شود که از خانواده، جامعه یا سایر نهادها نشأت گرفته‌اند و گویه‌های برای کودک شامل آن دست گویه‌هایی است که منشأ گویه هم خود کودک است. آنچه در جدول با علامت ستاره مشخص شده است همان گویه‌های درباره کودک هستند.

بر اساس این توضیح آنچه به‌طور کلی از مجموع نظرات داوران برآورد می‌شود این است که مسائل درباره کودک از اولویت‌های برتر هستند که باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرند و در بین آن‌ها گویه‌های

۱- عملکرد نظام تربیتی در مدارس ضعیف است با میانگین ۴,۵

۲- در مدارس سنجش همه افراد به صورت یکسان صورت می‌گیرد و به تفاوت‌ها توجهی نمی‌شود با میانگین ۴,۴۷ و انحراف معیار ۰,۶۸۱.

۳- آپارتمان‌نشینی فعالیت فیزیکی و بازی کودک را محدود کرده است با میانگین ۴,۴۷ و انحراف معیار ۰,۸۶۰.

۴- شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است با میانگین ۴,۴۰

۵- خانواده در سن کودکی برای کودک تب لت یا موبایل تهیه می‌کنند با میانگین ۴,۳۷

۶- در نهادهای آموزشی انتظارات به کودک تحمیل می‌شوند با میانگین ۴,۳۰

۸- والدین با اعتیاد به فضای مجازی توجه خود را از کودک دریغ می‌کنند با میانگین ۴,۲۷

۹- بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل او است با میانگین ۲۳,۴ و انحراف معیار ۰,۶۲۶.

۱۰- سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است، لذا خانواده‌ها نمی‌توانند به درستی بر استفاده کودک از رسانه نظارت داشته باشند با میانگین ۴,۲۳ و انحراف معیار ۰,۷۲۸.



در ده رتبه‌های برتر قرار دارند و در بین آن‌ها تنها اولویت هفتم است که از جمله مسائل دسته برای کودک می‌باشد؛ یعنی گویه کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است با میانگین ۴,۲۷ و انحراف معیار ۰,۷۸۵.

جدول ۱۱: اولویت‌بندی گویه‌ها بر اساس میانگین و انحراف معیار و نحوه پاسخگویی به گویه‌های کودک					گویه	میانگین	انحراف معیار
نحوه توزیع پاسخ‌ها <sup>۱</sup>							
اصلاً	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد			
۰	۰	۲	۱۱	۱۷	عملکرد نظام تربیتی در مدارس ضعیف است*.	۴,۵۰	۰,۶۳۰
۰	۰	۳	۱۰	۱۷	در مدارس سنجش همه افراد به صورت یکسان صورت می‌گیرد و به تفاوت‌ها توجهی نمی‌شود*.	۴,۴۷	۰,۶۸۱
۰	۱	۱	۱۰	۱۸	آپارتمان‌نشینی فعالیت فیزیکی و بازی کودک را محدود کرده است*.	۴,۴۷	۰,۸۶۰
۰	۰	۲	۱۴	۱۴	شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است*.	۴,۴۰	۰,۶۲۱
۰	۱	۲	۱۲	۱۵	خانواده در سن کودکی برای کودک تبلت یا موبایل تهیه می‌کنند*.	۴,۳۷	۰,۷۶۵
۰	۰	۶	۹	۱۵	در نهادهای آموزشی انتظارات به کودک تحمیل می‌شوند*.	۴,۳۰	۰,۷۹۴
۰	۱	۲	۱۵	۱۲	کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.	۴,۲۷	۰,۷۴۰
۰	۱	۳	۱۳	۱۳	والدین با اعتیاد به فضای مجازی توجه خود را از کودک دریغ می‌کنند*.	۴,۲۷	۰,۷۸۵
۰	۰	۳	۱۷	۱۰	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل او است*.	۴,۲۳	۰,۶۲۶
۰	۰	۵	۱۳	۱۲	سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است، لذا خانواده‌ها نمی‌توانند به درستی بر استفاده کودک از رسانه نظارت داشته باشند*.	۴,۲۳	۰,۷۲۸
۰	۲	۲	۱۳	۱۳	امروزه خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندانشان بسیار باهوش هستند*.	۴,۲۳	۰,۸۵۸
۰	۱	۵	۱۰	۱۴	مدیریت آموزشی در مدارس ضعیف است*.	۴,۲۳	۰,۸۵۸
۰	۰	۴	۱۶	۱۰	خانواده و جامعه به کودک فرصت رویارویی با مشکلات روزمره و در نتیجه اشتباه کردن را نمی‌دهند*.	۴,۲۰	۰,۶۶۴
۰	۰	۳	۱۹	۸	والدین در مهارت‌های فرزند پروری ضعیف هستند*.	۴,۱۷	۰,۵۹۲
۰	۱	۱	۲۰	۸	درگیری‌های رفتاری فیزیکی، بحث‌ها و دعوای والدین به ویژه در مقابل کودک موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی و استرس در کودک شده است*.	۴,۱۷	۰,۶۴۸
۰	۲	۳	۱۳	۱۲	کودک کار و مشکلات او به‌طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.	۴,۱۷	۰,۸۷۴
۰	۰	۷	۱۲	۱۱	در مدارس فضای رقابتی منفی حاکم است*.	۴,۱۳	۰,۷۷۶
۰	۰	۶	۱۵	۹	تعدد متولیان تربیتی باعث ایجاد تناقضات تربیتی در کودک شده است*.	۴,۱۰	۰,۷۱۲

۱: اصلاً  
۲: خیلی کم  
۳: کم  
۴: زیاد  
۵: خیلی زیاد

۰	۱	۳	۱۸	۸	متولیان تربیتی در جامعه متناقض عمل می‌کنند.*	۴.۱۰	۷۱۲
۰	۲	۵	۱۱	۱۲	به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود.*	۴.۱۰	۹۳۳
۰	۱	۳	۱۹	۷	مشکلات اقتصادی خانواده‌ها بر کودکان تأثیر سوء دارد.*	۴.۰۷	۶۹۱
۰	۲	۳	۱۶	۹	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.*	۴.۰۷	۸۲۸
۱	۱	۴	۱۳	۱۱	کودک کم تحرک است.	۴.۰۷	۹۸۰
۰	۰	۷	۱۵	۸	برنامه‌ریزان جامعه نسبت به تدوین و ساخت محتوای سرگرمی - آموزشی پربار و مناسب سن کودک در فضای مجازی و واقعی بی‌توجه هستند.*	۴.۰۳	۷۱۸
۰	۱	۴	۱۸	۷	خانواده و جامعه در پاسخگویی درست به اقتضانات دوران کودکی دچار ضعف هستند.*	۴.۰۳	۷۱۸
۰	۱	۴	۱۸	۷	کودک سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده است.	۴.۰۳	۷۱۸
۰	۱	۵	۱۶	۸	مربیان و اعضای خانواده دستاوردها و فعالیت‌های کودک را نه بر اساس تلاش و کیفیت کار خود کودک، بلکه بر اساس نظرات و خوشایند سایرین ارزیابی می‌کنند.*	۴.۰۳	۷۶۵
۱	۱	۳	۱۶	۹	کودک دچار وابستگی به فضای مجازی است.	۴.۰۳	۹۲۸
۱	۱	۳	۱۶	۹	محیط مناسبی برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.*	۴.۰۳	۹۲۸
۰	۱	۴	۱۹	۶	برنامه‌ها و محتواهای تربیتی و آموزشی که توسط نهادهای مختلف برای کودکان ارائه می‌شوند، بر پایه اصول علمی عملی تدوین نشده‌اند.*	۴.۰۰	۶۹۵
۰	۰	۸	۱۴	۸	استعدادهای کودک در جامعه مورد توجه قرار نمی‌گیرند.*	۴.۰۰	۷۴۳
۰	۱	۵	۱۸	۶	جدایی والدین زمینه‌های آسیب‌های روان‌شناختی و حساسیت‌های رفتاری مثل سوءظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق را تشدید کرده است.*	۳.۹۷	۷۱۸
۰	۱	۵	۱۸	۶	جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیاز سازی می‌کنند.*	۳.۹۷	۷۱۸
۰	۱	۶	۱۶	۷	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی خود استفاده می‌کنند.*	۳.۹۷	۷۶۵
۰	۲	۸	۱۰	۱۰	سندی مبتنی بر مهارت‌آموزی به کودک در جامعه وجود ندارد.*	۳.۹۳	۹۴۴
۰	۰	۷	۱۹	۴	والدین در پیگیری یک سبک تربیتی واحد اختلاف نظر دارند.*	۳.۹۰	۶۰۷
۰	۰	۸	۱۷	۵	کودک با انواع استرس(استرس تحصیلی، ترس از اجتماع و ...) مواجه است.	۳.۹۰	۶۶۲
۰	۱	۶	۱۸	۵	والدین دانش کافی برای پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند.*	۳.۹۰	۷۱۲
۰	۳	۴	۱۶	۷	سطح تحمل و تاب آوری کودک پایین است.	۳.۹۰	۸۸۵
۱	۳	۵	۱۰	۱۱	کودک زمان کمی را به مطالعه اختصاص می‌دهد.	۳.۹۰	۱۰۱۲۵
۰	۲	۵	۱۶	۷	والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند.	۳.۸۷	۱۰۰۸
۰	۱	۹	۱۵	۵	خانواده‌ها در آموزش مفهوم خود مراقبتی به کودک ضعیف عمل می‌کنند.*	۳.۸۰	۷۶۱
۰	۲	۷	۱۶	۵	کودک پرخاشگر شده است.	۳.۸۰	۸۰۵
۰	۲	۷	۱۷	۴	والدین در زمینه حل و بهبود مشکلات کودک از مشاور و روان‌شناس کمک نمی‌گیرند.*	۳.۷۷	۷۷۴
۰	۲	۶	۱۷	۵	پدر در تربیت و تعامل با کودک نقش کم‌رنگی دارد.*	۳.۷۷	۹۷۱
۰	۳	۸	۱۴	۵	در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن و دوران کودکی از کودک گرفته شده است.*	۳.۷۰	۸۷۷

۰	۲	۹	۱۶	۳	والدین با کودک در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با شخص او مشارکت و مشورت ندارند*.	۳۶۷	۷۵۸
۱	۳	۸	۱۲	۶	کودک در به‌کارگیری مهارت حل مسئله ضعیف است.	۳۶۳	۱۰۳۳
۰	۳	۱۳	۱۰	۴	ظرفیت همدلی و درک متقابل در کودک کم است.	۳۵۰	۸۶۱
۲	۳	۷	۱۴	۴	باورها و اعتقادات مذهبی در کودک ضعیف شده است.	۳۵۰	۱۰۷۵
۰	۶	۷	۱۵	۲	کودک با همسالانش ارتباط کمی دارد.	۳۴۳	۸۹۸
۲	۲	۹	۱۵	۲	هویت ملی در کودک ضعیف شده است.	۳۴۳	۹۷۱
۰	۳	۱۷	۸	۲	کودک از مضامین اخلاقی - تربیتی دور بوده و آن‌ها را نیاموخته است.	۳۳۰	۷۵۰
۰	۵	۱۲	۱۲	۱	کودک متعهد و مسئولیت‌پذیر نیست.	۳۳۰	۷۹۴
۱	۳	۱۳	۱۲	۱	کودک در انجام مسائل شخصی خود احساس ناتوانی دارد.	۳۳۰	۸۳۷
۰	۹	۱۲	۷	۲	کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی ندارد.	۳۰۷	۹۰۷
۲	۸	۱۰	۸	۲	کودک با خانواده تعامل صمیمانه ندارد.	۳۰۰	۱۰۵۰

بر اساس بررسی انجام شده ۳۵ مساله در اولویت موضوعات کودک قرار گرفته‌اند که از میان آن‌ها تنها دو مسئله با محوریت درونی کودک بوده و محور بقیه مسائل به بیرون از کودک راجع است و در ادامه در جدول زیر به آن‌ها خواهیم پرداخت:

جدول ۱۲: گروه‌بندی و اولویت‌بندی گویه‌های برگزیده راند سوم

مسائل با محوریت خود کودک	۴۰۷	کودک کم تحرک است.
	۴۰۳	کودک دچار وابستگی به فضای مجازی است.
مسائل با محوریت جامعه بیرونی	۴۵۰	عملکرد نظام تربیتی در مدارس ضعیف است*.
	۴۴۷	در مدارس سنجش همه افراد به صورت یکسان صورت می‌گیرد و به تفاوت‌ها توجهی نمی‌شود*.
	۴۴۷	آپارتمان‌نشینی فعالیت فیزیکی و بازی کودک را محدود کرده است*.
	۴۴۰	شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است*.
	۴۳۷	خانواده در سن کودکی برای کودک تبلت یا موبایل تهیه می‌کنند*.
	۴۳۰	در نهادهای آموزشی انتظارات به کودک تحمیل می‌شوند*.
	۴۲۷	کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.
	۴۲۷	والدین با اعتیاد به فضای مجازی توجه خود را از کودک دریغ می‌کنند*.
	۴۲۳	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل او است*.
	۴۲۳	سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است، لذا خانواده‌ها نمی‌توانند به درستی بر استفاده کودک از رسانه نظارت داشته باشند*.
	۴۲۳	امروزه خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندانشان بسیار باهوش هستند*.
	۴۲۳	مدیریت آموزشی در مدارس ضعیف است*.
	۴۲۰	خانواده و جامعه به کودک فرصت رویارویی با مشکلات روزمره و در نتیجه اشتباه کردن را نمی‌دهند*.
	۴۱۷	والدین در مهارت‌های فرزند پروری ضعیف هستند*.
	۴۱۷	درگیری‌های رفتاری فیزیکی، بحث‌ها و دعوای والدین به ویژه در مقابل کودک موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی و استرس در کودک شده است*.
	۴۱۷	کودک کار و مشکلات او به‌طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
	۴۱۳	در مدارس فضای رقابتی منفی حاکم است*.
	۴۱۰	تعدد متولیان تربیتی باعث ایجاد تناقضات تربیتی در کودک شده است*.
	۴۱۰	متولیان تربیتی در جامعه متناقض عمل می‌کنند*.

۴.۱۰	به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود*.
۴.۰۷	مشکلات اقتصادی خانواده‌ها بر کودکان تأثیر سوء دارد*.
۴.۰۷	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود*.
۴.۰۳	برنامه‌ریزان جامعه نسبت به تدوین و ساخت محتوای سرگرمی - آموزشی پربار و مناسب سن کودک در فضای مجازی و واقعی بی‌توجه هستند*.
۴.۰۳	خانواده و جامعه در پاسخگویی درست به اقتضائات دوران کودکی دچار ضعف هستند*.
۴.۰۳	کودک سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده است.
۴.۰۳	مربیان و اعضای خانواده دستاوردها و فعالیت‌های کودک را نه بر اساس تلاش و کیفیت کار خود کودک، بلکه بر اساس نظرات و خوشایند سایرین ارزیابی می‌کنند*.
۴.۰۳	محیط مناسبی برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد*.
۴.۰۰	برنامه‌ها و محتواهای تربیتی و آموزشی که توسط نهادهای مختلف برای کودکان ارائه می‌شوند، بر پایه اصول علمی عملی تدوین نشده‌اند*.
۴.۰۰	استعدادهای کودک در جامعه مورد توجه قرار نمی‌گیرند*.
۳.۹۷	جدایی والدین زمینه‌های آسیب‌های روان‌شناختی و حساسیت‌های رفتاری مثل سوءظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق را تشدید کرده است*.
	جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیاز سازی می‌کنند*.
۳.۹۷	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی خود استفاده می‌کنند*.

### آمار استنباطی

بعد از بررسی آزمون نرمال بودن توزیع نمرات جهت استفاده از آزمون‌های استنباطی و آزمون‌های پارامتریک و تأیید نرمال بودن در ابتدا نمره میانگین بخش اول گویه‌ها را بر اساس جنس افراد مقایسه کردیم. به این منظور از آزمون مقایسه میانگین برای دو جامعه مستقل بهره‌مند شدیم که نتایج آن را در جدول شماره ۱۳ ملاحظه می‌کنید:

جدول ۱۳: مقایسه میانگین بین دو جنسیت

جنس	میانگین	آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها		آزمون تی برای بررسی برابری میانگین‌ها		کرانه‌های بالاتر و پایین تر با سطح اطمینان ۹۵٪	
		آزمون اف	معناداری	تفاوت میانگین	سطح معناداری دو طرفه	پایین	بالا
مرد	۳.۸۷	آزمون اف		تفاوت میانگین	سطح معناداری دو طرفه	۰.۱۵۹۳۸	۰.۳۵۲۵۹
زن	۳.۹۷					۰.۹۶۶۱	۰.۴۴۶
میانگین	با فرض برابری واریانس‌ها	۰.۲۳	۰.۸۸۱	۰.۹۶۶۱	۰.۴۴۶	۰.۳۷۹۰۳	۰.۱۸۵۸۱
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۰.۹۶۶۱	۰.۴۷۵		

بر اساس جدول فوق همان طور که از بخش اول جدول یعنی کادر مربوط به آزمون لوین مشخص است سطح معناداری برابر با ۰.۰۵ گزارش شده است و از آنجا که این مقدار بالاتر از سطح خطای موردنظر یعنی ۰.۰۵ است فرض برابری واریانس‌ها رد نشده و باید به سطر اول آزمون تی توجه کنیم. مشاهده می‌کنید که در این بخش هم سطح معناداری که به صورت دو دامنه یا دو طرفه گزارش شده است از مقدار خطای ۰.۰۵ بزرگ‌تر بوده و بر این اساس با سطح اطمینان ۰.۹۵ نمی‌توانیم فرض صفر مبنی بر برابر بودن میانگین‌ها را رد کنیم پس باید گفت میانگین گویه‌های موردنظر در دو جامعه زنان و مردان تفاوتی با هم ندارند.

در جدول شماره شانزده میانگین نمرات داوران بر اساس مدت زمانی که در حیطه کودک و مسائل مربوط به او فعالیت داشته‌اند به وسیله آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) یا مقایسه میانگین برای چند جامعه مستقل بررسی شده است. در این بخش هم مقدار F کوچک و کمتر از ۱ گزارش شده است و سطح معناداری هم بزرگ‌تر از ۰.۰۵ ( $\text{sig} = 0.767$ ) است بنابراین نمی‌توانیم فرض صفر مبنی بر برابر بودن میانگین‌ها را رد کنیم. پس نتیجه می‌شود که میانگین افراد در گروه‌های مختلف با سابقه شغلی متفاوت تفاوت معناداری با هم ندارد.

جدول شماره ۱۴: مقایسه میانگین بر اساس مدت فعالیت داوران

	آزمون اف	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۰.۳۸۱	۰.۷۶۸
درون گروه‌ها		

مانند جدول فوق، جدول شماره ۱۵ نیز که برای بررسی تفاوت میانگین بین گروه‌های با فعالیت متفاوت رسم شده است نتیجه مشابهی را به ما می‌دهد یعنی با توجه به سطح معناداری ۰.۱۸۱ و با اطمینان ۰.۹۵ درصد نمی‌توانیم فرض آماری صفر را رد کنیم بنابراین بین گروه‌های داوران با فعالیت متفاوت تفاوتی به لحاظ نوع پاسخگویی به پرسشنامه و میانگین اکتسابی آن‌ها وجود ندارد.

جدول ۱۵: مقایسه میانگین بر اساس نوع فعالیت داوران

	آزمون اف	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۱.۷۵۰	۰.۱۸۱
درون گروه‌ها		

جدول شماره ۱۶ نیز به مقایسه میانگین‌های کسب‌شده در رابطه با پرسشنامه در بین داوران با سطح تحصیلات متفاوت می‌پردازد. همان طور که مشخص است میزان پراکندگی بین گروهی کمتر از پراکندگی درون گروهی بوده و میانگین درون گروهی و بین گروهی هم تفاوت چندانی با هم ندارند علاوه بر این  $\text{sig}$  گزارش شده بالاتر از ۰.۰۵ صد و برابر با ۰.۱۲۷ گزارش

شده است پس باید با تأیید فرض صفر گفت بین میانگین افراد در گروه‌های متفاوت از منظر سطح تحصیلات تفاوتی به لحاظ آماری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۱۶: مقایسه میانگین بر اساس سطح تحصیلات داوران

سطح معناداری	آزمون اف	
.۱۲۷	۲.۲۲۶	بین گروه‌ها درون گروه‌ها

در بخش دوم پرسشنامه از داوران محترم درخواست شده بود که هر گویه را در جایگاه مناسب خود قرار دهند و به این منظور سه جایگاه ریشه، تنه و شاخه معین شد. بعد از گردآوری پاسخ‌ها به منظور به دست آوردن اعتبار برای این پرسش پاسخ هر یک از داوران را در قالب درخت مسائل به وی بازگردانده تا صحت انتخاب خود را مجدداً تأیید کند و در غیر این صورت اگر گویه ای را در جایگاه دیگری مناسب تر می‌بیند آن را تغییر دهد که در این رابطه همه داورانی که پاسخ دادند صحت درخت را تأیید کردند. در ادامه جدول شماره نوزده را می‌بینید که نحوه پاسخگویی داوران را به هریک از گویه‌ها مشخص کرده و بر اساس تعداد پاسخ‌های دریافتی جایگاه ترجیحی گویه مشخص شده است. توضیح آن که این جدول برای تمام گویه‌هایی طراحی شده است که وارد مرحله سوم دلفی شده‌اند و از آنجاکه داوران معتقد بودند چنانچه در درخت مسائل تنها به آن دسته از گویه‌هایی اشاره شود که اولویت‌های بالاتر را بر اساس روش به کار گرفته شده کسب می‌کنند. نمای دقیق‌تری ارائه می‌شود؛ در ادامه شاهد شکل شماره ۱ هستیم که در آن تنها به گویه‌های با نمره بالاتر از میانگین پرسشنامه در اولویت‌های بالاتر قرار دارند. همچنین این درخت به تأیید داوران رسیده است.

جدول ۱۷: نحوه پاسخگویی به ماتریس درخت مسائل

گویه	ریشه	تنه	شاخه	
۱. کودک در به‌کارگیری مهارت حل مسئله ضعیف است.	۱۱	۸	۱۱	ریشه شاخه <sup>۲</sup>
۲. سطح تحمل و تاب آوری کودک پایین است.	۷	۸	۱۵	شاخه
۳. ظرفیت همدلی و درک متقابل در کودک کم است.	۴	۱۴	۱۲	تنه
۴. کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی ندارد.	۳	۶	۲۱	شاخه
۵. کودک دچار وابستگی به فضای مجازی است.	۶	۵	۱۹	شاخه
۶. کودک با خانواده تعامل صمیمانه ندارد.	۸	۹	۱۳	شاخه
۷. کودک پرخاشگر شده است.	۷	۳	۲۰	شاخه

<sup>۲</sup> نکته ای در این رابطه هستند این است که چنانچه رای داوران به دو مورد از گزینه ها مشابه یا نزدیک به هم باشد هر دو گزینه لحاظ شده و اگر بین سه گزینه رای با اختلاف نظر یک مورد باشد توزیع نامشخص را لحاظ کرده ایم.

شاخه	۱۸	۳	۹	۸. کودک با انواع استرس مواجه است.
شاخه	۱۴	۸	۸	۹. کودک متعهد و مسئولیت پذیر نیست.
شاخه	۱۸	۷	۵	۱۰. کودک در انجام مسائل شخصی خود احساس ناتوانی دارد.
توزیع نامشخص	۱۰	۱۱	۹	۱۱. کودک از مضامین اخلاقی - تربیتی دور بوده و آن‌ها را نیاموخته است.
شاخه	۱۸	۶	۶	۱۲. کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است.
تنه و شاخه	۱۳	۱۳	۴	۱۳. کودک با همسالانش ارتباط کمی دارد.
شاخه	۱۳	۱۱	۶	۱۴. کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.
شاخه	۱۴	۵	۱۱	۱۵. هویت ملی در کودک ضعیف شده است.
ریشه	۱۱	۵	۱۴	۱۶. باورها و اعتقادات مذهبی در کودک ضعیف شده است.
تنه و شاخه	۱۲	۱۲	۶	۱۷. کودک کم تحرک است.
شاخه	۱۵	۹	۶	۱۸. کودک زمان کمی را به مطالعه اختصاص می‌دهد.
توزیع نامشخص	۱۰	۹	۱۱	۱۹. کودک کار و مشکلات او به‌طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
تنه	۹	۱۵	۶	۲۰. به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود.
ریشه	۳	۱۳	۱۴	۲۱. برنامه‌ریزان جامعه نسبت به تدوین و ساخت محتوای سرگرمی - آموزشی پربار و مناسب سن کودک در فضای مجازی و واقعی بی‌توجه هستند.
ریشه	۳	۱۰	۱۷	۲۲. متولیان تربیتی در جامعه متناقض عمل می‌کنند.
ریشه	۳	۸	۱۹	۲۳. سندی مبتنی بر مهارت‌آموزی به کودک در جامعه وجود ندارد.
تنه	۹	۱۴	۷	۲۴. آپارتمان‌نشینی فعالیت فیزیکی و بازی کودک را محدود کرده است.
تنه	۵	۱۵	۱۰	۲۵. محیط مناسبی برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.
تنه	۷	۱۵	۸	۲۶. شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است.
ریشه	۳	۱۲	۱۵	۲۷. برنامه‌ها و محتواهای تربیتی و آموزشی که توسط نهادهای مختلف برای کودکان ارائه می‌شوند، بر پایه اصول علمی عملی تدوین نشده‌اند.

تنه	۵	۱۵	۱۰	۲۸. خانواده و جامعه به کودک فرصت رویارویی با مشکلات روزمره و در نتیجه اشتباه کردن را نمی‌دهند.
تنه	۵	۱۷	۸	۲۹. جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیاز سازی می‌کنند.
تنه	۳	۱۴	۱۳	۳۰. در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن و دوران کودکی از کودک گرفته شده است.
ریشه	۵	۱۲	۱۳	۳۱. خانواده و جامعه در پاسخگویی درست به اقتضانات دوران کودکی دچار ضعف هستند.
تنه	۱۰	۱۵	۵	۳۲. امروزه خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندانشان بسیار باهوش هستند.
تنه	۵	۱۷	۸	۳۳. والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند.
تنه	۵	۱۵	۱۰	۳۴. والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی خود استفاده می‌کنند.
ریشه	۸	۹	۱۳	۳۵. درگیری‌های رفتاری - فیزیکی، بحث‌ها و دعوای والدین به ویژه در مقابل کودک موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی و استرس در کودک شده است.
ریشه	۹	۶	۱۵	۳۶. جدایی والدین زمینه‌های آسیب‌های روان‌شناختی و حساسیت‌های رفتاری مثل سوءظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق را تشدید کرده است.
ریشه	۴	۴	۱۲	۳۷. پدر در تربیت و تعامل با کودک نقش کم‌رنگی دارد.
ریشه و تنه	۴	۱۳	۱۳	۳۸. والدین در پیگیری یک سبک تربیتی واحد اختلاف نظر دارند.
تنه	۹	۱۲	۹	۳۹. خانواده در سن کودکی برای کودک تبلت یا موبایل تهیه می‌کنند.
تنه	۶	۱۶	۸	۴۰. بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل او است.
تنه	۲	۲۲	۶	۴۱. والدین با کودک در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با شخص او مشارکت و مشورت ندارند.
تنه	۶	۱۶	۸	۴۲. کودک سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده است.
ریشه	۷	۱۰	۱۳	۴۳. مشکلات اقتصادی خانواده‌ها بر کودکان تأثیر سوء دارد.
تنه	۳	۱۵	۱۲	۴۴. والدین دانش کافی برای پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند.
تنه	۴	۱۵	۱۱	۴۵. والدین در زمینه حل و بهبود مشکلات کودک از مشاور و روان‌شناس کمک نمی‌گیرند.



تنه	۶	۱۶	۸	۴۶. خانواده‌ها در آموزش مفهوم خود مراقبتی به کودک ضعیف عمل می‌کنند.
تنه	۵	۱۵	۱۰	۴۷. والدین با اعتیاد به فضای مجازی توجه خود را از کودک دریغ می‌کنند.
ریشه تنه	۲	۱۴	۱۴	۴۸. سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است، لذا خانواده‌ها نمی‌توانند به درستی بر استفاده کودک از رسانه نظارت داشته باشند.
تنه	۷	۱۷	۶	خانواده‌ها بر استفاده کودک از رسانه نظارتی ندارند.
ریشه	۷	۱۰	۱۳	۴۹. تعدد متولیان تربیتی باعث ایجاد تناقضات تربیتی در کودک شده است.
ریشه	۲	۱۰	۱۸	۵۰. والدین در مهارت‌های فرزند پروری ضعیف هستند.
ریشه	۱	۱۳	۱۶	۵۱. مدیریت آموزشی در مدارس ضعیف است.
ریشه	۱	۱۳	۱۶	۵۲. عملکرد نظام تربیتی در مدارس ضعیف است.
ریشه	۵	۱۲	۱۳	۵۳. به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.
تنه	۱	۱۶	۱۳	۵۴. در مدارس سنجش همه افراد به صورت یکسان صورت می‌گیرد و به تفاوت‌ها توجهی نمی‌شود.
تنه	۱	۱۶	۱۳	۵۵. در نهادهای آموزشی انتظارات به کودک تحمیل می‌شوند.
تنه	۴	۱۶	۱۰	۵۶. در مدارس فضای رقابتی منفی حاکم است.
تنه	۷	۱۵	۸	۵۷. مربیان و اعضای خانواده دستاوردها و فعالیت‌های کودک را نه بر اساس تلاش و کیفیت کار خود کودک، بلکه بر اساس نظرات و خوشایند سایرین ارزیابی می‌کنند.
تنه	۲	۱۵	۱۳	۵۸. استعدادهای کودک در جامعه مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

اما بعد از انجام مراحل توصیفی فوق بر اساس مقولات به دست آمده از کدگذاری‌های انجام شده مرحله اول و تحلیل تم و طی کردن مراحل دلفی به صورت کامل به اولویت بندی مقولات هم اشاره کرده ایم (به جدول زیر توجه کنید). این جدول حاصل تجمیع مقولات فاز اول و نتایج فاز سوم دلفی می‌باشد.

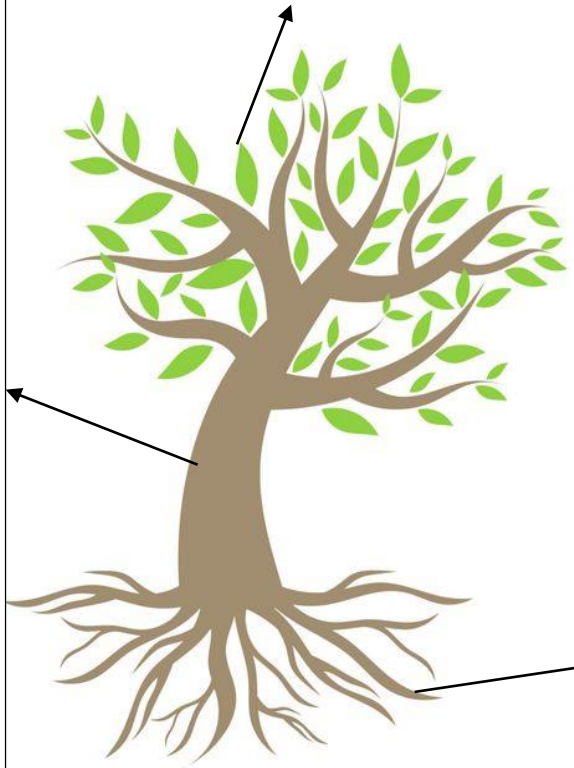
جدول ۱۸: ترتیب قرارگیر مقولات به دست آمده (کودک) بر حسب میانگین مربوطه

نمره	مقوله
۴,۴۶۷	مسائل مربوط به هویت و ابعاد ان
۴,۲۳	تصور هوش بالای کودک
۴,۱۹۴	اسیب‌های رسانه و مدیریت ضعیف استفاده از ان
۴,۱۸۳	مشکلات نظام آموزشی
۴,۱۷	مدیریت ضعیف در حوزه کودکان خاص
۴,۱۰۰	تناقضات تربیتی در جامعه

۴,۰۶۶	شرایط خانوادگی نایمن
۴,۰۱۱۱	نداشتن امکانات بازی فعال و فیزیکی و بی توجهی امکان طبیعی محیط زیست در این خصوص
۳,۹۰۸	بی توجهی به خود کودک به عنوان فرد مختار ولی نیازمند به توجه و مراقبت با نیازهای خاص کودکی
۳,۸۴۴	توجه افراطی به کودک، کاهش مسئولیت پذیری و عدم پرورش کودک برای نقش های بزرگسالی
۳,۸۳۷	ناگاهی والدین و ضعف مهارت های والدگری و فرزند پروری
۳,۸۳۳	تربیت جنسی ضعیف
۳,۸۱۶	مهارت های شناختی ضعیف
۳,۷۰	مهارت های زندگی ضعیف
۳,۶۶۷	مشکلات روان شناختی
۳,۴۳	تک فرزندی
۳,۳	ضعف در اخلاق
-	نگاه جنسیتی به کودک
-	تفاوت نسلی با والدین
-	کودکی تخریب شده

- کودک دچار وابستگی به فضای مجازی است.
- کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.

- متولیان تربیتی در جامعه متناقض عمل می‌کنند.
- برنامه‌ها و محتواهای تربیتی و آموزشی که توسط نهادهای مختلف برای کودکان ارائه می‌شوند، بر پایه اصول علمی - عملی تدوین نشده‌اند.
- جدایی والدین زمینه‌های آسیب‌های روان‌شناختی و حساسیت‌های رفتاری مثل سوءظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق را تشدید کرده است.
- والدین در مهارت‌های فرزندپروری ضعیف هستند.
- مدیریت آموزشی در مدارس ضعیف است.
- عملکرد نظام تربیتی در مدارس ضعیف است.
- تعدد متولیان تربیتی باعث ایجاد تناقضات تربیتی در کودک شده است.
- به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.
- مشکلات اقتصادی خانواده‌ها بر کودکان تاثیر سوء دارد.
- خانواده و جامعه در پاسخگویی درست به اقتضائات دوران کودکی دچار ضعف هستند.
- برنامه‌ریزان جامعه نسبت به تدوین و ساخت محتوای سرگرمی - آموزشی پربار و مناسب سن کودک در فضای مجازی و واقعی بی‌توجه هستند.
- درگیری‌های رفتاری - فیزیکی، بحث‌ها و دعواهای والدین بویژه در مقابل کودک موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی و استرس در کودک شده‌است.
- سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است، لذا خانواده‌ها نمی‌توانند به درستی بر استفاده کودک از رسانه نظارت داشته باشند.



شکل شماره یک: درخت مسائل کودک

- در نهادهای آموزشی انتظارات به کودک تحمیل می‌شوند.
- در مدارس فضای رقابتی منفی حاکم است.
- مربیان و اعضای خانواده دستاوردها و فعالیت‌های کودک را نه بر اساس تلاش و کیفیت کار خود کودک، بلکه براساس نظرات و خوشایند سایرین ارزیابی می‌کنند.
- استعدادهای کودک در جامعه مورد توجه قرار نمی‌گیرند.
- در مدارس سنجش همه افراد به صورت یکسان صورت می‌گیرد و به تفاوت‌ها توجهی نمی‌شود.
- والدین با اعتیاد به فضای مجازی توجه خود را از کودک دریغ می‌کنند.
- کودک‌سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده است.
- بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل او است.
- والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی خود استفاده می‌کنند.
- امروزه خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندانشان بسیار باهوش هستند.
- جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیازسازی می‌کنند.
- خانواده و جامعه به کودک فرصت رویارویی با مشکلات روزمره و در نتیجه اشتباه کردن را نمی‌دهند.
- شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است.
- محیط مناسبی برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.
- به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود.
- آپارتمان‌نشینی فعالیت فیزیکی و بازی کودک را محدود کرده است.
- خانواده در سن کودکی برای کودک تبلت یا موبایل تهیه می‌کنند.
- سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است، لذا خانواده‌ها نمی‌توانند به

## فصل چهارم: جمع‌بندی طرح

### بحث و نتیجه‌گیری

دوران کودکی و نوجوانی کاملاً از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و در یک فرآیند قرار دارند. از این رو تجربه زیسته افراد در دوران نوجوانی را نمی‌توان جدا و متمایز از تجربه زیسته آنها در دوران کودکی دانست.

منزلت سنی کودکان همزمان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای آنها به دنبال دارد که مدیریت آن هم برای کودکان و هم والدین آنها چالشی جدی است. برای مثال اگر چه کنار گذاشته شدن کودکان از بازار کار و منع کار کودکان بهره‌کشی و استثمار آنها را محدود ساخته است با این حال عدم استقلال اقتصادی فرصت‌های زیادی را برای فراغت و سرگرمی از آنها می‌گیرد. به همان سان اجباری شدن تحصیلات متوسطه و افزایش آن در تحقیر این استقلال اقتصادی تاثیرگذار است. رویکرد ساختاری، در پی فهم و تبیین شرایط و موقعیت‌های محدود کننده و چالش‌برانگیز هم برای کودکان و هم والدین آنهاست. کودکان امروز از سوی تشویق به استقلال عمل و ارتکاب انتخاب خود می‌گردند و از سوی دیگر شرایط پریسک جامعه معاصر والدین آنها را به کنترل‌گرایی حداکثری برای مدیریت این مخاطرات بر می‌انگیزاند. کنترل بیش از اندازه با ناتوان ساختن کودکان از انجام کارها و نمایش مهارت‌هایی که هیچگاه آن را تجربه نکرده‌اند به وابستگی و تداوم چرخه کودکی انجامیده است. نسل امروز کودکان از سوی به طور فزاینده‌ای به لحاظ اقتصادی وابسته به والدین خود هستند و از سوی دیگر به طور فزاینده‌ای آماج تبلیغات تجاری سرمایه‌داری قرار دارند. والدین کودکان امروز از سوی بیشترین حمایت‌های بالقوه نهادی و بروکراتیک را برای مشاوره و تربیت و اجتماعی ساختن فرزندان خود دارند و در همان حال بیشترین نگرانی و تردید را در خصوص سبک‌های مطلوب تربیتی احساس می‌کنند تربیت بروکراتیز شده کودکان امروز آزمایش و خطا در سبک‌های تربیتی والدین را افزایش داده است. کودکان امروز از سویی بیشترین حمایت‌های نهاد این را در قالب آیین نامه‌ها و قوانین داخلی کنوانسیون‌های ملی دارند و از سوی دیگر بیشترین تعداد و طیف سوء استفاده از کودکان و آسیب‌ها و آزارهای اجتماعی خانگی و غیر خانگی را تجربه می‌کنند. آنها همزمان هم قدرت بیشتری دارند و هم وابستگی بیشتر (ذکائی، ۱۳۹۵: ۲۳).

رویکردهای برساخت‌گرایانه که در مطالعات کودکی بسیار مورد توجه قرار گرفتند و در بسیاری از کتب و مقالات به آنها اشاره شده است، رویکردی انتقادی دارند و در نتیجه در بررسی کودکان به نقش خانواده و نظام آموزشی در بستر جامعه و حتی در سطح جهانی می‌پردازند.

اگر بخواهیم با رویکرد برساخت‌گرایانه به دوران کودکی نگاه کنیم، از این منظر درک دوران کودکی نیازمند داشتن نگرشی انتقادی فرهنگی و تاریخی نسبت به آن و نیز مرتبط دانستن تجارب مربوط به کودکی (در خانواده و اجتماع، مدرسه و دیگر میدان‌های اجتماعی) باید با دانش و شناخت موجود در جامعه و دیگر فرآیندهای اجتماعی است که نسبت به آن وجود دارد. از این رو، لوزیک (۱۳۸۷) امتیازات رویکرد برساخت‌گرایانه را ارائه مقوله بندی‌هایی که امکان

تعمق بیشتر و نیز تشکیک در خصوص بسیاری از مسائل را فراهم می‌سازد، درک حساسیت‌ها نگرانی‌ها و شکاف‌های اجتماعی گروه‌های مختلف، و توجه دادن به قضاوت‌های اجتماعی و اهمیت گروه‌های ذی‌نفوذ و ادعا سازان اخلاقی می‌داند. به همین دلیل است که در پژوهش حاضر از نظرات نخبگانی استفاده گردید که به شیوه‌های متفاوتی با کودکان در ارتباط بودند و در پی تعاملاتی که تجربه نموده اند به بیان مسائلی پرداختند که کودک با آن درگیر است.

بر مبنای استدلال برساخت گرایانه می‌توان گفت که والدین در فضای خانواده و در تعامل با یکدیگر فعالانه معنای کودک را شکل می‌دهند و بر آن اساس به تنظیم استراتژی‌های خود می‌پردازند به همان‌سان معنای شکل گرفته و تولید شده در مدارس توسط مدیران و اولیای مدرسه، درک آنها و استراتژی‌های مواجهه آنها را شکل می‌دهد و سرانجام خود کودکان در محیط‌های نهادین (مهدکودک مدرسه و زمین بازی) فعالانه به تولید معنا می‌پردازند و فرهنگ همسالان را می‌آفرینند (ذکائی، ۱۳۹۵: ۲۶).

از جمله نقش جامعه در پدید آمدن مسائلی که کودکان با آن درگیر هستند می‌توان به نقش فرهنگ رسانه‌ای اشاره کرد. مصرف انیمیشن‌ها و رسانه‌های دیجیتال موجب شده است که جغرافیای ارتباطی و فراغتی کودکان تحت‌الشعاع قرار گیرد و توجه و اولویت بخشی افراطی به این رسانه‌ها و شکل‌گیری آنچه که لیوینگستون آن را "فرهنگ اتاق خواب" می‌داند، نگرانی‌های جدیدی در مورد افول سرمایه‌های اجتماعی کودکان و فردگرایی فزاینده آنان برانگیزد. همانگونه که بسیاری از داوران نیز به نقش رسانه‌ها و ناتوانی خانواده و جامعه در مدیریت مصرف آنها اشاره نمودند. (ذکائی، ۱۳۹۵: ۲۷). در این زمینه می‌توان تأخر فرهنگی را مشاهده نمود. اعضای جامعه از کودکان تا بزرگسالان از رسانه‌ها به اشکال مختلفی استفاده می‌کنند در حالی که سواد رسانه‌ای آنها بسیار پایین است و مدیریت درستی برای فرهنگ مصرف خود ندارند. به همین دلیل این ناتوانی در مدیریت مصرف رسانه‌ای موجب آسیب پذیری آنها می‌شود.

طبق بررسی‌های این پژوهش هویت به عنوان یکی از ابعاد مسئله محور نسل جدید شناخته شد. این بعد در دیدگاه‌های مختلف یک امر اجتماعی و محصول تعامل افراد با هم است که برآیند دو ویژگی تمایز برون گروهی و شباهت درون گروهی می‌باشد. در نظریات مختلف این بعد انسانی تابعی از تغییرات محیطی است که در مجموع این تغییرات برای شکل‌گیری هویت آنچه از سوی خود فرد کمک کننده خواهد بود امکان مشارکت در سرنوشت خویش است که مجال رسیدن به تفاهم را با کمک کنش ارتباطی در عرصه عمومی فراهم می‌کند. در واقع هویت تابعی است از شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی که باید آن را سیال و در حال شدن در نظر گرفت.

همانطور که در بخش‌های مختلف پژوهش مشاهده شد، بدن و مدیریت آن یکی از مسائل جهان امروز به ویژه برای نسل‌های جدید است. در نظریات اجتماعی، مدیریت بدن پدیده‌های مدرن است که با مفاهیم هویت یابی، تمایز و منزلت‌گره خورده است. از جمله نظریه پردازان اجتماعی شاخص در این رابطه می‌توان به نظریات بوردیو، الیاس، گافمن، گیدنز، بودریار و غیره اشاره کرد که تقریباً همگی معتقد هستند در جهان امروز بدن ابزاری برای رسیدن به هویت اجتماعی است که توسط خود فرد ساخته و پرداخته می‌شود؛ ابزاری برای ایجاد احساس تمایز و تشخیص در میان انبوه افراد جامعه.

مدگرایی نیز همانند مدیریت بدن با مفاهیم شباهت، تمایز و هویت ارتباط قوی دارد. مدگرایی و میل به دیده شدن بر اساس آنچه بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی عنوان کرده‌اند، از طبقات بالا به عنوان نقطه برای تمایز آغاز شده و کم کم به طبقات پایین جامعه سرایت می‌کند و در نهایت خاموش شده و مد جدید شکل می‌گیرد؛ مانند یک دور و جریان چرخشی به تغییر و تحول خود ادامه می‌دهد. این پدیده در طبقات بالا به منظور ایجاد تمایز پیگیری می‌شود حال آنکه طبقات پایین به دلیل اینکه می‌خواهند خود را به طبقه بالا منصوب کنند یا به آنها نزدیک و شبیه باشند از این پدیده پیروی می‌کنند. مدگرایی را نیز می‌توان یکی دیگر از ابزارها برای تعریف هویت اجتماعی فردی دانست. بر اساس نظریات مختلف این واقعیت اجتماعی به همراه مفهومی مثل سلیقه باعث ایجاد ترجیحات درون گروهی یکسان و برون گروهی متفاوت و در نتیجه هویت طبقاتی اجتماعی متفاوت در جامعه می‌شود.

بر اساس نظریات مختلف امروزه نقش‌هایی که وسایل ارتباط جمعی بر عهده دارند عبارتند از فرهنگ‌پذیری، آموزش، اطلاع رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی، هویت سازی و تقویت هویت فردی و اجتماعی و در برخی منابع دیگر این نقش‌ها اینگونه تعریف شده‌اند وظایف اخلاقی (حمایت از هنجارهای اجتماعی)، امکان اعطای پایگاه اجتماعی، برخی وظایف نامطلوب (مانند تخدیر اجتماع با ایجاد نوعی مشارکت خیالی در واقعیت). برخی دیگر از منابع هم سه نقش مشخص را برای رسانه‌ها تعریف کرده‌اند: نظارت بر محیط (نقش خبری)، ایجاد و توسعه همبستگی‌های اجتماعی افراد (نقش راهنمایی)، انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی). اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباط جمعی در جوامع معاصر نیز به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای آنها نقش آموزش موازی یا آموزش دائمی قائل هستند. بنابر آنچه شرح آن رفت تمام نظریات مطرح شده حول یک محور اساسی برای مسائل نسل جدید می‌گردد و آن هویت اجتماعی است و راه‌های شکل‌گیری و تقویت آن.

این پژوهش با هدف شناخت مسائل اولویت دار کودک امروز ایران و با استفاده از روش دلفی صورت گرفته است. داده‌های این پژوهش در طی سه راند دلفی جمع‌آوری گردیده است. داده‌های راند اول با استفاده از گروه متمرکز و مصاحبه با سؤالات باز جمع‌آوری شده است. پس از تحلیل داده‌های راند اول در راند دوم مسائل مطرح‌شده از سوی داوران محترم در قالب پرسشنامه با استفاده از سه ملاک فراگیری و شیوع مسئله در جامعه، شدت آسیب‌رسانی مسئله که موجب درگیری اذهان عمومی می‌شود و قابلیت اصلاح و تغییر مسئله در جامعه مورد سنجش قرار گرفت. پس از تحلیل داده‌های این راند و حذف برخی از گویه‌ها با تعیین خط برش گویه‌های باقیمانده در راند سوم در دو بخش مورد سنجش قرار گرفت. در بخش اول میزان اهمیت هر یک از گویه بر روی طیفی از سوی داوران مشخص گردید و در بخش دوم نیز جایگاه هر یک از مسائل بر روی درخت مسائل تعیین گردید. سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پیش از هرچیز ابتدا به نکاتی که از تحلیل تم انجام شده بر داده‌های برگرفته از متون مصاحبه و گروه متمرکز به دست آمده است نگاهی می‌افکنیم. در راستای پژوهش فوق جهت غنی تر شدن مطالب علاوه بر روش دلفی از روش تحلیل تم هم استفاده شده است که علاوه بر اینکه چگونگی ارتباط کدها را با یکدیگر نشان دهیم، بتوان از کدهای سطح اول بهتر و شایسته‌تر استفاده نمود. از متون استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و متن جلسات گروه متمرکز پس از سه بار بررسی

توسط اعضای تیم تحقیق مجموعاً ۱۷۷ کد استخراج شد که پس از بررسی همه‌جانبه این کدها آنها را در غالب ۵۲ مقوله فرعی طبقه‌بندی کرده و دوباره با بررسی مقولات فرعی و مضمون هسته‌ای آنها به تعداد ۲۰ مقوله اصلی دست یافتیم که این مقولات اصلی عبارت‌اند از :

۱- مهارت های شناختی ضعیف ۲- مشکلات نظام آموزشی ۳- بی‌توجهی به خود کودک به عنوان فرد مختار ولی نیازمند به توجه و مراقبت با نیازهای خاص کودکی ۴- تک فرزندی ۵- نداشتن امکانات بازی فعال و فیزیکی و بی‌توجهی امکان طبیعی محیط‌زیست ۶- مدیریت ضعیف در حوزه کودکان خاص ۷- ناآگاهی والدین و ضعف مهارت های والدگری و فرزند پروری ۸- توجه افراطی به کودک، کاهش مسئولیت‌پذیری و عدم پرورش کودک برای نقش های بزرگ‌سالی ۹- مهارت های زندگی ضعیف ۱۰- ضعف در اخلاق ۱۱- تربیت جنسی ضعیف ۱۲- شرایط خانوادگی ناایمن با مقولات ۱۳- آسیب‌های رسانه و مدیریت ضعیف استفاده از آن ۱۴- مشکلات روان‌شناختی ۱۵- تناقضات تربیتی در جامعه ۱۶- نگاه جنسیتی به کودک ۱۷- تفاوت نسلی با والدین ۱۸- تصور هوش بالای کودک ۱۹- کودکی تخریب‌شده ۲۰- مسائل مربوط به هویت و ابعاد ان

براساس اولویت بندی صورت گرفته برای مقولات چهار مقوله برگزیده در مبحث کودک عبارتند از :

- مسائل مربوط به هویت و ابعاد ان
- تصور هوش بالای کودک
- آسیب های رسانه و مدیریت ضعیف استفاده از ان
- مشکلات نظام آموزشی

در تحلیل دلفی صورت گرفته نیز یافته‌ها نشان می‌دهند از مهم‌ترین مسائل اولویت دار کودک به ترتیب می‌توان به

- ۱- ضعف عملکرد نظام تربیتی در مدارس: شاخه
- ۲- سنجش یکسان همه افراد و بی‌توجهی به تفاوت‌ها در مدارس
- ۳- محدودیت در فعالیت فیزیکی و بازی به واسطه آپارتمان‌نشینی: تنه
- ۴- شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی و در نتیجه جدایی کودک از طبیعت: تنه
- ۵- تهیه تبلت در سن کودکی برای کودک: تنه
- ۶- تحمیل انتظارات به کودک در نهادهای آموزشی: تنه
- ۷- کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است: شاخه
- ۸- اعتیاد والدین به فضای مجازی و بی‌توجهی به کودک: تنه
- ۹- اعطای بخش اعظم توجه والدین به بخش کوچکی از نیازهای کودک : تنه
- ۱۰- سطح سواد رسانه‌ای پایین در خانواده‌ها و ناتوانی در نظارت بر استفاده کودک از رسانه: تنه

اشاره کرد. لازم به ذکر است این مسائل در راند دوم نیز به عنوان مسائلی با بیشترین میزان شیوع و فراگیری از سوی داوران مورد توجه قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است بیشتر مسائل مطرح شده از سوی داوران برای کودک ریشه در خانواده و نظام آموزش دارد به همین دلیل این دو حوزه نیازمند توجه بیشتری می‌باشند.

در بررسی‌های بیشتر به منظور تشخیص نظرات گروه‌های مختلف داوران از حیث سابقه کاری، رشته تحصیلی و حیطة فعالیت نتوانستیم تفاوت قابل لمسی را مشاهده کنیم و تقریباً همه داورها از همه طبقات در این مسائل اجماع نظر داشته‌اند اما این اجماع نظر را هنگام ترسیم درخت مسائل کودک و شناسایی جایگاه هر یک از آنها در آن نمیتوان مشاهده کرد و دیدگاه آن‌ها نسبت به تجربیات داوران متفاوت بوده است.

با بررسی درخت مسائل کودک می‌توان دریافت که بیشتر مسائل به ترتیب مربوط به تنه، ریشه و سپس شاخه می‌باشد. عمده مسائل تنه مربوط به نهادهای آموزشی، خانواده و جامعه بوده. این موارد شامل فضایی است که خانواده، نهادهای آموزشی و جامعه برای کودک به وجود آورده و موجب ایجاد مشکلاتی برای کودک شده‌اند. همچنین برخورد و مواجهه‌ای که این سه گروه با کودک دارند را نیز شامل می‌شود. بخشی که مربوط به خود کودک می‌باشد نیز هر چند تعداد کمی را شامل می‌شود اما بیشتر به فعالیت فیزیکی کودک مربوط است.

در مورد ریشه درخت مسائل باید گفت از دیدگاه داوران محترم این مسائل پس از تنه بیشترین فراوانی را دارند. این مسائل بیشتر شامل مسائل مربوط به خانواده که شامل آسیب‌های خانوادگی و مهارت‌های ارتباط با کودک و مهارت‌های رسانه‌ای است؛ می‌باشد. از موارد دیگر مورد تاکید، مسائل مرتبط با متولیان تربیتی بوده که شامل نحوه تعامل و برنامه‌ریزی آنها، محتوا و مدیریت آموزشی و تربیتی است.

مسائل مربوط به شاخه نیز که بخش کمی از این دسته‌بندی را تشکیل می‌دهند مربوط به وابستگی کودک به رسانه و فضای مجازی و تأثیرپذیری بالا از آنها می‌باشد.

کودک به شخصه دارای مشکلات عدیده‌ای که تصور می‌شود با آنها رو برو شده و از خود وجودی کودک نشأت گرفته، نیستند و این جامعه و نهادهای آن مانند خانواده و نظام آموزش و پرورش هستند که با شیوه‌های غلط و نادرست تربیتی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های غیراصولی برای کودک مسئله به وجود می‌آورند و باید این مشکلات به صورت همه‌جانبه مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان از پیش‌آمدهای دشوار و موقعیت‌های سخت نامعقول غیرمعمول برای این اقشار جلوگیری نموده و نسلی تربیت کنیم که بتوانند بهترین معلمان و مربیان نسل‌های بعدی باشند و این زنجیر تربیتی نه بدون هیچ‌گونه مشکل بلکه با کمترین خطا را که البته قابل اصلاح سریع باشد پیش رود و پیشرفت کند.

در تطبیق نتایج این پژوهش با مطالعات قبلی ابتدا ذکر یک نکته مفید خواهد بود و آن اینکه تمامی تحقیقاتی که قبلاً انجام شده است تنها و تنها به موضوعاتی که درباره خود کودک است می‌پردازد یعنی موضوعاتی که علت آنها همین دو گروه هستند و به محیط پیرامون توجهی ندارند.



بعد از آنکه مولفه های برگزیده کودک را در رابطه با مسائل اولویت دار راند سوم مشخص کردیم از بین ۳۵ اولویت کودک تنها دو مورد از آنها راجع به خود کودک و سایرین به دلایلی خارج از او و با محوریت محیط بیرونی او بودند. نتایج این پژوهش در بخش کودک با نتایج اکثر پژوهش های پیشین مانند تاکور (۲۰۱۹)، سجادی (۱۳۹۷) و ... در عرصه مشکلات حوزه آموزشی و مشکلات خانوادگی هم راستا است.

در آخر باید گفت کودک را نمی توان موجوداتی منفعل تصور نمود. آنها در فرایند رشد خود در گروه های متفاوتی عضو هستند؛ شبکه ارتباطی پیچیده ای با خانواده، دوستان، اعضای محله و مدرسه، و همچنین جامعه و یا حتی به واسطه رسانه ها، با جهان دارند. از این رو در بررسی مسائلی که آنها با آن درگیر هستند لازم است در ابتدا به مسائل ریشه ای در این سطوح و شبکه های ارتباطی توجه نمود تا بتوان در سطوح مختلف به بهبود شرایط آنان و کاهش مسائلی که با آن درگیر هستند، پرداخت.

بسیاری از عواملی که به صورت ریشه ای در خانواده و جامعه وجود دارند می توانند سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی کودک را دچار آسیب کنند. به عنوان مثال عواملی مانند عملکرد نادرست خانواده، سوء رفتار و خشونت، فقر، سوء مصرف مواد، بی سرپرستی، کاستی های مربوط به نظام آموزشی، محتوای نامناسب رسانه ها، ضعف سیستم آموزشی و رسانه ها در مهارت آموزی در حوزه های مختلف به کودک و امثال آن از مهمترین عواملی هستند که در شکل گیری مشکلات کودک نقش بارزی دارند. در صورتی که به این عوامل پرداخته نشود و بهبودی حاصل نگردد، موجب بروز مشکلات بعدی خواهند شد. در نتیجه چرخه باطلی در جامعه شکل می گیرد؛ به این صورت که کودکان وارد دوره نوجوانی می شوند و نوجوانان، دوره جوانی را تجربه می کنند. آنها در این دوره تشکیل خانواده می دهند و مجدداً دارای فرزند خواهند شد. این چرخه معیوب و عدم رسیدگی به مسائل ریشه ای موجب می گردد که کودکانی که آسیب زیادی دیده اند در جایگاه والدین قرار بگیرند و مجدداً به دلیل ناتوانی در مدیریت شرایط نامطلوب زندگی، توانایی کافی در حل مشکلات فرزندان خود را نخواهند داشت. از سوی دیگر، از آنجا که بسیاری از این مسائل ریشه ای به صورت ساختاری هستند نمی توان تنها به افراد و خانواده توجه نمود؛ تا زمانی که مسائل ساختاری در جامعه و در نهادهای مختلف حل نگردند این چرخه معیوب ادامه خواهد داشت. در نتیجه همان گونه که می دانیم انجام تحقیقات مختلف و نتایج متفاوتی که از برون داد آنها حاصل می گردد زمانی می تواند مفید و موثر باشد که مورد توجه مسئولین در رده های بالاتر جامعه قرار گیرد و اصلاحات اساسی در ساختارها و نهادهای جامعه حاصل گردد. در غیر این صورت و تداوم روند محافظه کارانه و قدیمی، همچنان باید شاهد هزینه های روانی اجتماعی و اقتصادی و افزایش آسیب ها و مسائل اجتماعی باشیم. لازم به ذکر است که مسائل ریشه ای و ساختاری تنها با بهبود شرایط فردی و خانوادگی حل نخواهند شد و نیاز مند توجه جدی هستند.

### محدودیت های پژوهش

۱. کمبود زمان و سنگینی کار با توجه به تفکیک دو گروه کودک و نوجوان در پژوهش
۲. عدم همکاری داوران با گروه پژوهش علی رغم پیگیری های مداوم اعضای گروه.

۳. شرایط و محدودیت های کرونایی در کشور و عدم اجرای به موقع راندها طبق برنامه‌ی مشخص شده.

### پیشنهادها و راهکارها

۱. از آنجایی که بیشتر مسائل کودکان ریشه در خانواده دارد لازم است یک دوره آموزش مهارت فرزند پروری همچون دوره‌های آموزش پیش از ازدواج به صورت اجباری برگزار گردد. والدین پیش از اقدام به فرزند آوری باید مهارت‌های فرزند پروری و نحوه برخورد با کودک را بیاموزند و اگر با کودک از همان ابتدا به درستی برخورد شود در سایر دوره‌های زندگی با مشکل کمتری مواجه خواهد شد.

۲. پاره‌ای از مسائل نیز ریشه در نظام آموزش و پرورش دارد و پیشنهاد می‌شود که متولیان و برنامه‌ریزان آموزشی در تهیه محتوای درسی و نظام‌های تربیتی مدارس تجدیدنظر نموده و یک سند آموزشی اصولی و متناسب با نیازهای کودکان تهیه نمایند و در آن به بومی‌سازی‌های آموزشی و تفاوت‌های بین فردی توجه نمایند.

۳. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در برنامه‌سازی‌های رسانه‌ای و تولید محتوای فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد و به شناسایی مسائل کودکان امروز و یافتن راهکار برای حل آن مورد استفاده قرار گیرد.

۴. تعدادی از داوران همچون آقای مهران درخشان، خانم شبنم حقانی، آقای محمد ترکمانی، آقای قربانی، خانم مهین برخوردار به صورت جدی و مشتاقانه همکاری نمودند که در صورت نیاز می‌توانید از نظرات این عزیزان نیز بیشتر بهره‌مند گردید.

## منابع و مآخذ:

- آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسن، ۱۳۸۱، بدن به مثابه رسانه هویت، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۵-۵۷.
- آقاگدی، پریسا؛ و اعتمادی، احمد، ۱۳۹۱، بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گلاسر بر تحول الگوی هویت نوجوانان، مطالعات روانشناختی دانشگاه الزهراء، دوره ۸، شماره ۴، صص ۵۵-۳۳.
- احمدی، خدابخش؛ آسیب پذیری اجتماعی فرهنگی تربیتی در میان جوانان و نوجوانان، علوم رفتاری پاییز ۱۳۸۹، دوره چهارم - شماره ۳ (۲۴۱ تا ۲۴۸)
- اسدی، م.، و حسینی، م.، و شهسواری، س. (۱۳۹۳). بررسی رفتارهای پر خطر در نوجوانان دانش آموز. پژوهش و سلامت (JOURNAL OF RESEARCH AND HEALTH), ۴(۴), ۸۸۳-۸۷۸.   
 <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۵۲۱۶۹>
- اسداللهی، مرضیه. زهره رافضی (۱۴۰۰)، بررسی تاثیرات روانی ویروس کرونا و قرنطینه ی پس از آن بر کودکان با استفاده از آزمون های ترسیمی : مطالعه موردی، فصلنامه روانشناسی بالینی، دوره ۱۳، شماره ۲.
- اصلاح عربانی، نرگس (۱۳۹۱)، عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در بزهکاری کودکان و نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران در سال ۱۳۹۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- افضلی، رسول؛ زارعی، بهار؛ احمدی، عباس؛ و محسنی سهی، سیدضیا، ۱۳۹۷، تبیین اثرات شکاف نسلی بر هویت اجتماعی- سیاسی دانش آموزان شهر تهران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۹۸، صص ۳۳۴-۳۰۳.
- انیسی، جعفر؛ سلیمی، حسین؛ میرزمانی، محمود؛ رئیسی، فاطمه؛ نیکنام، مژگان (۱۳۸۶)، بررسی مشکلات رفتاری نوجوانان، مجله علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۷۰-۱۶۳.
- بهداروند، نرگس، ۱۳۹۱، بررسی آسیب های نوپدید در نوجوانان استان خوزستان، نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب های اجتماعی نوپدید، تهران، <https://civilica.com/doc/۲۶۸۳۸۱>
- پیلتن، فخرالسادات، و طالبی، حسین، ۱۳۹۲، بررسی عوامل اجتماعی گرایش به مد در بین نوجوانان (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر میناب)، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۶۴-۴۹.
- جعفری، علی، آسیب های ناشی از عضویت و فعالیت در شبکه های اجتماعی در میان نوجوانان و جوانان اردبیل، پژوهش های ارتباطی پاییز ۱۳۹۵ - شماره ۸۷ ( ۱۵۹ تا ۱۸۰ )
- چلبی، م. ۱۳۷۵، هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت اجتماعی، تهران، وزارت کشور.

- حبیب زاده ملکی، اصحاب و قاسمی، محمد، ۱۳۸۸، رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی- تصویری و بزهکاری نوجوانان، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۹۵-۱۲۰.
- حسینی انجدانی، مریم؛ درویزه، زهرا؛ خسروی، زهره؛ و پورشهریاری، مه‌سیما، ۱۳۸۸، نقش رسانه‌ها در رشد هویت ملی نوجوانان شهر تهران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۳۹-۶۴.
- ذکایی محمد سعید(۱۳۹۳).جامعه شناسی جوانان، چاپ ششم، نشر آگه.
- ذکایی محمد سعید(۱۳۹۵). مطالعه کودکی: مفاهیم، رویکرده و مسائل محوری. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی ارتباطات، سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار.
- رابینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین، ۱۳۹۱، رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسایل اجتماعی، ترجمه رحمت اله صدیق سروستانی، چاپ ۷، تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی والا، محمدرضا و کاویانی فر، سحر و مقدم، زهره و معصومی، فاطمه، ۱۳۹۶، بررسی آسیب‌های شبکه‌های مجازی برسبک زندگی جوانان و نوجوانان، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/713945undefined,undefined>
- رضاقلی‌زاده، بهنام(۱۳۹۹)، بررسی آسیب‌های اجتماعی نوجوانان و نقش رسانه در پیشگیری و کنترل آن، رسانه سال، شماره ۱ (پیاپی ۱۱۸).
- رفعت‌جاه، مریم، ۱۳۸۶، هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱۷۹-۱۳۵.
- سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۹۲، روش‌شناسی آینده‌نگاری، ترجمه سعید خزایی و امیر محمودزاده، اصفهان: علم‌آفرین.
- سجادی، حمیرا، وامقی مروئه، محمدی شاه‌بلاغی فرحناز، علی دلارام، و محقق‌کی کمال سید حسین(۱۳۹۷). حوزه‌ها، مولفه‌ها و نشانگرهای بهزیستی کودکان در ایران: یک مطالعه دلفی. مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۴۴-۳۰.
- سخاوت، جعفر( ۱۳۷۴ )، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، پیام نور، چاپ اول.
- شالچی، بهزاد و کلاهی حامد، صبا، ۱۳۹۷، ارتباط ساختاری شکاف میان نسلی با اینترنت در میان نوجوانان، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۴۰، صص ۹۷-۱۱۱.
- صباغ، صمد؛ و شالفروش، آرزو، ۱۳۹۷، بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن، مجله دانشگاه آزاد واحد تبریز، نسخه آنلاین، [.https://jss.tabriz.iau.ir/m/article\\_520921.html?lang=fa](https://jss.tabriz.iau.ir/m/article_520921.html?lang=fa)

- صدری، لیلا؛ شهریاری احمدی، منصوره؛ و تجلی، پریسا، ۱۳۹۹، رابطه علی هم‌نواپی با همسالان و مدیریت بدن با میانجیگری وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل در نوجوانان مبتلا به اضطراب اجتماعی، پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، شماره ۴۱، صص ۱۳۶-۱۲۱.
- طباطبائی، سید موسی و الهه ایش نفس (۱۳۹۰)، دو نیمه آسیب‌ها (بررسی عوامل مستعد کننده و بازدارنده ی بروز آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان)، رشد مشاور مدرسه، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۲۴.
- عامریان، فاطمه، ۱۳۹۸، اولویت‌های پژوهش و تولید برنامه برای نوجوانان در صدا و سیما، چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد، <https://civilica.com/doc/981551>
- عبداللہی، محمد، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی بحران هویت، نامه پژوهش، شماره ۳ و ۲.
- عبداللہی، محمد، ۱۳۸۰، گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران، نامه انجمن جامعه شناسی، دوره چهارم، شماره ۴.
- عسکری ندوشن، عباس و همکاران، بررسی ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان یزد، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۴۴ (۲۷۷ تا ۲۹۹).
- عرب مقدم، نرگس و جمشیدی سولکلو، بهنام و شفیعی سروستانی، مریم، ۱۳۹۴، بررسی مسائل و مشکلات جوانان و نوجوانان و اولویت بندی آن (نمونه مورد مطالعه: شهر شیراز)، کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی، بابل، <https://civilica.com/doc/399463>
- علیوردینیا، اکبر، (۱۳۸۲)، آنومی، شهرنشینیو پیشگیری از جرم، مجموعه مقالات همایش جرم، مازندران، چاپ اول.
- فیروزی، م.، و نوشادی، ن.، و کاظمی، ع. (۱۳۹۵). تعیین شاخص‌های سلامت روانی-اجتماعی در کودکان و نوجوانان استان کهگیلویه و بویر احمد. ارمغان دانش، ۸(۲۱) (پی در پی ۸۱۵-۸۰۴)، (۱۱۵)
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=295638>
- فخرایی، مرضیه؛ کیقبادی، مرضیه، ۱۳۹۶، نگاهی به روش‌های آینده‌پژوهی، چاپ ۲، تهران: آینده‌پژوه.
- قاسمی، الهام، مروری بر اختلالات روانی، مشکلات رفتاری و انواع درمان‌های آن در دروان نوجوانی، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال سوم، دی ۱۳۹۹، شماره ۳۱.
- کاستلز، امانوئل، ۱۳۸۵، عصر اطلاعات، قدرت و هویت، ترجمه: حسن چاووشیان، جلد ۲، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کرمانی، علیرضا (۱۳۹۷)، گذر از کودکی: بررسی تجربه رفتارهای پرخطر در زندگی روزمره نوجوانان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

- کورسارو، ویلیام ای (۱۳۹۳). جامعه شناسی کودکی. ترجمه علیرضا کرمانی و مسعود رجبی اردشیری. چاپ اول، تهران، نشر ثالث.
- کوئن، بروس (۱۳۷۵)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه واقتباس دکتر غلامعباس توسلی - رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی نیا.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، تجدد و تشخیص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، انتشارات نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش کیفی، تهران، انتشارات جامعه شناسان، چاپ دوم.
- محمدی اصل، محمد، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، تهران، نشر علم.
- معارف وند، معصومه، سارا نوروزی (۱۳۹۳). طراحی شاخص غفلت از کودکان در ایران. فصلنامه مددکاری اجتماعی (۳-۹).
- معیدفر، سعید، ۱۳۸۹، مسایل اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر)، چاپ ۱، تهران: علمی.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۷) انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- مودی، فاطمه؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا و حسنی درمیان، غلامرضا، ۱۳۹۲، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مدیریت بدن دختران نوجوان شهرستان مشهد، مجموعه مقالات تحولات سبک زندگی در ایران، ۵۱۱-۴۷۹.
- مهرگان، آمنه (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر ناپهنجاریهای رفتاری دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های دخترانه‌ی رشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد پرند.
- نادریان جهرمی، مسعود؛ و پژوهان، فاطمه، ۱۳۹۸، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش جوانان به مدیریت بدن، مطالعه موردی: جوانان ۱۸-۱۶ ساله شهر اصفهان، پژوهش‌های راهبردی مسایل اجتماعی ایران، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۱۶-۱.
- هراد، براین (۱۳۶۲)، جامعه شناسی و مددکاری اجتماعی، ترجمه دکتر محمد حسین فرجاد، رضا ظروفچیان مقدم، انتشارات بدر.
- هزار جریبی، جعفر و همکاران، بررسی نیازها، علایق و اولویت های دختران نوجوان شهر تهران، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۱۸.

- یزدان پرست، ی، و بادامی، ر. (۱۳۹۸). اولویت بندی عوامل مؤثر بر ترک ورزش های تیمی در نوجوانان بر اساس جنسیت. روانشناسی ورزش، ۴(۱)، ۵۸-۷۱.

۵۰۲۸۰۴ <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=>

- یوسفزاده سپیده (۱۳۸۶). وضعیت کودکان ایران: تحلیل وضعیت، رویکردها و چالشها. دوفصلنامه بین المللی حقوق بشر، دوره ۰۲، شماره ۲-.

- Azadi, T., Sadoughi, F., & Khorasani-Zavareh, D. (2020). Using the Modified Delphi Method to Propose and Validate Components of a Child Injury Surveillance System for Iran. *Perspectives in health information management*, 18(Winter), 1k. (Retraction published Perspect Health Inf Manag. 2020 Dec 07;18(Winter):1ka)

- Child and Adolescent Development: <https://www.unhcr.org/protection/children/3bb81bad4/action-rights-children-arc-foundations-child-adolescent-development.html>

- Daniel T. L. Shek, Hing Keung Ma, Rachel C. F. Sun, "A Brief Overview of Adolescent Developmental Problems in Hong Kong", *The Scientific World Journal*, vol. 11, Article ID 896835, 14 pages, 2011. <https://doi.org/10.1100/2011/896835>

- de Anda, D., Franke, T.M. & Becerra, R.M. Latino Parents' and Adolescents' Perceptions of the Needs and Issues of Adolescents in Their Community. *Child Adolesc Soc Work J* 26, 415-430 (2009). <https://doi.org/10.1007/s10560-009-0176-y>

- Dimov S, Mundy LK, Bayer JK, Jacka FN, Canterford L, Patton GC. Diet quality and mental health problems in late childhood. *Nutr Neurosci*. 2021 Jan;24(1):62-70. doi: 10.1080/1028415X.2019.1592288. Epub 2019 Mar 20. PMID: 30890044.

- Gillis, L., Tomkinson, G., Olds, T. et al. Research priorities for child and adolescent physical activity and sedentary behaviours: an international perspective using a twin-panel Delphi procedure. *Int J Behav Nutr Phys Act* 10, 112 (2013). <https://doi.org/10.1186/1479-5868-10-112>

- Gillis, Lauren & Tomkinson, Grant et all. (2013). Research priorities for child and adolescent physical activity and sedentary behaviours: An international perspective using a twin-panel Delphi procedure. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*. 10. 10.1186/1479-5868-10-112.

- Gongala, Sagary (2022): 11 Common Problems Of Adolescence, And Their Solutions; [https://www.momjunction.com/articles/problems-of-adolescence\\_00381378/](https://www.momjunction.com/articles/problems-of-adolescence_00381378/)

- Guthold, Regina et al (2021), Priority Areas for Adolescent Health Measurement, DOI: <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2020.12.127>

- J Hindin, Michelle & Charlotte Sigurdson Christiansen & B Jane Ferguson (2013), Setting research priorities for adolescent sexual and reproductive health in low- and middle-income countries

[https://www.scielosp.org/article/ssm/content/raw/?resource\\_ssm\\_path=/media/assets/bwho/v91n1/a07v91n1.pdf](https://www.scielosp.org/article/ssm/content/raw/?resource_ssm_path=/media/assets/bwho/v91n1/a07v91n1.pdf)

- Jacobs, Niels & Dehue, Francine & Völlink, Trijntje & Lechner, Lilian. (2014). Determinants of adolescents' ineffective and improved coping with cyberbullying: A Delphi study. *Journal of Adolescence*. 37. 373–385. 10.1016/j.adolescence.2014.02.011.
- Kobeissi, L., Nair, M., Evers, E.S. et al. Setting research priorities for sexual, reproductive, maternal, newborn, child and adolescent health in humanitarian settings. *Confl Health* 15, 16 (2021). <https://doi.org/10.1186/s13031-021-00353-w>
- Kumari, Priyanka, PROBLEMS OF A DOLESCENCE, nstitute of Psychological Research and Service
- Levy , Sharon(2020), *Introduction to Problems in Adolescents: https://www.msmanuals.com/professional/pediatrics/problems-in-adolescents/introduction-to-problems-in-adolescents*
- Liu, J., Chen, X., & Lewis, G. (2011). Childhood internalizing behaviour: analysis and implications. *Journal of psychiatric and mental health nursing*, 18(10), 884–894. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2850.2011.01743.x>
- Mohammadipour, F., Fathi, M., Amirkhani, M., Nouriyengejeh, S., & Pourabbasi, A. (2021). Comparison of Behavioral Concerns Priorities among Iranian Adolescent Boys, Parents and Teachers: Reporting the Results of a Modified Delphi. *International journal of community based nursing and midwifery*, 9(1), 2–17. <https://doi.org/10.30476/ijcbnm.2020.85222.1257>
- Nagata JM, Ferguson BJ, Ross DA. Research Priorities for Eight Areas of Adolescent Health in Low- and Middle-Income Countries. *J Adolesc Health*. 2016 Jul;59(1):50-60. doi: 10.1016/j.jadohealth.2016.03.016. Epub 2016 May 24. PMID: 27235375; PMCID: PMC5357763.
- Nagata, Jason & Ferguson, Jane & Ross, David. (2016). *Research Priorities for Eight Areas of Adolescent Health in Low- and Middle-Income Countries. Journal of Adolescent Health*. 59. 10.1016/j.jadohealth.2016.03.016.
- O'Connor, Erin & Collins, Brian & Supplee, Lauren. (2012). Behavior problems in late childhood: The roles of early maternal attachment and teacher–child relationship trajectories. *Attachment & human development*. 14. 265-88. 10.1080/14616734.2012.672280..
- O'Donnell, Jennifer(2021), Common Issues Facing Teens ;How Parents and Caregivers Can Help, <https://www.verywellmind.com/problems-of-troubled-youth-ways-to-help-3288314>
- Patna University: <https://docplayer.net/197633894-Problems-of-adolescence.html>
- Rafiei, H., Madani-GHahfarokhi, S., Vameghi, M. (2008). Priorities of Social Problems in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 9(1,2), 151-160.
- Ramona Buzgar, Daniela Dumulescu, Adrian Opre, Emotional and Social Problems in Primary School Children: A National Screening Program, *Procedia - Social and Behavioral*



Sciences, Volume 78, 2013, Pages 250-254, ISSN 1877-0428, <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.04.289>.

(<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042813008586>)

- Ryan, S.M., Jorm, A.F., Kelly, C.M. et al. Parenting strategies for reducing adolescent alcohol use: a Delphi consensus study. *BMC Public Health* 11, 13 (2011). <https://doi.org/10.1186/1471-2458-11-13>

- Sikora, Renata. "Risk behaviors at late childhood and early adolescence as predictors of depression symptoms" *Current Problems of Psychiatry*, vol.17, no.3, 2016, pp.173-177. <https://doi.org/10.1515/cpp-2016-0018>

- Spinelli Maria, Lionetti Francesca, Pastore Massimiliano, Fasolo Mirco(2020). Parents' Stress and Children's Psychological Problems in Families Facing the COVID-19 Outbreak in Italy, *JOURNAL=Frontiers in Psychology* : <https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fpsyg.2020.01713/full>

- Thakur, vipan(2019); /top-10-terrible-issues-facing-children-india-vipan-thakur : <https://www.linkedin.com/pulse/top-10-terrible-issues-facing-children-india-vipan-thakur>

- Thomas P. Gullotta(2015), *Handbook of Adolescent Behavioral Problems*: <https://link.springer.com/book/10.1007/978-1-4899-7497-6>

- Jenkins, Richard.(2004). *Social Identity*, 2nd edition London and New York: Routledge

- Wahid, S. S., Ottman, K., Hudhud, R., Gautam, K., Fisher, H. L., Kieling, C., Mondelli, V., & Kohrt, B. A. (2021). Identifying risk factors and detection strategies for adolescent depression in diverse global settings: A Delphi consensus study. *Journal of affective disorders*, 279, 66–74. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2020.09.098>

- Wu LT, Anthony JC. Tobacco smoking and depressed mood in late childhood and early adolescence. *Am J Public Health*. 1999 Dec;89(12):1837-40. doi: 10.2105/ajph.89.12.1837. PMID: 10589312; PMCID: PMC1509011.

- <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/adolescent-mental-health>

- <https://www.earlychildhoodcentral.org/media/ten-things-every-child-needs>

- <https://www.humanium.org/en/iran/>

- <https://www.momnewsdaily.com/parenting/child-care/what-are-the-ten-things-every-child-needs/>

- <https://www.parents.com/kids/health/5-real-world-issues-that-worry-young-kids/>

- <https://www.unhcr.org/protection/children/3bb81bad4/action-rights-children-arc-foundations-child-adolescent-development.html>

- <https://www.unicef.org/innovation/stories/workshop-establishing-innovation-fund-iran>

- <https://www.unicef.org/media/current-issues>

- [https://www.unicef-irc.org/publications/pdf/IWP\\_2016\\_13](https://www.unicef-irc.org/publications/pdf/IWP_2016_13)

## پیوست‌ها

### پیوست ۱: پرسشنامه کودک راند دوم

#### بنام خدا

با عرض سلام، ادب و احترام

پرسشنامه زیر به منظور پروژه شناخت مسائل کودک امروز و اولویت‌بندی آن‌ها تحت نظارت رصدخانه نوجوان طراحی گردیده است. همان‌گونه که مشاهده می‌فرمایید مشکلات مطرح شده توسط داوران محترم در پرسشنامه ارائه شده است. از شما پاسخگوی محترم خواهشمندیم برای هر یک از مسائل، در قسمت ملاک‌ها نمره‌ای از ۱ تا ۵ را اختصاص دهید. (نمره ۱: عدم پذیرش آن ملاک برای هر مسئله، نمره ۲: موافقت بسیار کم، نمره ۳: موافقت در حد کم، نمره ۴: موافقت در حد زیاد و نمره ۵: موافقت بسیار زیاد شما با هر ملاک است).

ضمی‌مانه از همکاری شما و اختصاص وقت ارزشمندتان برای پاسخگویی سپاسگزاریم.

#### راهنمای تعریف ملاک‌ها:

**فراگیری و شیوع مسئله در جامعه:** این مسئله در جامعه و در بین کودکان و یا خانواده‌ها بسیار گسترش پیدا کرده است و رایج است.

**شدت آسیب‌رسانی مسئله که موجب درگیری ذهن افکار عمومی می‌شود:** میزان پیامدهای منفی ناشی از مسئله و تأثیرات منفی آن بر فرد، خانواده و جامعه را مطرح می‌سازد که باعث می‌شود افراد زیادی در جامعه در مورد این مسئله نگران شوند و یا در مورد آن صحبت کنند.

**قابلیت تغییر و اصلاح مسئله در جامعه:** این مسئله با وجود گستردگی و آسیب‌هایی که دارد، قابل حل است و با برنامه‌ریزی و آموزش صحیح می‌توان آن و یا پیامدهایش را کاهش داد.

ردیف	گویه‌ها	نمره مسئله بر اساس هر ملاک
و سنخ شناسی مسائل		فراگیری و شیوع مسئله در جامعه شدت آسیب‌رسانی مسئله که موجب درگیری ذهن افکار عمومی می‌شود قابلیت تغییر و اصلاح مسئله در جامعه
الف	در این بخش مسائل ناظر به شخص کودک (شامل مسائل مربوط به شخصیت، رفتار تمایلات، گرایش‌ها، روحیات و روان کودک) مورد بررسی قرار خواهد گرفت	
۱	کودک اشتغال ذهنی زیادی به کلمات جنسی پیدا کرده است.	
۲	کودک نسبت به اندام‌ها و فعالیت‌های جنسی زیاد فکر می‌کند.	
۳	کودک تمایل به انجام بازی‌های همراه با لمس یا رفتار جنسی با دیگر کودکان دارد	

۴	کودک به واسطه برخی شرایط فیزیکی یا محیطی در سنین پایین تر علائمی از بلوغ را بروز می‌دهند.
۵	مهارت حل مسئله در کودک ضعیف است (عدم مهارت در برخورد فعالانه در جستجو و تشخیص مسئله‌ها، مشکلات و فرصت‌ها، استفاده از منطق و مهارت قضاوت در جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و جستجو و خلق راهکارها، مقایسه‌ی راهکارهای مختلف و انتخاب بهترین شیوه برای مواجهه با یک مسئله)
۶	کودک از مسائل ویژه خود ناآگاه است
۷	مهارت استدلال ورزی و تحلیل و تفکر نقادانه در کودک ضعیف است
۸	کودک مطالبه گر نیست
۹	کودک در انتخاب محتوا و یادگیری آموزش‌ها منفعل است.
۱۰	کودک دلیل و فایده آموزش‌هایی که می‌بیند نمی‌داند
۱۱	کودک از خلاقیت پایین رنج می‌برد
۱۲	کودک نمی‌تواند آنچه را که آموخته است عملیاتی کند
۱۳	کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی نداشته در عوض بازی‌های رایان‌های و فردی را ترجیح می‌دهند
۱۴	کودک شهامت اقدام و جسارت کسب تجربه و جبران اشتباه را ندارد
۱۵	کودک از بی‌ثباتی شخصیتی والدین رنج می‌برد (عدم ثبات احساسی، اضطراب یا الگوی رفتاری خودوبرانگر، تردید و دودلی، تغییرات سریع در طرز رفتار، احساسات و اندیشه در والدین)
۱۶	کودک در مهارت‌های ارتباطی ضعیف است
۱۷	تاب آوری پایین و قدرت تحمل ضعیف از مسائل کودک است
۱۸	در کودک ظرفیت همدلی و درک متقابل به شدت کم شده است
۱۹	کودک دچار وابستگی به فضای مجازی و موبایل است
۲۰	کودک پیش از آشنایی با فضای واقعی با فضای مجازی آشنا می‌شود
۲۱	کودک در برابر رسانه منفعل است
۲۲	برنامه‌هایی که امروز کودکان در رسانه‌ها مشاهده می‌کنند تناسب سن و روحی با آن‌ها ندارد.
۲۳	کودک نیاز به تعامل صمی‌مانه و آرام دارد
۲۴	کودک یا در خانه تنها می‌ماند یا با افرادی غیر از والدین است در نتیجه دچار چندگانگی تربیتی است
۲۵	در کودک دل‌بستگی ایمن شکل نمی‌گیرد (دل‌بستگی ایمن همان دل‌بستگی کودک با اطرافیان به ویژه والدین است که با ویژگی‌هایی مانند توانایی جدا شدن از والد، کسب آرامش از والدین به هنگام ترس، هیجان‌ات مثبت به هنگام بازگشت والدین و ترجیح دادن والدین بر بیگانگان همراه است)
۲۶	کودک از افسردگی رنج می‌برد.
۲۷	اختلالات اضطرابی مثل اضطراب جدایی در کودک پررنگ است

۲۸	کودک از شناختن الگوهای دینی یا دیدن یا شناختن انسان‌های بزرگ و دستاوردهای آن‌ها که می‌تواند روش مؤثری در همزاد پنداری و الگو یابی مثبت باشد محروم است.
۲۹	انواع استرس مثل استرس تحصیلی و ترس از اجتماع کودک را آزرده کرده است
۳۰	پرخاشگر شدن کودک یک مسئله است
۳۱	در کودک تعهد و مسئولیت‌پذیری ضعیف شده است
۳۲	اعتماد به نفس و عزت نفس کودک ضعیف است
۳۳	کودک در گروه‌های دوستی با عدم پذیرش مواجه می‌شود
۳۴	کودک در انجام مسائل شخصی خود احساس ناتوانی دارد و بجای ایستادن بر روی پای خود از دیگران انتظار بیجا داشته و متوقع است.
۳۵	افت تحصیلی از جمله مسائل کودک است
۳۶	کودک نیاز دارد انفاق، سخاوت، گذشت و ایثار را بیاموزد
۳۷	کودک مفهوم صبر را در زندگی نیاموخته است.
۳۸	کودک از مفهوم قناعت دور است
۳۹	کودک کمتر به اصول اخلاقی مانند احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها یا حفظ متانت و ادب در صحبت کردن پایبند است.
۴۰	کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است
۴۱	ارتباط کودک با محیط زیست کم است در نتیجه توان درک زیست کره زمین را ندارد
۴۲	تک فرزندی از جمله مسائل کودک است
۴۳	ارتباط کودک با همسالانش محدود شده است
۴۴	کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است
۴۵	کودک ناامید و بی‌انگیزه است
۴۶	کودک تنبل و منفعل است
۴۷	کودک از نقص توجه (بیش‌فعالی و مشکل تمرکز) رنج می‌برد.
۴۸	باورهای ملی، مذهبی و اعتقادات در کودک ضعیف شده است و هویت ملی-مذهبی او ضعیف شده است.
۴۹	کودک در جامعه با شبهاتی مواجه می‌شود که توان پاسخ به آن‌ها را ندارد.
۵۰	کودک دچار چاقی یا لاغری مفرط هستند
۵۱	کودک بی‌تحرک هستند
۵۲	کودک برای مطالعه اهمیت کمی‌قائل است و زمان کمی‌را به آن اختصاص می‌دهد
۵۳	کودک کار و بد سرپرست دچار بزه‌کاری هستند
۵۴	کودک کار و بد سرپرست مواد مخدر می‌فروشند
۵۵	به کودک کار و مشکلات آن‌ها توجه جدی نمی‌شود
۵۶	کودک به ویژه کودک کار یا بد سرپرست در معرض سوءاستفاده جنسی هستند



			۷۵	جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیاز سازی می کنند و به جای توجه به امیال کودک و نیازهای او به خواسته ها و تمایلات خود توجه و جامه عمل می پوشانند
			۷۶	جامعه و خانواده کودک را با دید منفی و با عینک بدبینی به عنوان فردی ناتوان می بینند و به اندازه توانمندی های وی به او مسئولیت نمی دهند.
			۷۷	در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن کودک از او گرفته شده است
			۷۸	فطرت و غرایز کودک در جامعه و خانواده نادیده گرفته می شود
			۵	<b>در این بخش مسائل ناظر به کودک و خانواده مورد بررسی قرار خواهد گرفت</b>
			۷۹	امروزه خانواده ها فکر می کنند که فرزندانشان بسیار باهوش هستند.
			۸۰	شکاف نسلی والدین با کودک در جامعه امروزی عمیق تر و گسترده تر شده است
			۸۱	محیط خانواده یک محیط آرام امن و بدون تنش نیست و والدین مشکلات و بحث های خود را در مقابل کودک بروز می دهند در نتیجه محیط زندگی کودک استرس زا و پر تنش است.
			۸۲	خانواده به کودک اجازه رویارویی با مشکلات عادی روزمره را نمی دهند
			۸۳	در خانواده کودک مورد آزار و اذیت روانی قرار می گیرد
			۸۴	جایگاه مادر به معلم بدل شده است
			۸۵	والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند
			۸۶	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی و گذشته خود استفاده می کنند
			۸۷	درگیری های رفتاری فیزیکی والدین و نهایتاً طلاق آن ها موجب آسیب های روحی مانند افسردگی در کودک شده است.
			۸۸	جدایی والدین زمینه های اضطراب را در کودکان تشدید کرده است.
			۸۹	حساسیت های رفتاری مثل سوء ظن و حسادت در کودکان خانواده های طلاق پررنگ تر است.
			۹۰	پدر در خانواده در امر تربیت کودک و تعامل با او نقش کم رنگی دارد
			۹۱	سبک تربیت و آموزشی مورد نظر پدر و مادر باهم تداخل و تعارض داشته و آن ها در پیگیری یک سبک و روش تربیتی واحد تفاهم ندارند
			۹۲	خانواده در سن کودکی برای کودک تبلت یا موبایل تهیه می کنند
			۹۳	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل اوست
			۹۴	در خانواده در رابطه با مسائل کودک با خود او صحبت نمی شود و والدین با کودک در تصمیم گیری های مرتبط با وی مشارکت و مشورت ندارند



			استثمار و شیء انگاری کودک در نهادهای آموزشی (تحمیل انتظارات و خواسته‌های خود به کودک به عنوان یک وسیله یا شیء فاقد تفکر و درخواست از او برای انجام تمام یا اکثر موارد موردنظر بزرگسال)	۱۱۹
			در مدارس و نهادهای آموزشی فضای رقابتی منفی حاکم است	۱۲۰
			فعالیت و کار کودک بر اساس توجه دیگران ارزش گذاری می‌شود نه بر اساس تلاش و کیفیت انجام کار توسط او	۱۲۱



پیوست شماره دو: پرسشنامه راند سوم کودک

«بسمه تعالی»

پرسشنامه شناخت مسائل کودک امروز و اولویت بندی آن‌ها با عرض سلام، ادب و احترام

در ابتدای ارائه پرسشنامه از همکاری شما بسیار متشکریم و در ادامه، پرسشنامه زیر به منظور پروژه شناخت مسائل کودک امروز و اولویت بندی آن‌ها تحت نظارت رصدخانه کودک و نوجوان طراحی گردیده است. این پرسشنامه قبلاً با تعداد گویه‌های ۱۲۱ موردی و در سه ملاک در خدمت شما قرار گرفت و پس از پاسخ‌دهی شما عزیزان و بررسی پاسخ‌ها تعدادی از گویه‌ها حذف گردید. در این مرحله پرسشنامه با دو بخش مجزا در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در این مرحله پرسشنامه با دو بخش مجزا در اختیار شما قرار گرفته است. در بخش اول از شما پاسخگوی محترم خواهشمندیم معین کنید که هر یک از گویه‌ها مطرح شده از نظر شما چقدر به عنوان مسئله کودک اهمیت دارد.

۱. کودک در به کارگیری مهارت حل مسئله ضعیف است.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۲. سطح تحمل و تاب آوری کودک پایین است.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۳. ظرفیت همدلی و درک متقابل در کودک کم است.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۴. کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی ندارد.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۵. کودک دچار وابستگی به فضای مجازی است.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۶. کودک با خانواده تعامل صمیمی مانده ندارد.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۷. کودک پرخاشگر شده است.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۸. کودک با انواع استرس (استرس تحصیلی، ترس از اجتماع و ...) مواجه است.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۹. کودک متعهد و مسئولیت پذیر نیست.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------
۱۰. کودک در انجام مسائل شخصی خود احساس ناتوانی دارد.
 

<input type="checkbox"/> اصلا	<input type="checkbox"/> خیلی کم	<input type="checkbox"/> کم	<input type="checkbox"/> زیاد	<input type="checkbox"/> خیلی زیاد
-------------------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------------------	------------------------------------

۱۱. کودک از مضامین اخلاقی \_ تربیتی دور بوده و آن‌ها را نیاموخته است (مضامینی مانند انفاق، سخاوت، ایثار، صبر، قناعت، متانت، احترام و اداب).

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۲. کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۳. کودک با همسالانش ارتباط کمی دارد.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۴. کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۵. هویت ملی در کودک ضعیف شده است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۶. باورها و اعتقادات مذهبی در کودک ضعیف شده است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۷. کودک کم تحرک است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۸. کودک زمان کمی را به مطالعه اختصاص می‌دهد.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۱۹. کودک کار و مشکلات او به طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۰. به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۱. برنامه‌ریزان جامعه نسبت به تدوین و ساخت محتوای سرگرمی- آموزشی پربار و مناسب سن کودک در فضای مجازی و واقعی بی توجه هستند .

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۲. متولیان تربیتی در جامعه متناقض عمل می‌کنند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۳. سندی مبتنی بر مهارت‌آموزی به کودک در جامعه وجود ندارد.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۴. آپارتمان نشینی فعالیت فیزیکی و بازی کودک را محدود کرده است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۵. محیط مناسبی برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۶. شهرنشینی و آپارتمان نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۷. برنامه‌ها و محتوای تربیتی و آموزشی که توسط نهادهای مختلف برای کودکان ارائه می‌شوند، بر پایه اصول علمی عملی تدوین نشده‌اند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۸. خانواده و جامعه به کودک فرصت رویارویی با مشکلات روزمره و در نتیجه اشتباه کردن را نمی‌دهند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۲۹. جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیازسازی می‌کنند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۰. در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن و دوران کودکی از کودک گرفته شده است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۱. خانواده و جامعه در پاسخگویی درست به اقتضائات دوران کودکی دچار ضعف هستند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۲. امروزه خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندانشان بسیار باهوش هستند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۳. والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۴. والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی خود استفاده می‌کنند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۵. درگیری‌های رفتاری- فیزیکی، بحث‌ها و دعواهای والدین بویژه در مقابل کودک موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی و استرس در کودک شده است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۶. جدایی والدین زمینه‌های آسیب‌های روان‌شناختی و حساسیت‌های رفتاری مثل سوءظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق را تشدید کرده است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۷. پدر در تربیت و تعامل با کودک نقش کم‌رنگی دارد.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۳۸. والدین در پیگیری یک سبک تربیتی واحد اختلاف نظر دارند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۳۹. خانواده در سن کودکی برای کودک تبلت یا موبایل تهیه می‌کنند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۰. بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل او است.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۱. والدین با کودک در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با شخص او مشارکت و مشورت ندارند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۲. کودک‌سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده است.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۳. مشکلات اقتصادی خانواده‌ها بر کودکان تأثیر سوء دارد.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۴. والدین دانش کافی برای پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۵. والدین در زمینه حل و بهبود مشکلات کودک از مشاور و روان‌شناس کمک نمی‌گیرند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۶. خانواده‌ها در آموزش مفهوم خودمراقبتی به کودک ضعیف عمل می‌کنند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۷. والدین با اعتماد به فضای مجازی توجه خود را از کودک دریغ می‌کنند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۸. سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است، لذا خانواده‌ها نمی‌توانند به درستی بر استفاده کودک از رسانه نظارت داشته باشند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۴۹. تعدد متولیان تربیتی باعث ایجاد تناقضات تربیتی در کودک شده است.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۵۰. والدین در مهارت‌های فرزندپروری ضعیف هستند.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۵۱. مدیریت آموزشی در مدارس ضعیف است.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۵۲. عملکرد نظام تربیتی در مدارس ضعیف است.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۵۳. به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود.
- اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد
۵۴. در مدارس سنجش همه افراد به صورت یکسان صورت می‌گیرد و به تفاوت‌ها توجهی نمی‌شود.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۵۵. در نهادهای آموزشی انتظارات به کودک تحمیل می‌شوند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۵۶. در مدارس فضای رقابتی منفی حاکم است.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۵۷. مریبان و اعضای خانواده دستاوردها و فعالیت‌های کودک را نه بر اساس تلاش و کیفیت کار خود کودک، بلکه براساس نظرات و خوشایند سایرین ارزیابی می‌کنند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

۵۸. استعدادهای کودک در جامعه موردتوجه قرار نمی‌گیرند.

اصلا  خیلی کم  کم  زیاد  خیلی زیاد

ب: همان‌طور که می‌دانید مشکلات فردی یا اجتماعی هم، مشابه درختی که شامل ریشه، تنه و شاخه است، دارای ریشه (گویه‌هایی که منشا و علت ایجاد سایر مسائل می‌شوند)، تنه (گویه‌های مرتبط با مشکلاتی که در دنباله ریشه‌ها ایجاد می‌شوند و حکم مسائل اصلی را دارند) و شاخه (گویه‌هایی که در نتیجه مسائل اصلی ظاهر می‌شوند، مستقیماً از ریشه نشات نگرفته‌اند بلکه به دلیل حل نشدن مسائل اصلی، زمینه بروز پیدا کرده‌اند و به آن‌ها پیامد گفته می‌شود) هستند.

لطفاً نوع هر یک از عناوین داده‌شده را بر اساس توضیح ارائه‌شده در ستون مقتضی مشخص کنید (توجه شود که هر مسئله تنها می‌تواند به عنوان زیر گروه یکی از ستون‌ها قرار گیرد).

شاخه (پیامد)	تنه (مسئله اصلی)	ریشه	گویه	
			کودک در به کارگیری مهارت حل مسئله ضعیف است .	۱
			سطح تحمل و تاب‌آوری کودک پایین است .	۲
			ظرفیت همدلی و توان درک متقابل در کودک پایین است .	۳
			کودک تمایلی به انجام بازی‌های جمعی ندارد.	۴
			کودک دچار وابستگی به فضای مجازی است.	۵
			کودک با خانواده تعامل صمیمانه ندارد.	۶
			کودک پرخاشگر شده است.	۷
			کودک از انواع استرس (استرس تحصیلی، ترس از اجتماع و ...) رنج می‌برد .	۸

۹	کودک متعهد و مسئولیت پذیر نیست .		
۱۰	کودک در انجام مسائل شخصی خود احساس ناتوانی دارد .		
۱۱	کودک از مضامین اخلاقی - تربیتی دور بوده و آن‌ها را نیاموخته است (مضامینی مانند انفاق، سخاوت، ایثار، صبر، قناعت، متانت، احترام و ادب) .		
۱۲	کودک در کار تیمی و همکاری ضعیف است .		
۱۳	کودک با همسالانش ارتباط کمی دارد .		
۱۴	کودک به وسیله رسانه‌ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است .		
۱۵	هویت ملی در کودک ضعیف شده است .		
۱۶	باورها و اعتقادات مذهبی در کودک ضعیف شده است .		
۱۷	کودک کم تحرک است .		
۱۸	کودک زمان کمی را به مطالعه اختصاص می‌دهد .		
۱۹	کودک کار و مشکلات او به طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد .		
۲۰	به آموزش مفهوم اشتغال به کودک در جامعه توجه نمی‌شود .		
۲۱	برنامه‌ریزان جامعه نسبت به تدوین و ساخت محتوای سرگرمی - آموزشی پربار و مناسب سن کودک در فضای مجازی و واقعی (مدارس، مکان‌های تفریحی و ...) بی توجه هستند .		
۲۲	متولیان تربیتی در جامعه متناقض عمل می‌کنند .		
۲۳	سند مبتنی بر مهارت‌آموزی به کودک در جامعه وجود ندارد .		
۲۴	آپارتمان‌نشینی فعالیت فیزیکی و بازی کودک را محدود کرده است .		
۲۵	محیط مناسبی برای تفریح کودکان با نیازهای متنوع وجود ندارد .		
۲۶	شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی موجب جدایی کودک از طبیعت شده است .		
۲۷	برنامه‌ها و محتواهای تربیتی و آموزشی که توسط نهادهای مختلف برای کودکان ارائه می‌شوند، بر پایه اصول علمی عملی تدوین نشده اند .		
۲۸	خانواده و جامعه به کودک فرصت رویارویی با مشکلات روزمره و در نتیجه اشتباه کردن را نمی‌دهند .		

۲۹	جامعه و خانواده از بیرون برای کودک به صورت کاذب نیازسازی می‌کنند .
۳۰	در جامعه و خانواده حق کودکی کردن و زندگی متناسب با سن و دوران کودکی از کودک گرفته شده است .
۳۱	خانواده و جامعه در پاسخگویی درست اقتضانات دوران کودکی دچار ضعف هستند .
۳۲	امروزه خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندان‌شان بسیار باهوش هستند .
۳۳	والدین به تربیت و آموزش جنسی کودک توجه ندارند .
۳۴	والدین در تربیت کودک از الگوهای تربیتی قدیمی خود استفاده می‌کنند .
۳۵	درگیری‌های رفتاری- فیزیکی، بحث‌ها و دعوای والدین بویژه در مقابل کودک موجب آسیب‌های روحی مانند افسردگی و استرس در کودک شده‌است .
۳۶	جدایی والدین زمینه‌های آسیب‌های روان‌شناختی و حساسیت‌های رفتاری مثل سوءظن و حسادت در کودکان خانواده‌های طلاق را تشدید کرده است
۳۷	پدر در تعامل و تربیت کودک نقش کم‌رنگی دارد .
۳۸	والدین در پیگیری یک سبک تربیتی واحد اختلاف نظر دارند.
۳۹	خانواده در سن کودکی برای کودک تبلت یا موبایل تهیه می‌کنند .
۴۰	بخش اعظم توجه والدین معطوف به بخش کوچکی از نیازهای کودک مثل تحصیل او است .
۴۱	والدین با کودک در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با شخص او مشارکت و مشورت ندارند .
۴۲	کودک‌سالاری در خانواده‌ها پررنگ شده است .
۴۳	مشکلات اقتصادی خانواده‌ها بر کودکان تأثیر سوء دارد (مشکلات اقتصادی خانواده موجب اشتغال ذهنی کودک و مقایسه خودش با دیگران می‌شود) .
۴۴	والدین دانش کافی برای پاسخگویی به سؤالات کودک را ندارند .
۴۵	والدین در زمینه حل و بهبود مشکلات کودک از مشاور و روان‌شناس کمک نمی‌گیرند .
۴۶	خانواده‌ها در آموزش مفهوم خودمراقبتی به کودک ضعیف عمل می‌کنند .
۴۷	والدین با اعتیاد به فضای مجازی توجه خود را از کودک دریغ می‌کنند .
۴۸	سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها پایین است .

۴۹	خانواده‌ها بر استفاده کودک از رسانه نظارتی ندارند .
۵۰	تعدد متولیان تربیتی باعث ایجاد تناقضات تربیتی در کودک شده است .
۵۱	والدین در مهارت‌های فرزندپروری ضعیف هستند .
۵۲	مدیریت آموزشی در مدارس ضعیف است (مدیریت آموزشی به معنای برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، نظارت و ارزیابی فرآیند آموزش است) .
۵۳	عملکرد نظام تربیتی در مدارس ضعیف است .
۵۴	به بومی کردن محتوای آموزشی توجهی نمی‌شود .
۵۵	در مدارس سنجش همه افراد به صورت یکسان صورت می‌گیرد و به تفاوت‌ها توجهی نمی‌شود .
۵۶	در نهادهای آموزشی انتظارات به کودک تحمیل می‌شوند .
۵۷	در مدارس فضای رقابتی منفی حاکم است .
۵۸	مربیان و اعضای خانواده دستاوردها و فعالیت‌های کودک را نه بر اساس تلاش و کیفیت کار خود کودک، بلکه براساس نظرات و خوشایند سایرین ارزیابی می‌کنند .
۵۹	استعدادهای کودک در جامعه موردتوجه قرار نمی‌گیرند.

نام و نام خانوادگی: .....

سطح تحصیلات:

دیپلم و فوق دیپلم     کارشناسی     کارشناسی ارشد     دکتری     حوزوی

رشته تحصیلی: .....

عنوان فعالیت در حوزه کودک: .....

مدت زمان فعالیت در حوزه کودک:

کمتر از دو سال     دو تا پنج سال     شش تا هشت سال     نه سال و بیشتر

صمیمانه از همکاری شما و اختصاص وقت ارزشمندتان برای پاسخگویی سپاسگزاریم.



## خلاصه گزارش

کودکی و نوجوانی از مهم ترین و سرنوشت سازترین دوران های زندگی هر انسانی به شمار می آیند. طی دهه های گذشته نیز تحقیقات گوناگونی در مورد کودک و نوجوان صورت گرفته که هر یک موضوعی خاص را در مورد آنها مورد توجه قرار داده اند. این پژوهش به شناسایی و اولویت بندی مسائل کودک از دیدگاه خبرگان این حوزه می پردازد. این پژوهش در دو بخش و با استفاده از روش تحقیق اسنادی و دلفی صورت گرفته است. جامعه آماری شامل تحقیقات منتشر شده در ۱۰ سال گذشته و افرادی است که سابقه انجام کارهای نظری، تجربی و اجرایی در خصوص کودک داشته اند که به صورت نمونه گیری هدفمند ترکیبی انتخاب شدند، حجم نمونه شامل ۵۰ متخصص کودک بوده است. داده ها نیز با استفاده از سه راند دلفی (گروه متمرکز و پرسشنامه محقق ساخته) گردآوری شده است. یافته های حاصل از بخش کودک نشان می دهد از مهم ترین مسائل اولویت دار کودک به ترتیب می توان به ضعف عملکرد نظام تربیتی در مدارس، سنجش یکسان همه افراد و بی توجهی به تفاوتها در مدارس، محدودیت در فعالیت فیزیکی و بازی به واسطه آپارتمان نشینی و شهرنشینی و در نتیجه جدایی کودک از طبیعت، تهیه تبلت در سن کودکی برای کودک، تحمیل انتظارات به کودک در نهادهای آموزشی، کودک به وسیله رسانه ها، فضای مجازی و اطرافیان با اطلاعات فراتر از سن خود روبرو است، اعتیاد والدین به فضای مجازی و بی توجهی به کودک، اعطای بخش اعظم توجه والدین به بخش کوچکی از نیازهای کودک، سطح سواد رسانه ای پایین در خانواده ها و ناتوانی در نظارت بر استفاده کودک از رسانه اشاره کرد این مسائل در راند دوم نیز به عنوان مسائلی با بیشترین میزان شیوع و فراگیری مطرح شده اند. بیشتر مسائل مطرح شده از سوی داوران برای کودک ریشه در خانواده و نظام آموزش دارد.

آدرس: اصفهان، خیابان مسجد سید، خیابان آیت الله زاهد، کوچه ۱۵،

پژوهشکده مهرستان

۰۳۱۳۳۲۴۰۳۴۴۸

Mehrestan.ui.ac.ir